



The Role of Women in the Sacred Defense: A Perspective from War Memoirs A Study of The Girl of Shina, The War Hospital, and The Last Sunday

Abbas Nori^{1*}

1- Master of Arts in Islamic Revolution Sociology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract:

Memoirs constitute a significant portion of literary works. Memoirs of the Sacred Defense are highly important for the history and literature of our eight-year war. In examining the role of Iranian women during the imposed war studying these memoirs opens a window into the events of the Sacred Defense for researchers. The purpose of this study is to demonstrate the importance and role of women in supporting the war effort behind the front lines, based on

three memoirs: The Girl of Shina, The War Hospital, and The Last Sunday

The findings indicate that women, who already assumed half of the social responsibilities within and outside the home, consistently participated in all matters related to men, and their direct and indirect presence on the battlefield during the imposed war is evident. Since the main objective of this article is to investigate the role of women in wartime support as reflected in the mentioned books, the following results were obtained: active participation behind the front lines, assistance to fighters and families of martyrs and war victims undertaking male-dominated tasks, providing moral support to their soldier husbands, patience and endurance, involvement in support headquarters preparation and distribution of food and clothing, organizing various forms of financial and non-financial aid, encouraging and motivating their spouses and children, and shouldering the heavy responsibilities of motherhood and wifehood during the absence of their husbands

The main research question is: What role and position did women have in the Sacred Defense, according to the memoirs of the three mentioned books? This study is descriptive-analytical, and data collection was conducted through library resources, indexing, and internet sources.

Review History:

Received: 24 Aug 2025

Revised: 16 Sep 2025

Accepted: 18 Sep 2025

Available Online: 25 Sep 2025

Keywords:

Sacred Defense

The Girl of Shina

The War Hospital

The Last Sunday

War Support.

How To Cite This Article:

Nori, A. (2025). – The Role of Women in the Sacred Defense: A Perspective from War Memoirs A Study of The Girl of Shina, The War Hospital, and The Last Sunday. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 1-16 (In Persian)



*Corresponding author's email: abasnori64@yahoo.com



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to Iran Sacred Defense Scientific Association. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License. For more information, please visit <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



«نقش پشتیبانی زنان در دفاع مقدس» از منظر خاطرات جنگ با نگاهی به کتاب‌های دختر شینا، بیمارستان جنگی و یکشنبه آخر

عباس نوری*

۱- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران، ایران

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۲ شهریور ۱۴۰۴
بازنگری: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴
پذیرش: ۲۷ شهریور ۱۴۰۴
ارائه آنلاین: ۳ مهر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

دفاع مقدس
دختر شینا
بیمارستان جنگی
یکشنبه آخر
پشتیبانی جنگ

خاطره نگاشته‌ها بخش مهمی از آثار ادبی را تشکیل می‌دهد. خاطره‌نگاشته‌های دفاع مقدس برای تاریخ و ادبیات دفاع هشت ساله ما بسیار حائز اهمیت هستند. در راستای بررسی نقش زنان ایران در دوران جنگ تحمیلی، مطالعه این خاطره‌نگاشته‌ها پنجره‌ای رو به وقایع دفاع مقدس برای اهل تحقیق می‌گشاید. هدف از این پژوهش نشان دادن اهمیت و نقش زنان در پشت جبهه و نقش پشتیبانی آنها در جنگ تحمیلی بر اساس ۳ خاطره‌نگاشت دختر شینا، بیمارستان جنگی و یکشنبه آخر است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که زنان همانگونه که نیمی از مسئولیت‌های اجتماعی را در داخل و خارج خانه به عهده گرفته‌اند، همواره در تمام امور مربوط به مردان نیز مشارکت داشته و در جنگ تحمیلی نیز شاهد حضور مستقیم و غیر مستقیم آنان در صحنه بوده‌ایم. از آنجا که هدف از مقاله بررسی نقش زنان در پشتیبانی جنگ در کتابهای مذکور است لذا در این کتب این نتایج به دست آمد: حضور فعال در پشت جبهه و یاری به رزمندگان و خانواده شهدا و جنگ‌زدگان، برعهده گرفتن کارهای مردانه، روحیه دادن به همسر رزمنده، صبر و بردباری، حضور در ستادهای پشتیبانی و تهیه و تدارکات غذا و پوشاک و ساماندهی انواع کمکهای نقدی و غیر نقدی و تشویق و ترغیب همسران و فرزندان خود، انجام مسئولیت‌های سنگین مادری و همسری در نبودن شوهر و سوال اصلی این پژوهش آن است که زنان در دفاع مقدس بر اساس خاطرات سه کتاب مذکور چه نقش و جایگاهی دارند؟ این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به صورت استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و اینترنت است.

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Nori, A. (2025). The Role of Women in the Sacred Defense: A Perspective from War Memoirs – A Study of The Girl of Shina, The War Hospital, and The Last Sunday. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 1-16 (In Persian)



* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: abasnor64@yahoo.com



مقدمه

زنان، در جریان انقلاب اسلامی بدون تحمیل، تقلید و تنها براساس شعور دینی و ملی خود وارد عرصه مبارزات شدند و در جهت تحکیم و تثبیت پایه های انقلاب و ارزشهای اصیل گام برداشتند. صحنه جدیدی که زنان احساس تکلیف کردند، و برای ادای دین، نقش آفرینی و حضور تأثیر گذار، انتخاب کردند، صحنه دفاع مقدس بود. در طی سالهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، زنان نقشهای بارز و حساسی را ایفا کردند. آنها محکم و استوار در کنار مردان ایستادند و صبر را معنا کردند. می توان حضور زنان در جبهه ها را جهادگونه توصیف کرد. جهاد فقط به معنای حضور در جبهه نیست؛ بلکه هرگونه تلاش برای مقابله با دشمن را می توان جهاد نامید (مطهری، ۱۳۷۳: ۶۳)

آنان به شکل حضور مستقیم در عرصه نبرد و مناطق جنگی و حضور غیر مستقیم با حمایت و پشتیبانی از سنگر پشت جبهه ها، به ایفای نقشهای جدید پرداختند. حضور زنان در فعالیت های خدماتی و تدارکاتی پشت جبهه ها و انجام هر نوع وظیفه ای که از دستشان برمی آمد، به اندازه های پر شور و توصیف ناپذیر بود که حضرت امام خمینی (ره) آن را حضوری بی سابقه در کل تاریخ مبارزاتی ملتها می دانستند، در کجای دنیا شما سراغ دارید یک همچو مطلبی، یک همچو پشتیبانی مردم از حکومت، از ارتش، سراغ نداریم ما جایی در این، نظیر نداشته است این، در تاریخ هم نم ی توانید پیدا کنید ...» (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۳: ۱۹۲).

زن در طول تاریخ نقشهای متفاوتی ایفا کرده است. مشخصه بارز زن، نقش مادری است. نقشی که جایگزین ندارد. زن مربی و تربیت کننده است؛ نه حفظ و تربیت فرزندان، بلکه همه آنان که با او در ارتباطند. زن مربی جامعه است (اخگری، ۱۳۸۱: ۱۲۱). این زنان بودند که با نقش تربیتی خود در فرستادن فرزندان به جبهه های جنگ، نقش معنوی و روحانی بازی کردند. گذشته از این، اگرچه خطوط مقدم و رویارویی اصلی فیزیکی در میداين نبرد را مردان تشکیل می دادند، ولی پشتیبانی و حمایت همه جانبه زنان در خاکریزهای عقبه نیروهای خودی و برطرف کردن نیازهای آنان (لباس، غذا و...)، ملیۀ ثبات قدم و استقامت رزمندگان بود (ندری ابیانه و ترکمانی، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۷). در برخی خاطره نگاری های ادبیات دفاع مقدس به خاطراتی از پشت جبهه و پشتیبانی های جنگ پرداخته شده است. در دیگری زنان به عنوان پشتیبان عمل می کنند.

در این پژوهش بر اساس سه خاطره نگاشت دختر شینا، بیمارستان جنگی و یکشنبه آخر به دنبال بررسی نقش و فعالیت زنان در پشتیبانی از جبهه ها در جنگ هشت ساله ایران و عراق و شجاعت ها و رشادت های آنان دوشادوش مردان، ایثار و فداکاری آنان با روحیه مهربانی و دلسوزی مادرانه و ظرافت زنانه از یک طرف و حس وطن دوستی و بیگانه ستیزی آنها از طرف دیگر هستیم.

الف) مبانی نظری تحقیق

۱- ادبیات جنگ

تردیدی نیست که پای ادبیات دیرزمانی است در مقوله ی جنگ گشوده شده و جنگ تقریباً همیشه یک مبحث اساسی برای داستان نویسان جهان بوده است. داستان های بسیاری را می شناسیم که جنگ اگر نه تمامی موضوع، که بخش عمده ی اثر داستانی را شامل می شود. اما لزوماً همه نویسندگان داستان های جنگی از نزدیک شاهد وقایع جنگ نبوده اند. نوشتن درباره جنگ، عرصه ی گسترده ای را پیش روی داستان نویس قرار می دهد که می تواند از طریق ثبت هنرمندانه وقایع، تصویرگر دلآوری ها، حماسه ها، پیکارها، شکست ها و پیروزی ها و نگارگر عوارض و تبلیغات آن باشد. با بررسی اندکی در سیر داستان نویسی دو قرن اخیر جهان، این نکته روشن می شود که رمان ها و داستان های کوتاه بسیاری با بهره گیری از زمینه ی رویدادهای جنگی و مخاصمه های قومی، که گاه بین دو یا چند کشور، بین اقوام گوناگون از یک ملیت و یا بین طرفداران دو نهضت فکری و عقیدتی صورت گرفته، نوشته شده است. در این میان، جنگ های اول و دوم جهانی انگیزه ی خلق آثار ادبی بسیاری شده است. (ملکی، ۱۳۹۲: ۱۴)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷، بزرگترین رویداد تاریخی کشور، هشت سال دفاع مقدس است. این پدیده با تأثیر گذاری بر جوانب مختلف زندگی مردم، نویسندگان را بر آن داشت تا با ثبت لحظات و وقایع، این رشادتها را برای همیشه جاودانه کنند. ادبیات دفاع مقدس زمینه ها و انواع مختلفی دارد و از شعر و داستان و خاطره تا نمایشنامه و فیلمنامه را در بر میگیرد و در این مقاله تنها به خاطرات جنگ پرداخته می شود و سه خاطره نوشته در این خصوص بررسی و تحلیل می گردد.

۲- خاطره نگاشته‌ها

خاطره نگاشته‌ها بخش عظیمی از ادبیات هر ملت را تشکیل می‌دهند ولی متأسفانه در زمینه خاطره نگاشت تحقیقات چندانی انجام نگرفته است. خاطره نویسی در معنای امروزی آن همزمان با آشنایی ایرانیان با ادبیات غربی از اواسط دوره قاجار شکل گرفته است. استقبال از این نوع نوشتن در دوره‌ی پهلوی بیشتر از گذشته بود. «خاطره نویسی گاهی برای زنده نگاه داشتن یادها، تجارب و خاطرات یک ملت است تا هم‌چون چراغی بر روی آفرینش های هنری و ادبی نسل های آینده قرار گیرد» (ایروانی، ۱۳۹۰: ۱۱) در دوران دفاع مقدس افرادی که از دور و نزدیک شاهد اتفاقات میدان جنگ و رشادتهای ایرانیان بوده اند با نوشتن خاطره نگاشت هایی به ثبت این دلاوری ها پرداختند.

۴ خاطره‌نگاشت دختر شینا، بیمارستان جنگی و یکشنبه آخر از جمله آثاری هستند که در آنها به نوعی دلیری ها، ایثار و فداکاری های زنان بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۱- انواع خاطرات

خاطرات دفاع مقدس را به اعتبار گوناگون می‌توان تقسیم بندی کرد.

- ۱- به اعتبار صاحبان خاطره (آزادگان- زنان- رزمندگان- فرماندهان- پزشکان و پرستاران و ...)
- ۲- به اعتبار شخصیت های خاطره (خاطرات خود یا خاطرات منفعل یا یادآمدهای شخصی)، (خاطرات دیگران: راوی، روایت و رخدادها، دیگران را بیان می‌کند) و (خاطرات جمعی: خاطراتی که به یک مجموعه مانند جبهه نشینان یا گذشته های ملی در جنگ اختصاص دارد. وقتی از روزهای جنگ به به اعتبار سخن سخن می‌گوییم، خاطرات جمعی را مرور می‌کنیم.
- ۳- به اعتبار نگارنده (خاطرات خودنگاشته: نویسنده یا راوی حاضر در صحنه و به زبان دیگ آنکه خود در خاطره و رویداد بوده، نویسنده خاطره است.)، (خاطرات دیگر نگاشته: آنکه هود در خاطره نبوده است اما بازنویسی و گاه بازآفرینی می‌کند).

به اعتبار نوع بیان نیز خارات را می‌توان به جدی، طنزآمیز و ... تقسیم کرد. (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۳۸)

۲-۲- کارکردهای خاطره‌نگاشته‌ها

خاطره نگاشته‌ها کارکردهای فراوانی دارند که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- وسیله ای برای انتقال آداب و رسوم جوامع به نسلهای آینده است. ۲- برای سایر گونه های ادبی و هنرها پشتوانه است.
- ۳- وسیله ابراز احساسات یک ملت است. ۴- از عوامل دگرگونی نثر فارسی است. ۵- برای مطالعات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و تاریخی، خاطره ها منابع مهمی هستند. ۶- برای کشف زوایای پنهان تاریخ، خاطره نویسی کمک کننده است. (ملکی، ۱۳۹۲: ۱۷)

۲-۳- خاطره نگاشته در جنگ

جنگ هشت ساله ایران و عراق که به درستی از آن به عنوان جنگ تحمیلی و دفاع مقدس یاد کرده‌اند از جهت بازتاب آن در آثار ادبی و هنری این دوره حائز اهمیت و توجه فراوان است. آن هنگام که جنگ ناخواسته و بی هنگام آغاز شد، کمتر کسی گمان می‌داشت که انعکاس حوادث گوناگون این واقعه بتواند در عرصه ادب و فرهنگ، به خلق و پیدایی معارف و اندیشه‌های بدیع بیانجامد. اگرچه در واقع و ظاهر، جنگ ناخوشایند و خون‌بار می نمود، در باطن و روان پیکارگران این عرصه جان مایه‌ای

از سلوک و معرفت داشت؛ معرفتی که به هنگام نیایش و راز و پیکار و خون و اسارت و شهادت، شکست و پیروزی، چهره‌ای یگانه و البته مستور از جنگ را در منظر شاهدان آن ترسیم کرد. «شاید یکی از علل ناشناختگی و غربت جبهه‌های جنگ و پیکارگران صحنه‌های رزم این باشد که حوادث و وقایع این رویداد در باور و ذهن و ضمیر و کنش پیکارگران آن، به روشنی و بایستگی روایت نشده است. حال آنکه مجموعه حقایق و وقایع جنگ از حیث درون مایه‌های معنوی، اساس ادب مقاومت این دوره را پدید آورده و خاطره نگاشته‌ها به مثابه جلوه و جلای ادب، واگوی واقع‌های درونی و شرح مشاهدات شاهدان جبهه‌های نبرد است.» پس از استقرار و حضور رزمندگان در نقاط تماس و درگیری با دشمن و آغاز زندگی در جنگ و پیدایی جامعه رزمنده اندک اندک خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی به سان اولین نوع واکنش و ارتباط فرهنگی رزمندگان چهره نمود و آن چه در این میان، در میدان عمل و کارزار و عرصه روایت و نگار و ثبت خاطرات به مثابه سرمایه و تجربه‌ای از پیش، رزمندگان جبهه‌های نبرد را یاری می‌کرد، به حضور درماجرا و وقایع انقلاب، مربوط می‌شود. (ملکی، ۱۳۹۲: ۲۰)

۳- زنان و جنگ

زنان در جوامع مختلف نه تنها در امور مربوط به تربیت کودکان و اداره زندگی به ایفای نقش پرداخته‌اند بلکه در موقعیت‌های بحرانی نیز تأثیری کلیدی داشته‌اند. جنگ واقعه‌ای است که در تمام جهان امکان وقوع دارد و زن نیز یکی از مخاطبین و رابطین همیشگی آن در طول تاریخ بوده است. به این ترتیب تحلیل خاطرات و تجربه زیسته زنان جهان در زمان جنگ و پس از آن می‌تواند در نتیجه‌گیری دقیق و به دور از پیش ذهنیتهای شخصی یاریگر باشد. مارلین توینینگا (۱۳۸۴) در کتاب خود با عنوان «زنان مخالف جنگ» تصویری جهانی از زنان ارائه می‌کند که به آن تعبیر «زن متکثر» می‌دهد. توینینگا عقیده دارد زنان در نقاط مختلف جهان به درک مشترکی از دردهای جنگ و اوضاع نابسامان اجتماعی رسیده‌اند و راه حل‌های مشترکی نیز اتخاذ کرده‌اند: «برای مقابله با چنین شرایطی زنان- و نیز جامعه‌ها- سه راه در پیش رو دارند. یا همچون اجداد هزاران ساله‌شان، لابه‌کنان، دندان‌ها را از خشم بر هم بفشارند و تن به سکوت بدهند، یا خود چنان منش و سیاستی را در پیش بگیرند و پسرانشان را رهسپار جنگ‌ها و فتوحات کنند، و یا اینکه راه سوم را در پیش بگیرند و مقاومت کنند» (توینینگا، ۱۳۸۴: ۱۰)

۳-۱- نگاهی به حضور زنان در جنگ در ادبیات پایداری

دفاع مقدس هشت ساله ما دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از دیگر مقاومت‌های ایرانیان متمایز می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها چگونگی بازتاب آن در ادبیات و هنر بوده است. در طول تاریخ ایران، هیچگاه هیچ جنگ یا مقاومتی تا این حد در هنر و ادبیات انعکاس نداشته و بر آن تأثیر نگذاشته است. تا آنجا که امروز در میان رشته‌های هنری و نیز ادبیات ما، ژانری به نام دفاع مقدس وجود دارد. چندان اغراق نیست اگر بگوئیم این ژانر هنر و ادبیات بعد از انقلاب اسلامی را هدایت کرده و بر آن تأثیر گذاشته است. ویژگی بارز و متمایز دیگر در دفاع مقدس که آن را از همه جنگ‌های دنیا و نیز مقاومت‌های ایرانیان در طول تاریخ این سرزمین جدا می‌کند، میزان حضور و نقش زنان در دفاع مقدس است. مادرانی که فرزندان خود را برای رفتن به جبهه بدرقه می‌کردند و همسرانی که دعای خیر همراه راه‌شهرانشان می‌کردند در پشت جبهه، درکنار زنان پرستار، بهیار، پزشک و رزمنده‌ای که در خط مقدم دوشادوش مردان می‌جنگیدند، چهره‌ای متفاوت از دفاع مقدس ایرانیان ساختند. (روزنامه کیهان، ۱۳۸۹، شماره ۱۹۷۵۰: ۹) بخش قابل توجهی از ادبیات پایداری دفاع مقدس بیانگر ایمان، رشادت، ایثارگری و صبوری زنانی است که گام به گام با مردان در دفاع مقدس پیش رفتند. (خبازیان، ۱۳۹۲: ۱۱) اما بیشتر از همه مسائل و جنبه‌های مختلف جنگ، از ایثار و فداکاری‌های سربازان و مبارزین سخن گفته شود و از نقش پراهمیت مادران و همسران آنها صحبتی به میان آورده نمی‌شود، بطور قطع حق مطلب بدرستی ادا نشده است، درست است که جنگ اصولاً یک فعالیت مردانه و خشن محسوب می‌گردد و قهور و بی‌باکی و شجاعت فراوانی را می‌طلبد که بدون این ویژگیها و صفات انسانی امکان درگیریها و

خونریزیها میسر نیست، اما باید توجه داشت که در پرورش این روحیه و خلیات جنگی زنان و همسران رزمندگان نقش اصلی را ایفا می‌نمایند. در طول هشت سال دفاع قهرمانانه ملت ایران، زنان شجاع و فداکار، دوشادوش مردان به دفاع پرداختند، آنان دست به کارهایی زدند که هیچ کسی انتظار انجام آن را نداشت؛ شجاعت‌هایی را از خود نشان دادند که همگان را از دوست و دشمن متحیر کرد. زنان جنگ ابتدا به خود و سپس به دیگران اثبات کردند که زن مسلمان صاحب توانایی‌های بی‌شماری است که در صورت تجلی، معرف پایگاه و جایگاه زن در اسلام می‌باشد. (خبازیان، ۱۳۹۲: ۱۱) کتاب‌هایی که خاطرات حضور زنان در جنگ را روایت می‌کند، مهمترین بخش از ادبیات زنان در جنگ است. کتاب‌هایی همچون «دا»، «پوتین‌های مریم»، «از چنده‌لا تا جنگ»، «دختران opd»، «کفش‌های سرگردان»، «یکشنبه آخر»، «پائیز ۵۹»، «یک دریا ستاره»، «زنان پایار»، «دختر شینا»، «زیتون سرخ» و «خاطرات فاطمه آباد» از جمله این کتاب‌هاست. این کتاب‌ها به خوبی نشان می‌دهد که حضور زنان ما در جنگ چگونه بوده و چه تاثیری در روند دفاع ما داشته است. پر مخاطب‌ترین کتاب ما در عرصه دفاع مقدس و شاید پر مخاطب‌ترین کتاب ما در سه دهه اخیر، کتاب «دا»، یکی از کتاب‌های مربوط به ادبیات زنان در جنگ است. بخش دیگری از ادبیات زنان در جنگ هشت ساله مربوط به کتاب‌هایی است که زنان نویسندگان از جنگ به رشته تحریر درآورده‌اند. «کوچه نقاش‌ها» نوشته راحله صبوری، «دا» نوشته سیده اعظم حسینی، «لشکر خوبان» نوشته معصومه سپهری و «دلاور مرد سیستان» نوشته سارا عرفانی از جمله این کتاب‌هاست که در واقع نشان دهنده نگاه زنان به جنگ است که در ادبیات انعکاس یافته است. بخش دیگری از ادبیات زنان در جنگ مربوط به خاطرات همسران رزمندگان جنگ است. کتاب‌های مجموعه کتاب بانوی ماه را که حاصل گفت و گو با همسران فرماندهانی همچون شهید همت، شهید باکری، شهید چمران و ... است را می‌توان در این رده، دسته‌بندی کرد. (روزنامه کیهان، ۱۳۸۹، شماره ۱۹۷۵۰: ۹)

۴- نقش زنان در دفاع مقدس

زن بر خلاف مقام خلافت الهی و املنداری الهی در طول تاریخ همواره در زمینه‌های مختلف نقش‌آفرین بوده است، اما حضور زنان در نقش‌های سیاسی و اجتماعی، مربوط به چند دهه اخیر است. زن ایرانی در سیر تکوینی و تکمیلی انقلاب اسلامی توانست جایگاه اخص و ممتازش را بیابد. او با الگوپذیری از اسوه‌های متعالی و راستین الهی و سلاح حجاب و عفت در مقابل تهاجم سیاسی، فکری و فرهنگی از آرمان‌هایش دفاع کرد. گسترده‌ترین صحنه حضور فعال زنان، در هشت سال دفاع مقدس است که آن‌ها توانستند با عزمی راسخ در مقابل تهاجم بیگانگان مقاومت نمایند. از نمونه‌های درخشان تبلور شخصیت واقعی زن، حضور و مشارکت قهرمانانه زنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. زن مسلمان ایرانی به واسطه اینکه ثابت کند از عاشورا و حماسه کربلا تأثیر می‌پذیرد، از زینب و زنان و مادرانی که پیام رسان کربلا و عاشورایند الگو می‌گیرد و دلیرانه در صفوف مبارزه و شهادت حضور می‌یابد. در عرصه دفاع از میهن اسلامی، زنان مسلمان ایرانی با الهام از تعالیم اسلامی و با شجاعت و صف‌ناپذیری در صحنه‌های مختلف حتی در میدان‌های رزم حضور یافتند و با ایفای نقش‌های تربیتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... تصویر نوینی از شخصیت زن مسلمان را ارائه نمودند. (نادرپور، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۷)

۵. بررسی نقش زنان در کتاب «دختر شینا»

خاطرات زندگی «قدم‌خیز کنعانی»، همسر شهید حاج ستار (صمد) ابراهیمی هژیر، به قلم بهناز ضرابی زاده است. این کتاب، در ۱۹ فصل تدوین شده است، که از زمان تولد راوی آغاز می‌شود و تا زمان شهادت همسر راوی ادامه می‌یابد. «دختر شینا»، از جمله معدود کتاب‌هایست که به روایت جنگ، پیامدها و حواشی آن، از دیدگاه یک زن می‌پردازد. در این کتاب، تنها به جنگ و هجوم دشمن در قالب یک یورش سرزمینی، پرداخته نشده است، بلکه جنگی تمام عیار بین خود و خواسته‌های درونی و همچنین رویارویی با مشکلات زندگی، برای رسیدن به نقطه‌ای مطلوب نیز، به تصویر کشیده شده است. راوی این کتاب یکی از زنانی است که با داشتن پنج فرزند، شوهرش را هم در جبهه از دست داده است. وی در این کتاب

زندگی خود را از کودکی تا زمان شهادت همسرش شرح می‌دهد. وی زنی خانه‌دار و بی‌سواد است که همیشه از رفتن همسرش به جبهه ناراحت و برای او نگران است اما هیچگاه مانع او نشده و با تمام مشکلات و نبودن او ساخته است. گرچه در این کتاب بیشتر روحیه دشمن ستیزی و انقلابی‌گری همسر این زن مطرح است اما حضور زنی متعهد و مسئولیت‌پذیر نیز در کنار او کاملاً مشهود است.

خلاصه کتاب: قدم‌خیر، آخرین فرزند خانواده است که در روستای قاپیش رزن، از توابع همدان به دنیا آمد. قبل از تولد او، پدرش بیماری سختی داشت؛ با تولد قدم‌خیر، پدرش دوباره سلامتی‌اش را بدست می‌آورد و به همین دلیل، قدم‌خیر می‌شود عزیزکرده و نورچشمی خانواده و خصوصاً پدر. دوران کودکی قدم‌خیر، همانند همه‌ی کودکان به بازی سپری می‌شود. وقتی به سن مدرسه می‌رسد با وجود اشتیاق زیاد به درس خواندن، به دلیل مختلط بودن کلاسها، اجازه تحصیل نمی‌یابد. چهارده ساله است که اولین خواستگار، از راه می‌رسد؛ «صمد». عزیز دردانه بودن و دلبستگی پدر به او باعث می‌شود، پدر راضی به ازدواج او نشود و از این امر، شانه خالی کند. اما بالاخره با وساطت و ریش سفیدی بزرگان، این ازدواج سر می‌گیرد. پس از ازدواج، صمد برای کار، ابتدا به همدان و پس از مدتی به تهران می‌رود.

صمد در تهران، درگیر جریانات انقلاب می‌شود. دیماه ۱۳۵۱ اولین فرزند قدم‌خیر، به دنیا می‌آید. پس از پیروزی انقلاب، صمد به سپاه پاسداران می‌پیوندد و در دادگاه انقلاب همدان، مشغول به کار می‌شود. مشغله‌های کاری صمد در همدان، باعث می‌شود، قدم‌خیر به همراه فرزندان، برای زندگی به همدان بروند. زندگی در همدان، با سختی‌ها و شیرینی‌هایی برای قدم‌خیر همراه است. مدتی پس از اقامت در همدان، صمد، توسط منافقین ترور و مجروح می‌شود. قدم‌خیر و همسرش برای مدت کوتاهی به روستا برمی‌گردند تا در طول دوران نقاهت صمد، در کنار خانوادشان باشند، اما صمد تصمیم می‌گیرد زودتر به همدان بازگردند. با شروع حمله‌ی عراق به ایران، صمد به جبهه می‌رود و قدم‌خیر به تنهایی مسئولیت زندگی خود و دو فرزندش را در نبود همسرش به عهده می‌گیرد. سال ۶۷ قدم‌خیر، دوباره حامله می‌شود و این بار پسری به دنیا می‌آورد. در همان سال صمد باز هم مجروح می‌شود، و این بار شدت جراحت، برای مدتی او را خانه نشین می‌کند، اما پس از بهبودی، صمد دوباره به جبهه باز می‌گردد. قدم‌خیر و صمد به همراه فرزندان، مدت کوتاهی را در سرپل‌ذهاب و در خانه‌های سازمانی پادگان ابوذر ساکن می‌شوند. اما با بمباران پادگان، دستور تخلیه‌ی پادگان صادر می‌شود و قدم‌خیر و فرزندان به همدان باز می‌گردند. سال ۶۴، صمد به مکه مشرف می‌شود و همان سال قدم‌خیر که فقط ۲۹ ساله دارد، پنجمین فرزندش را نیز به دنیا می‌آورد. سرانجام در اسفند سال ۶۵، عملیات کربلای ۵، انجام می‌شود و صمد که به عنوان فرمانده در این عملیات شرکت دارد، در شلمچه به شهادت می‌رسد.

۵-۱. مراقبت و نگهداری از فرزندان در زمان حضور شوهر در جبهه

قدم‌خیر همیشه موقع دنیا آوردن بچه‌هایش تنهاست و صمد چند روز بعد می‌آید. حتی دوران بارداری‌اش را نیز به تنهایی سپری می‌کند و صمد دیر به دیر به خانه می‌آید و به او سر می‌زند. این روند زندگی از زمانی که او تازه عروس بوده وجود داشته است. صمد در ابتدا به خاطر کارکردن در تهران و بعد به خاطر کار در همدان و آخر سر هم به خاطر حضور در جبهه، از زن و بچه‌اش دور بوده است وقتی قدم‌خیر بچه دوشم را که باردار می‌شود صمد در همدان کار می‌کند و پاسدار است و برای قدم‌خیر سخت است که در غیاب شوهر با بچه و دوران بارداری کنار بیاید این است که از صمد می‌خواهد در ده بماند و به همدان نرود:

«نمی‌خواهد بروی همدان. من حالم خراب است یک فکری به حالم بکن انگار دوباره حامله شده‌ام. بدون این که خم به ابرو بیاورد دستهایش را گرفت رو به آسمان و گفت خدا را شکر. خدا را صد هزار مرتبه شکر. خدایا بخش این قدم را که اینقدر ناشکر است خدایا فرزند خوب و صالحی به ما عطا کن. از دستش کفری شده بودم گفتم چی خدا را شکر خدا را شکر؟ تو که

نیستی بیینی من چقدر به زحمت می افتم دست تنها توی این سرما باید کهنه بشویم به کار خانه برسیم بچه را تر و خشک کنم. همه کاهرای خانه ریخته روی سر من. از خستگی از حال می روم.» (ضرابی زاده، ۱۳۹۰: ۸۹)

بچه سومش که دنیا می آید تا چهل روز از صمد خبری نمی شود و او علاوه بر دلتنگی زخم زبان دیگران را هم می شنود: «فردا صبح حاج آقایم رفت تا هر طور شده صمد را پیدا کند. عصر بود برگشت بدون صمد. یکی از همرزم هایش را دیده بود و سفارش کرده بود هر طور شده صمد را پیدا کنند و خبر را به او بدهند از همان لحظه چشم انتظار آمدنش شدم فکر می کردم هر طور شده تا فردا خودش را می رساند. وقتی فردا و پس فردا آمد و صمد نیامد طعنه و کنایه ها هم شروع شد: طفلک قدم مثلاً پسر آورده - عجب شوهر بی خیالی، - بیچاره قدم، حالا با سه تا بچه چطور برگردد سر خانه و زندگی اش. - آخر به این هم می گویند شوهر!

این حرفها را شینا (مادر قدم خیر) هم می شنید و بیشتر به من محبت می کرد شاید به همین خاطر بود که گفت: اگر آقا صمد خودش آمد که چه بهتر و گرنه خودم برای نوهام هفتم می گیرم و مهمانی می دهم (همو: ۱۵۱)

۵-۲. صبر و پایداری در برابر مشکلات

زندگی در کنار مردی که دائم با خطر سر و کار دارد مشکل است. قدم خیر دائماً در فشار و نگرانی به سر می برد. از زمانی که در همدان زندگی می کنند و صمد در سپاه کار می کند این نگرانی ها بیشتر می شود. اوایل انقلاب در پیروی سپاهیان با اعضای مجاهدین خلق خطرات زیادی برای آنها به بار می آورد. یک بار هم صمد در درگیری با منافقین زخمی می شود و آنها روزهای سختی را می گذرانند. ابتدا که صمد در بیمارستان بستری است و به او خبر نمی دهند. قدم از رفت و آمدهای مشکوک خانواده به همدان و منزل او شک می کند ولی چیزی نمی گوید. پدر و مادر خودش و شوهرش بی خبر به همدان رفته اند صمد هم شب خانه نیامده و او هر چه می پرسد جوابی نمی گیرد:

«همین که در را باز کردم دیدم یک مینی بوس جلوی در خلنه پارک کرده و فامیل و حاج آقایم و شیرین جان و برادر شوهر و اهل فامیل دارند از ماشین پیاد می شوند. همان جلوی در وارفتم. دیگر مطمئن شدم اتفاقی افتاده. هر چه قسمشان دادم و اصرار کردم بگویند چه اتفاقی افتاده کسی جواب درست حساسی نداد همه یک کلام شده بودند: صمد پیغام فرستاده بیاییم سری به شما بزنیم.»

تنهایی برای او مشکلات زیادی دارد غیر از رسیدگی به بچه ها، در شهر همدان که نزدیک به شهرهای مرزی است و بمباران هم می شود ترس هم مزید بر علت شده و او را دچار مشکلاتی می کند که بر اعصابش هم اثر گذاشته است به طوری که شبها کابوس می بیند و به سختی می تواند بخوابد یکی شب خواب می بیند در بیابان برهوت می دود و چند نفر اسلحه به دست می خواهند بچه ها را به زور از بغلش بگیرند. این خواب موجب می شود بترسد و وقتی سر و صداها از بیرون به گوشش می رسد گوشش را می گیرد و سرش را زیر لحاف می کند که چیزی نشنود و متوجه نمی شود سر و صداها ایجاد شده به خاطر آمدن صمد به خانه و در زدن و باز کردن قفل است و تا زمانی که صمد لحاف را از رویش کنار نمی زند متوجه آمدنش نمی شود: «در را قفل کرده بودم از پشت پنجره سایه های مبهمی را می دیدم آدم هایی با صورت هایی بزرگ با دستهایی سیاه. معصومه و خدیجه آرام و بی صدا دو طرفم خوابیده بودند. انگشت ها را توی گوش هایم فرو کردم و زیر پتو خزیدم. هر کاری کردم خوابم نبرد نمی دانم چقدر گذشت که یکدفعه یک نفر آرام پتو آ از رویم کشید سایه ای بالای سرم ایستاده بود با ریش و سبیل سیاه. چراغ که روشن دیدم صمد است.» (همو: ۱۲۵).

۵-۳. انجام کارهای سخت و مردانه

در طول سالهایی که صمد نیست وی با مشکلات زیادی سر می کند و تمام کارهای مردانه خانه را هم انجام می دهد. بچه هایش کوچکند و هیچ کمکی از دستشان بر نمی آید و او تنهایی این بار را به دوش می کشد. یک روز زمستانی که نفت خانه

تمام شده، یک نصفه روز در شعبه نفت به انتظار آمدن نفت ایستاده است. در این ساعات چند بار به خانه رفته و برگشته و به بچه‌ها سر زده است:

«پیت را که از شعبه بیرون آوردم دیگر نه نفسی برایم مانده بود نه رمقی. از سرما داشتم یخ می‌زدم اما باید هر طور بود پیت نفت را به خانه می‌رساندم. از یک طرف حواسم پیش بچه‌ها بود و از طرف دیگر قدرت راه رفتن نداشتم.» (همو: ۱۳۷).

برای این که صاحبخانه متوجه نشود آرام و بی صدا پیت‌ها را می‌برد بالا و تازه باید برای بچه‌ها غذا درست کند و با وجود خستگی نمی‌تواند استراحت کند.

بار چهارم که حامله است باز صمد نیست. آخرهای بارداری‌اش ماه آذر است و برف سنگینی باریده و کسی نیست برف‌ها را پارو کند و مجبور می‌رود خودش به پشت بام برود. شال بزرگی به کمرش می‌بندد و اورکت می‌پوشود و کلاه هم سرش می‌گذارد که از دور شبیه مردها باشد. از نردبان بالا می‌رود و به سختی به بام می‌رسد. قسمتی از بام را که پارو می‌کند شکمش درد می‌گیرد ولی اعتنا نمی‌کند و به کار ادامه می‌دهد تا بیشتر کار را انجام می‌دهد ولی یکباره حس می‌کند وضعش خطرناک است و گویا کیسه آب بچه پاره شده است. پایین می‌رود ولی چون صبح زود هم هست نمی‌تواند به سراغ همسایه‌ها برود. می‌رود می‌خواهد بیهوش می‌شود. وقتی به هوش می‌آید صمد بالای سرش ایستاده:

«صمد ایستاده بود روبرویم با سر و روی خاکی و موهای ژولیده. سلام داد. نتوانستم جوابش را بدهم. نه این که نخواهم نای حرف زدن نداشتم. گفت: بچه به دنیا آمده؟ باز هم هر کاری کردم نتوانستم جواب بدهم. نشست کنارم گفت باز دیر رسیدم؟ چیزی شده؟ چرا جواب نمی‌دهی؟ مریضی حالت خوش نیست؟

می‌دیدمش اما نمی‌توانستم یک کلمه حرف بزنم. زل زد توی صورتم و چند بار آرام به صورتم زد. بعد فریاد زد(همو: ۱۷۰-۱۷۱).

۴-۵. حمایت عاطفی و روحیه دادن به همسر

زمانی که بعد از چهل و پنج روز صمد از جنگ به مرخصی می‌آید، او که در خواب است و دچار کابوس شده از ترس لحاف را روی سرش کشیده و گوش‌هایش را هم گرفته است تا سر و صدایی نشنود و با آمدن ناگهانی صمد و کشیدن لحاف از روی او می‌ترسد اما وقتی صمد به او می‌گوید راحت برای خودت خوابیده‌ای و صدای در را نمی‌شنوی، برای این که روحیه او را خراب نکند نمی‌گوید که دچار کابوس شده و ترسیده است:

«گفت: خانم به در زدم نشنیدی قفل را باز کردم نشنیدی. آمدم تو صدایت کردم جواب ندادی چه کار کنم. خوب برای خودت راحت گرفته‌ای خوابیده‌ای. رفت سراغ بچه‌ها خم شد و تا می‌توانست بوسشان کرد.

نگفتم از سر شب خوابهای بدی دیدم نگفتم ترس برم داشته بود و از ترس گوش‌هایم را گرفته بودم و صدایش را نشنیدم.» (همو: ۱۲۵)

نیمه شب برایش حمام گرم می‌کند شامش را آماده می‌کند و شکایتی از نبودن طولانی‌اش ندارد و در مقابل او که از اوضاع خرمشهر اظهار ناراحتی می‌کند و می‌گوید رزمندگان آنجا گرسنه‌اند و چیزی گیرشان نمی‌آید بخورند به او می‌گوید: «خودت می‌گویی جنگ است دیگر. چاره‌ای نیست با گریه کردن تو و غذا نخوردن آنها سیر می‌شوند یا کار درست می‌شود؟» (همو: ۱۲۶)

سعی می‌کند برایش از چیزهایی تعریف کند تا حواسش از جنگ پرت شود. درباره بچه‌ها و شیرین کاری‌هایشان می‌گوید تا او غذایش را بخورد و به جنگ فکر نکند.

روزی که پادگان را بمباران می‌کنند مردها کنارشان نیستند و زن‌ها خودشان از پادگان بیرون می‌روند و اتفاقی برایشان نمی‌افتد شب که می‌شود همه زن و بچه‌ها را بر می‌دارند و بر می‌گردانند به همدان. بچه‌های گردان زیر نظر صمد در دره‌ها

پنهان شده‌اند ولی سالمند. موقع رفتن قدم دلش به حال آنها می‌سوزد که گرسنه و بدون فرمانده مانده‌اند و از صمد می‌خواهد که پیششان بماند و بگذارد آنها با ماشین کس دیگری بروند ولی صمد می‌گوید همه ماشینها پر است و مجبور است خودش آنها را برساند و صبح برگردد. قدم ناراحت است که چرا رانندگی بلد نیست تا صمد مجبور نباشد به خاطر بردن آنها تا همدان بیاد و بچه‌های گردان را تنها بگذارد.

زمانی که برادر شوهرش شهید شده؛ صمد خیلی ناراحت است اما قدم او را دلداری می‌دهد و می‌گوید: «مگر خودت نمی‌گویی شهادت لیاقت می‌خواهد خوب ستار هم مزد اعمالش را گرفت. خوش به حالش.» (همو: ۲۱۹)

۶- بررسی نقش زنان در کتاب یکشنبه آخر

یکشنبه آخر، سرگذشت معصومه رامهریزی، از امدادگران دوران دفاع مقدس است. وی از سال ۱۳۵۹ و در ۱۴ سالگی، امدادگر جبهه‌های حق علیه باطل بود و سالها با افتخار به مقاومت می‌پردازد. کتاب، از دوران کودکی نویسنده آغاز، تا امدادگری ادامه و با آزادی خرمشهر به پایان میرسد. یکشنبه آخر یکی از خاطره نوشتها در حوزه نشر خاطرات زنان است که به قلم معصومه رامهریزی نگاشته شده است. این کتاب روایتی لذت‌بخش، کششدار و خواندنی است که برخی ناگفته‌ها و ناشنیده‌های دوران دفاع مقدس را به گوش نسل جوان می‌رساند. یکشنبه آخر، روایتی زنانه از دفاع مقدس است و می‌تواند ما را با خدمات و ایثارگری یکی از بانوان در طول دفاع مقدس آشنا کند. در جای جای کتاب، فضایی زنانه به خوبی محسوس است. رامهریزی خود ساکن آبادان است و از نزدیک جنگ را دیده و لمس کرده است.

معصومه رامهریزی با شروع جنگ تحمیلی دختری ۱۴ ساله بود. او و خواهرانش برخلاف میل برادرشان اسحاق، حاضر نیستند شهر را ترک کنند. به همین دلیل با اصرار خود در شهر می‌مانند تا بتوانند از شهر در برابر بیگانگان دفاع نمایند. معصومه رامهریزی با ماندن در شهر به کارهایی مانند پخش غذا در میان رزمندگان خرمشهر، امدادگری، کار در آشپزخانه بیمارستان و... مشغول می‌شود.

۶-۱) پخش غذا در بین رزمندگان خرمشهر

معصومه رامهریزی، آیین تمام‌نمای ایثار، فداکاری، شجاعت و شهامت است. این دختر در روزهای آغازین جنگ مسئولیت پخش غذا در بین رزمندگان خرمشهر را عهده دار می‌شود. روزهایی که خرمشهر زیر شلیک آتش توپ و خمپاره بود. او جان خود را در کف دست گذاشته و تا سر حد جانفشانی پیش می‌رود. معصومه از اینکه توانسته گامی مثبت برای دفاع از سرزمین خود در میدان‌های جنگی بردارد، احساس غرور و افتخار می‌کند:

«آن روزها خرمشهر صحرای محشر بود و به مراتب وضعیتی بدتر از آبادان داشت. در واقع خط مقدم جبهه ما بود. هنگامی که از پل خرمشهر عبور میکردیم، اشه‌دما‌ن را می‌خواندیم. از هر طرف ساختمان‌ها ویران می‌شد و لحظه‌ای صدای صفیر گلوله‌های خمپاره قطع نمی‌شد. ما بدون هیچ برنامه خاصی به هر رزمندگانی که می‌رسیدیم یک ظرف غذا می‌دادیم تا ظرفهای غذایمان تمام می‌شد و برمی‌گشتیم» (رامهریزی، ۱۳۹۶: ۴۷).

۶-۲) کار در آشپزخانه بیمارستان

معصومه رامهریزی برای امدادگری به بیمارستان شرکت نفت مراجعه می‌کند. آنجا به نیروی کار در آشپزخانه نیاز دارند. معصومه ۱۵ روز در آشپزخانه بیمارستان کار می‌کند. او از انجام هیچ کاری روی گردان نبود و هر کاری که از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد.

«تا ظهر یک لحظه هم بیکار نبودم. وسط آشپزخانه روی زمین می‌نشستم و هر کاری دستور آشپز بود انجام می‌دادم... کار در بیمارستان و در زمان جنگ در همه قسمت، ۱۲ ساعته بود؛ شیفت اول از ساعت ۷ صبح تا ۷ شب بود که در آشپزخانه از ۶

صبح تا ۷ شب ادامه داشت. کار بعدازظهر ما تا ساعت ۵ بعدازظهر که شام بیمارستان آماده و توزیع می‌شد، شست و شوی همه ظروف، زمین، در و دیوار بود و از ساعت ۴ هم مشغول شستن قابلمه‌ها و آبکش‌ها و غیره بودیم» (همو: ۸۰-۸۱).

۳-۶) امدادگری و درمان

با شروع جنگ تحمیلی زنان بیشتر از مردان به امور امدادی مانند مداوای زخمی‌های جنگی و پرستاری از آنها می‌پرداختند. در واقع بخش اصلی فعالیت زنان در قسمت امداد و کمک‌رسانی بود.

در خاطره‌نوشت یکشنبه آخر به حضور پررنگ زنان به ویژه معصومه رامهریزی در نقش امدادگری پرداخته شده است. در واقع مهمترین و اصلیت‌ترین نقش معصومه رامهریزی در قسمت امدادگری و کار در بیمارستان بود. با شروع جنگ تحمیلی، معصومه رامهریزی و دیگر بانوان نمی‌توانستند بی‌تفاوت باشند؛ به همین دلیل آسایش و آسودگی را کنار گذاشتند و با احساس مسئولیتی که نسبت به وضعیت حال و آینده کشور داشتند، به نوعی خود را در سرنوشت کشورشان سهیم دانستند. بنابراین تکلیف خود را در چنین شرایط بحرانی بازشناختند. با شروع جنگ، رامهریزی و خواهرش به قصد امدادگری به بیمارستان امدادگران مراجعه می‌کنند: «من و صدیقه به بیمارستان امدادگران رفتیم و در آنجا هر کاری که از دستان برمی‌آمد می‌کردیم» (رامهریزی، ۱۳۹۶: ۳۹). رامهریزی به صورت خودجوش، به محضی که متوجه می‌شود بیمارستان شرکت نفت به نیروی امدادگر نیاز دارد به سرعت به این بیمارستان مراجعه کرده و در آنجا مشغول کار می‌شود:

«صبح روز اولین بازگشت‌مان به آبادان با شهربانو و صدیقه به بیمارستان شرکت نفت رفتیم. دوستان قدیمی شهربانو از جمله فاطمه جوشی و عصمت باغبان در آنجا کار می‌کردند... خواهر جوشی که مسئول بسیج خاهران بود به گرمی از ما استقبال کرد و گفت در اینجا به نیروی امدادگر نیاز دارند و اگر عملیات بزرگی شروع شود تعدادشان خیلی کم است» (همو: ۷۷)

رامهریزی پس از مدتی کار در بیمارستان شرکت نفت، تصمیم می‌گیرد به بیمارستان طالقانی برود که نزدیکترین بیمارستان به خط مقدم است. او می‌دانست تعداد زخمی‌های جنگی در این بیمارستان به دلیل نزدیکی به خط مقدم بیشتر است و زخمی‌های آن نیاز فراوانی به رسیدگی دارند. وی با شجاعت بسیار و بدون هیچگونه ترس از توپ و خمپاره به کار امدادگری خود می‌پردازد:

«اول دی ماه ۱۳۵۹ تصمیم غیرمنتظره‌ای گرفتم که باعث تعجب همه شد. تصمیم گرفتم که برای امدادگری به بیمارستان طالقانی بروم... نزدیکترین بیمارستان به خط مقدم در بین سه بیمارستان آبادان محسوب می‌شد. در ضمن از بیمارستان طالقانی خبر رسیده بود که به امدادگر نیاز دارد» (همو: ۸۷).

رامهریزی در بیمارستان طالقانی همه کار می‌کرد؛ از وظایف تکنسین اتاق عمل تا کار نظافت اتاق عمل و مداوای زخمیها؛ گاهی هم پرستار اسکراب بود. او تلاش می‌کرد تا یک عضو ثابت و فعال در نیروهای امدادی عملیات جنوب باشد:

«ما به دنبال کسب تجربه و تخصص بودیم تا بتوانیم اعضای ثابت نیروهای امدادی محسوب شویم و در عملیات جنوب شرکت فعالی داشته باشیم. به همین دلیل تمام فعالیت و تلاش خود را برای رسیدن به این موقعیت به کار بردیم» (همو: ۱۴۴).

آن زمان، موانع بسیاری بر سر اعزام بانوان امدادگر به بیمارستانهای مناطق جنگی وجود داشت. رامهریزی وقتی زمزمه عملیاتهای بزرگ به گوشش می‌رسید، با تلاش بسیار خود را به نزدیکترین بیمارستان منطقه عملیات جنگی می‌رساند. این به دلیل علاقه به خدمت در جبهه و عشق شهادت‌طلبی و ایثارگری بود. از جمله عملیات فتح‌المبین که رامهریزی در بیمارستان شهدای شوش مستقر می‌شود. رامهریزی با حضور در صحنه‌های دردناک شهادت و جراحی، وظیفه امدادرسانی خود را انجام می‌دهد.

«هر روز مجروحان زیادی را به پایگاه وحدتی و بیمارستان افشار دزفول اعزام می‌کردیم. مجروحانی که ضربه مغزی شده و بد حال بودند، به پایگاه وحدتی و مجروحانی که نیاز به عمل داشتند به اندیمشک اعزام می‌شدند... چندین بار بنا به ضرورت مرا صدا کردند تا همراه مجروح با آمبولانس به دزفول و اندیمشک بروم» (همو: ۱۹۳).

۴-۶) مراقبت از پیکر شهدا

در دوران جنگ تحمیلی خواهرانی بودند که نسبت به اوضاع پیش آمده در کشور احساس تکلیف و مسئولیت می‌کردند. آنها برای آسودگی وجدان خود، هر کاری برای دفاع از کشور و کمک به رزمندگان انجام می‌دادند. یکی از این کارها در خاطره‌نوشت یکشنبه آخر، نگهبانی از پیکر شهدا است. عده‌ای از خواهران شب تا صبح با چوب‌دستی از پیکر شهدا در برابر سگهای هار و وحشی نگهبانی می‌کردند:

«سگهای ولگرد هار شده و به سمت سردخانه آمده بودند، فرشته و بدری و تعدادی از دوستانشان با چوب از پیکر شهدا نگهبانی می‌کردند. در آن شب آنها با گل‌های از سگها درگیر شده و تا صبح کشیک دادند و صبح با زحمت بسیار پیکر شهدا را به قبرستان رساندند» (همو: ۴۴).

۵-۶) همکاری با گروه سیار

از طرف ستاد بهداشت سپاه، واحد بنیاد امور مهاجران، به امدادگرانی که در هتل شهدا مشغول کار هستند، پیشنهاد همکاری می‌دهند. قرار بر این بوده که یک گروه کوچک پزشکی مسئولیت واکسیناسیون و رسیدگی به امور بهداشتی روستاها را بر عهده گیرند. برای این کار به نیروهای امدادگر نیاز دارند؛ به همین دلیل از خواهران امدادگر تقاضای همکاری می‌کنند. طبق معمول معصومه رامهرمزی داوطلب انجام چنین کارهایی می‌شود. او نزدیک سه ماه با گروه سیار همکاری می‌کند:

«طبق معمول همیشه من و عصمت باغبان نخستین داوطلبان چنین مأموریهایی بودیم... از ساعت ۷ صبح آمبولانس مجهز به واکسن و دارو و تجهیزات پزشکی دنبلمان می‌آمد. از صبح تا غروب کار می‌کردیم و بعد از آن به هتل برمی‌گشتیم... اولین کار ما تزریق واکسنهای کودکان زیر ۵ سال بود. آمبولانس در مرکز روستا مستقر می‌شد و من و عصمت ساکهای مخصوص واکسن را به دوش می‌انداختیم... و کار واکسیناسیون را انجام می‌دادیم» (همو: ۱۶۸).

۷- نقش زنان در کتاب بیمارستان جنگی

خاطره نوشت «بیمارستان جنگی» خاطره‌ی شجاعت‌ها، نقش و حضور تأثیر گذار فاطمه تارینگو در فعالیت‌های درمانی و امدادی دوره دفاع مقدس در مناطق جنگی است.

«بیمارستان جنگی» خاطرات فاطمه تارینگو متولد ۱۲ بهمن سال ۱۳۳۳ کارشناس ارشد آناتومی در سرچشمه تهران است. او در یک خانواده مذهبی، تحت تربیت مذهبی مادر و مادر بزرگش بزرگ شده است. بعد از ازدواج دوم مادرش به خاطر شغل ناپدری (کارمند کشاورزی) بعد از مقطع تحصیلی چهارم ابتدایی به کرمانشاه نقل مکان می‌کنند. پایه پنجم ابتدایی را در کرمانشاه گذرانده و با انتقال ناپدریاش به قصر شیرین از پایه ششم تا دیپلم را در قصر شیرین پشت سر گذاشته است. در تهران همراه مادر بزرگش مسجد م یرفته و به انجام امور عبادی خود پای بند بوده است. در مورد حجاب، ابتدا خیلی جدی و حساس نبوده، اما در دانشگاه، تحول اساسی در زمینه حجاب پیدا کرد و با استعانت به حضرت زهرا (س) محجبه شد. در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی قبل از انقلاب به گفته خودش چندان جدی وارد نشد و خود را در این دوره ناظر همدل با انقلاب و مردم م ینامد. به دلیل مفقود شدن کارت ورود به جلسه، مؤفق به دادن کنکور نشد، به همین خاطر و به دلیل علاقه به فضای نظامی و رشته‌های پزشکی، خدمت سربازی در سپاه بهداشت کرمانشاه را انتخاب کرد. به مدت دو سال تحت آموزشهای نظامی و غیرنظامی قرار گرفت و با درجه گروهان یکم دوره را تمام کرد و دوباره در کنکور دانشگاه شرکت کرد، با اشتباه در انتخاب رشته تحصیلی، کتابداری قبول شد، اما به دلیل علاقه به رشته پزشکی، بعد از پیگیری انتخاب رشته در دانشگاه مامایی اصفهان

مشغول تحصیل شد. در دوره چهارساله دانشگاه بود که به خاطر فعالیتهای گسترده گروهکهای ضد انقلاب، تصمیم گرفت وارد عرصه فعالیتهای انقلابی شود. فاطمه از کودکی نسبت به نماز و روزه و اعتقادات دینی مقید بود. جو دانشگاه و بی‌بند و باری‌های آنجا، او را مصمم به رعایت یک پوشش کامل کرد. در فعالیتهای انقلاب به همراه گروهی از دوستانش با گروههایی که حزب توده بودند یا عقیده‌هایی داشتند مخالفت می‌کردند. اگرچه حضور جدی در تظاهرات و فعالیتهای انقلابی نداشت، اما شخصیت امام را و تحریکات انقلابی مردم را قبول داشت. با پیروزی انقلاب، او و دوستانش با مطالعه دینی و سیاسی، انجمن اسلامی را در دانشگاه تشکیل دادند و به مبارزه فکری با گروهکهای ضد انقلاب پرداختند. به فرمان امام مبنی بر حضور در فعالیتهای جهادی، او هم همراه دوستانش و اکیپی از نیروهای متخصص در رشته‌های مختلف، به روستاهای اطراف می‌رفتند. فاطمه در گروه بهداشتی فعالیت می‌کرد. در سال ۵۸-۵۹ با مدرک مامایی از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد و با نظر خودش قصرشیرین را برای ادامه خدمت انتخاب کرد. شروع فعالیت در بیمارستان هلال احمر قصرشیرین همراه با شروع درگیریها و شلوغی‌های در مرزها بود. در بیمارستان پست ناظمه فنی (رئیس پرستاری کل بیمارستان) را داشت. کم‌کم با شلوغ شدن مرزها و پیش روی حزب بعث عراق درون مرزهای کرمانشاه، بیمارستان از حالت عادی خارج و به بیمارستانی جنگی که کل بیمارستان را مجروحان نظامی و غیرنظامی تشکیل می‌دادند، تبدیل گشت. وظیفه فاطمه و پرسنل بیمارستان بسیار سنگین شد. تیر و مرداد سال ۵۹ اوج درگیریها بود و شهر توسط دشمن از زمین و هوا به گلوله و موشک بسته می‌شد. فاطمه حاضر به ترک قصرشیرین نبود. در اثر اصابت بمب و موشک، تجهیزات حیاتی بیمارستان از بین رفته بود و خدمات رسانی به مجروحانی که وضعیت وخیمی داشتند، گاهی در حد صفر بود. شهریورماه، سربازان عراقی به مرزهای سرپل ذهاب وارد شدند و شهر سقوط کرد. کم‌کم نیروهای عراقی به مرز قصرشیرین نزدیک شدند. به اجبار نیروهای سپاه، فاطمه که آن روزها مدیریت بیمارستان را برعهده داشت با چند نفر از اکیپ درمانی بیمارستان و بعضی از نیروهای جهادی و سپاهی به همراه تعدادی از مجروحان، مجبور به ترک قصرشیرین شدند و در کوه و بیابان سرگردان بودند تا به سرپل ذهاب که آن روزها از دست عراقی‌ها آزاد شده بود، بروند.

بعد از ورود به سرپل ذهاب با آمبولانس مجروحان را به کرمانشاه بردند و بعد از آن فاطمه به پادگان سرپل ذهاب برگشت و در یک ساختمان نیمه کاره با تعدادی از نیروهای درمانی، بهداری ایجاد کردند و خودش مدیریت آن جا را داشت و مشغول تجهیز بهداری با ابتدا بهترین امکانات شدند، برای مداوای مجروحان جنگ در نزدیکترین فاصله با خطوط مقدم، این بهداری برپا شد. فاطمه علاوه بر مدیریت این بهداری که با توسعه آن به بیمارستان، نام پادگان ابوذر را بر آن جا گذاشتند. به همراه اکیپ درمان در تمام حوزه‌ها خدمت می‌کرد و حتی برای انجام امور امدادی به خطوط مقدم جبهه میرفت و در انتقال مجروحان به بیمارستان فعالیت می‌کرد. شهریور سال ۶۲ از طرف هلال احمر به سفر معنوی حج مشرف شد، بعد از بازگشت از سفر حج در بیمارستان ابوذر هم چنان، در حوزه درمان فعالیت کرد، تا سال ۶۱ در این بیمارستان بود ولی به دلیل ضعف و بیماری ناشی از تماس با دستگاههای رادیولوژی، کار در بیمارستان را تمام کرد و در دانشکده پرستاری مامایی کرمانشاه مشغول شد و بعد به مازندران رفت. اسفند سال ۶۱ مسئولیت دانشکده پرستاری مامایی ساری را به عهده گرفت. در شهریور با خانواده همسرش آشنا شد و این آشنایی به ازدواج او با محمد عالمی کارمند چیت سازی به شهر انجامید. ثمره این ازدواج سه فرزند است، در تمام آن سالهای دوری از منطقه در پشت جبهه مشغول کمک رسانی شد.

سال ۶۷ که خبر هجوم منافقان از منطقه غرب را شنید، به همراه یک اکیپ درمانی، برای حضور در عملیات مرصاد دوباره به منطقه جنگی برگشت و با برقراری امنیت در اسلام آباد غرب به ساری برگشت و تا سال ۱۳۸۷، تدریس و مدیریت دانشگاه را ادامه داد و در همان سال تقاضای بازنشستگی از دانشکده پزشکی را داد و بازنشسته شد و مشغول ثبت و ضبط خاطرات دوران تدریس و مدیریت دانشگاهی خود شد.

۷-۱) فعالیت‌های حمایت‌های عاطفی در منطقه جنگی قصر شیرین و سر پل ذهاب

در بیمارستان جنگی فاطمه به دلیل وظیفه سنگین مدیریت بیمارستان در آن شرایط بحرانی و همراهی و مشارکت با پرسنل بیمارستان در امر، درمان و مداوای زخمی‌ها و مجروحان نظامی و غیرنظامی، فرصت آن چنانی برای دیگر فعالیت‌های پشتیبانی پیدا نمی‌کند. گرچه در محیط درمانی تحت مدیریت او علاوه بر خدمات درمانی وظیفه شناسایی شهدا و مجروحان، پرونده ساختن برای آنها، حفظ و نگهداری پیکر شهدا را نیز در برنامه کاری خود دارد: «در شرایط جنگی تدارکات فوق العاده مهم است. رسیدگی به مجروحان خیلی مهم است. باید بتوانیم مجروحان را در اولویت درست بگذاری اول شناسایی و دسته بندی مجروحان انجام می‌دادیم. بعد پرونده دقیق درست می‌کردیم یعنی با اسم و آدرس و سایر مشخصات مجروح را دقیق می‌نوشتیم، چون امکان داشت مجروح دو یا سه ساعت بعد از اینکه از بیمارستان بیرون می‌رود در جاده یا هواپیما شهید شود.» (نظری، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۵).

فاطمه پس از اینکه در یکی از روزهای پاییز سال ۶۱ بیمارستان ابوذر (پادگان ابوذر) در قصر شیرین را ترک کرد و به کرمانشاه برگشت، به فعالیتهای پشتیبانی در پشت جبهه، مشغول شد، «از بس در آن مدت در معرض اشعه قرار گرفته و خالی شده بودم، انرژی نداشتم ... وقتی پشت جبهه آمدم فهمیدم جبهه سختتر و بدتر اینجا است که به آدمهای کاری و فعالتری نیاز دارد. آن جبهه یک جهاد اصغر بود. دیگر هم ندای جنگ مرا وسوسه نکرد. اوضاع پشت جبهه خیلی بدتر بود و به کار بیشتر و سختتری نیاز داشت.» (همو: ۱۳۹)

۷-۲) مراقبت و نگهداری از پیکر شهدا

فاطمه و نیروهای درمانی تحت امر او در بیمارستان علاوه بر امور تخصصی خودشان، حفظ و نگهداری از پیکر شهدا را نیز برعهده داشتند. تجهیزات بیمارستان آنها به دلیل اصابت موشک از بین رفته بود و بیمارستان سردخانه نداشت. «نگهداری اجساد شهدا در مقابل حمله سگ و گربه سخت بود چون سردخانه نداشتیم، یخ هم نداشتیم، اجازه هم نداشتیم اجساد را دفن کنیم. نگهداری شهدا در آن شرایط خیلی سخت بود. باید دائماً مراقبت می‌کردیم تا حیوانات اجساد را پاره پاره نکنند. بیشتر شهدا (مربوط به کسانی بودند که) از شهرهای دیگر آمده بودند؛ می‌خواستند اگر بشود شهدا را به خانواده‌هایشان تحویل دهند. ما هم کارمان این شده بود که کشیک بدهیم تا سگی، گرگی یا گربه‌ای بالای سر این بچه‌ها نیاید. اما روزی که شهر را تخلیه کردیم، مجبور شدیم شهدا را دفن کنیم.» (همو: ۷۹)

۷-۳) فعالیت‌های امدادی و درمانی

خدمات خالصانه نیروهای درمانی، متخصصین و نیروهای بسیجی و جهادی که دوره‌های آموزشی امداد و نجات را گذرانده بودند و به شکل تجربی، خدمات و فعالیتهای درمانی، امدادی را ارائه می‌کردند، موجی از عشق و شوق برای خدمت را در همه ایجاد می‌کردند.

در بیمارستان جنگی فاطمه، توفیق یافته بود تا در نزدیکترین مرکز درمانی به خطوط مقدم، در امر کمک و مداوای مجروحان جنگ، سهم بزرگی داشته باشد، «بعداً که انفجارات شدیدتر شد متوجه شدیم مرزها شلوغ شده است. کم کم از اردیبهشت ۱۳۵۹ در بیمارستان قصر شیرین، مجروحان و زخمی‌ها را می‌آوردند و برد موشک‌ها هم بیشتر شده بود» (همو: ۷۴). در «بیمارستان جنگی»، بیشترین و تاثیرگذارترین نقش فاطمه در هشت سال دفاع مقدس، در حوزه درمان و مداوای مجروحان جنگ است. مسئولیت سنگین مدیریت بیمارستان در شرایط جنگ، در یک شهر مرزی و در اوج بمباران و ترس از سقوط شهر، تنها بخشی از فعالیت فاطمه در جنگ بود، «هر جا لازم بود کمک می‌کردم، اما در آن موقعیت، مدیریت خیلی مهمتر بود.» (همو).

در بخشهای مختلف خاطره نگاشت بیمارستان جنگی به نقش و حضور فعال زنان در بخش درمان و کمک به مجروحان می‌خوانیم: «یک سری شهید و مجروح می‌شدند و آنها را به بیمارستان می‌آوردند. آن هم با چه وضعی؟! مثلاً مادر حامله‌ای بود که تیر به شکمش خورده بود و جنین از شکمش بیرون افتاده بود. صحنه‌هایی به این شکل زیاد بود» (همو: ۷۳).

نتیجه‌گیری:

کتابهای دختر شینا، بیمارستان جنگی و یکشنبه آخر هر سه مجموعه خاطرات زنانی هستند که در طول جنگ و دفاع مقدس نقش آفرینی کرده‌اند. زنان در خاطره نوشته‌های مذکور، نشان داده‌اند در شرایط بحرانی مثل جنگ، می‌توانند به عنوان مدافع شهر و دیار، پشتیبان، امدادگر، پرستار و مادر و ... هم در پشت جبهه نقش آفرین باشند و هم در صورت نیاز آمادگی روحی و جسمی برای حضور در صحنه‌های مستقیم مقابله با دشمن را نیز در توان و قدرت خود دارند. در نهایت می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که زنان مسلمان ایرانی با تاسی از حضرت زینب (س) در طول هشت سال دفاع مقدس پا به پای رزمندگان در صحنه‌های مختلف مبارزه علیه دشمن و دفاع از میهن و آرمانهای انقلاب اسلامی حضور یافتند و در این راه از هیچ مجاهدتی دریغ نکردند و همواره در مقابل مشکلات و مصائب جنگ از خود رشادت و فداکاری‌هایی نشان دادند که کمتر از رشادت مجاهدان مرد نبود و هیچ‌گاه به میل خود حاضر به ترک صحنه نشدند.

منابع:

۱. اخگری، محمدعلی (۱۳۸۱)، ده مقاله و نکته‌ها و لطایف در مقام زن، تهران: سنبله.
۲. ایروانی، محمد رضا، (۱۳۹۰)، بر سمند خاطره (نگاهی تازه به خاطره نویسی)، تهران، انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، چ اول.
۳. تونینگا، مارلن (۱۳۸۴)، زنان مخالف جنگ، ترجمه شهرزادماکویی و مینوحسینی. تهران: نشر آگاه.
۴. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹) صحیفه امام (صحیفه نور، مجموعه سخنرانی‌ها و پیامهای امام (ره)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ج ۱۶.
۵. دهقان، احمد (۱۳۸۶)، خاک و خاطره، چ اول، تهران: صریر
۶. رامهرمزی، معصومه (۱۳۹۶)، یکشنبه آخر، تهران: سوره مهر.
۷. نظری، مرضیه (۱۳۹۲)، بیمارستان جنگی (خاطرات فاطمه تارینگو)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تهران، چ اول.
۸. روزنامه کیهان، ۱۳۸۹، شماره ۱۹۷۵۰: ۹
۹. ضرابی زاده، بهناز (۱۳۹۰)، دختر شینا (خاطرات قدم خیر محمدی کنعان همسر شهید ستار ابراهیمی)، چاپ هفتم، تهران: سوره مهر
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، کتاب جهاد، تهران: صدرا-.
۱۱. ملکی، زیبا (۱۳۹۲)، نقش زن در دفاع مقدس براساس کتابهای دا، دوره ی درهای بسته، زبیده دخت دریا، پایان نامه کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان
۱۲. نادرپور، راضیه (۱۳۹۴)، نقش زن در دفاع مقدس بر اساس دو اثر من زنده ام و از چنده‌لا تا جنگ، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان
۱۳. ندیری-بیانه، فرشته و ترکمانی حسینی (۱۳۹۳)، وارثان شاهد و شمع، همدان: رواق.

منابع:

1. Akhgari, M. A. (2002). Ten articles, notes, and anecdotes on the status of women. Tehran: Sunbole. (In Persian)
2. Irvani, M. R. (2011). On the steed of memory (A fresh look at memoir writing). Tehran: Bonyād Hefz-e Āsār va Nashr-e Arzeshhā-ye Defā'-e Moqaddas Pub., 1st ed. (In Persian)
3. Tuninga, M. (1384 [2005/2006]). *Zanān-e Mokhālef-e Jang* [Women against war] (Sh. Makooi & M. Hussein, Trans.). Tehran: Nashr-e Āgāh.
4. Khomeini, R. (1990). *Sahifeh-ye Emām* (Sahifeh-ye Noor, Collection of Speeches and Messages of Imam (RA)), Vol. 16. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
5. Dehghan, A. (2007). *Earth and Memory*. (1st ed.). Tehran: Sarir. (In Persian)
6. Rāmhormozi, M. (2017). *The Last Sunday*. Tehran: Sūreh Mehr. (In Persian)
7. Nazarloo, M. (2013). *Wartime Hospital* (Memoirs of Fatemeh Taringu). Tehran: Bonyād Hefz-e Āsār va Nashr-e Arzeshhā-ye Defā'-e Moqaddas, 1st ed. (In Persian)
8. *Kayhan Newspaper*, (2010), No. 19750, p. 9. (In Persian)
9. Zarrabizadeh, B. (2011). *The Girl of Shinā* (Memoirs of Qadam Kheyr Mohammadi Kan'ān, wife of Martyr Sattar Ebrahimi). (7th ed.). Tehran: Sūreh Mehr. (In Persian)
10. Motahhari, M. (1994). *Jihad*. Tehran: Sadra.
11. Maleki, Z. (2013). *The Role of Women in the Holy Defense based on the books Dā, The Closed Doors Period, and Zobeydeh Dokht Daryā* (Master's thesis). Lorestan University, Department of Persian Language and Literature. (In Persian)
12. Naderpour, R. (2015). *The Role of Women in the Holy Defense based on the two works I Am Alive and From Chondeleh to War*. (Master's thesis). Lorestan University, Department of Persian Language and Literature. (In Persian)
13. Naderi Abyāneh, F., & Torkamani Hosseinali. (2014). *The Heirs of Witness and Candle*. Hamadan: Ravāq. (In Persian)



Future Studies on the Role of Women in Mobilizing the Material and Spiritual Capital of the Resistance Front and Future Wars

Sasan Bavi^{1*}, Ashraf Roshan Salar² and Afson Talayeri³

1- Assistant Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2- PhD student in General Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

3- PhD student in Family Counseling, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Abstract:

In the current situation of the world, where various discourses with a political-cultural approach are being raised in the field of women. The presence and role of women in the Islamic Republic of Iran in the formation and victory of maintaining and continuing the revolution is of particular importance because it gives objectivity to the presence of women by preserving Islamic values. Iranian Muslim women, as an objective model of relative success, stability, and sustainability in Iran, despite the various tricks of the enemies in distorting the principles and ideals of the revolution, can be an inspiring and capable example in various dimensions for Muslim women in reviving and preserving values to participate in Islamic awakening. The purpose of this research is to examine the future studies on the role of women in mobilizing the material and spiritual capital of the resistance front and future wars, which is descriptive-analytical using library methods. The role of women in its objective manifestation in the victory of the revolution and the necessity of women's continued presence to preserve the achievements of the Islamic Revolution of Iran are among the important issues that have the potential to set a model for Muslim women and free women around the world. Among the indicators that led women to be pioneers in Islamic movements are: 1. Courage and resistance against the usurper and oppressive regime; 2. Intervention in political issues; 3. Attention to the fate of the nation and country; 4. Sense of duty and awakening against oppression and infidelity; 5. Moving ahead of men in the field of struggle; 6. Accompanying children and spouses; 7. Putting aside fear in defense of Islam; 8. Transformation in social and individual ethics; 9. Leading the movement by taking the lead in the struggle; 10. Resistance and sacrifice; 11. Starting the movement and taking the initiative to rise (moving and coming to the streets) and shouting and participating in demonstrations; 11. The crystallization of the power of faith, the manifestation of martyrdom and sacrifice in defense of Islamic and revolutionary values. It is hoped that the participation and presence of women in the Islamic awakening will lead to the original goals of awakening in the world and the Islamic nation.

Review History:

Received: 16 Aug 2025

Revised: 18 Sep 2025

Accepted: 18 Sep 2025

Available Online: 25 Sep 2025

Keywords:

Future studies

The role of women

Mobilization

Material

Spiritual

Resistance front

Future wars.

How To Cite This Article:

Bavi, S., Roshan, A. and Talayeri, A. (2025). Future Studies on the Role of Women in Mobilizing the Material and Spiritual Capital of the Resistance Front and Future Wars. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 17-40 (In Persian)



*Corresponding author's email: sasanbavi@gmail.com





آینده پژوهی نقش زنان در بسیج سرمایه‌های مادی و معنوی جبهه مقاومت و جنگ‌های آینده

ساسان باوی^{۱*}، اشرف روشن سالار^۲، افسون طلایری^۳

۱- استادیار گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲- دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۳- دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۲ فروردین ۱۴۰۴

بازنگری: ۲۷ شهریور ۱۴۰۴

پذیرش: ۲۷ شهریور ۱۴۰۴

ارائه آنلاین: ۳ مهر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

آینده پژوهی

نقش زنان

بسیج

مادی

معنوی

جبهه مقاومت

جنگ‌های آینده

در وضعیت فعلی جهان که گفتمان‌های مختلفی با رویکرد سیاسی- فرهنگی در عرصه زنان مطرح می‌شود. چگونگی حضور و نقش زنان در جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری و پیروزی حفظ و تداوم انقلاب به دلیل عینیت بخشی به حضور زنان با حفظ ارزش‌های اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زن مسلمان ایرانی به عنوان الگوی عینی نسبتاً موفق و پایدار و با ثبات در ایران علی‌رغم ترندهای مختلف دشمنان در به‌انحراف کشاندن اصول و آرمان‌های انقلاب می‌تواند به عنوان نمونه‌ای الهام‌بخش و با ظرفیت در ابعاد مختلف برای زنان مسلمان در احیاء و حفظ ارزش‌ها جهت مشارکت در بیداری اسلامی باشد. هدف این پژوهش بررسی آینده پژوهی نقش زنان در بسیج سرمایه‌های مادی و معنوی جبهه مقاومت و جنگ‌های آینده که به صورت توصیفی تحلیلی با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای می‌باشد. نقش زنان در تبلور عینی آن در پیروزی انقلاب و لزوم تداوم حضور زنان جهت حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران از جمله موضوعات با اهمیت است که قابلیت الگوسازی برای زنان مسلمان و زنان آزاده جهان را دارا می‌باشد. از جمله شاخص‌هایی که موجب پیشقدم بودن زنان در نهضت‌های اسلامی شدند، عبارتند از: ۱. شجاعت و ایستادگی در مقابل رژیم غاصب و ستمگر؛ ۲. دخالت در مسایل سیاسی؛ ۳. توجه به سرنوشت ملت و کشور؛ ۴- احساس وظیفه و بیداری در مقابل ظلم و کفر؛ ۵. حرکت پیشاپیش از مردان در میدان مبارزه؛ ۶. همراه کردن کودکان و همسران، ۷. کنار گذاشتن ترس در دفاع از اسلام؛ ۸. تحول در اخلاق اجتماعی و فردی؛ ۹. رهبری کردن نهضت با پیشگامی در مبارزه؛ ۱۰. ایستادگی و جان فشانی کردن؛ ۱۱. آغاز نهضت و اقدام به قیام (حرکت و آمدن به خیابان‌ها) و فریاد برآوردن و شرکت در تظاهرات؛ ۱۱. تبلور قدرت ایمان دور تجلی شهادت و ایثار در دفاع از ارزش‌های اسلامی و انقلابی. امید است مشارکت و حضور زنان در بیداری اسلامی به اهداف اصیل بیداری در جهان و امت اسلام بینجامد.

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Bavi, S., Roshan, A. and Talayeri, A. (2025). Future Studies on the Role of Women in Mobilizing the Material and Spiritual Capital of the Resistance Front and Future Wars. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 17-40 (In Persian)



مقدمه

جنگ و صلح بخش مهمی از تاریخ زندگی بشر را تشکیل می دهد. جنگ میان کشورها از شدیدترین و پر تلفات ترین نوع در گیریه می باشد. جنگ برای همه به خصوص زنان تداعی گر ترس و وحشت است. اسلام، به عنوان مکتب کامل و جامع، برای زن ارزش و احترام بسیاری قائل است و برای زنان در مفهوم انسانی نسبت به مردان هیچ گونه تفاوتی قائل نمی باشد. زنان، همانند مردان، به عنوان یک عضو کامل جامعه تلقی می شوند. زن در جامعه ی اسلامی برخوردار از استقلال فکری و اقتصادی است و بر اساس الگوی اسلام، زنان حضور سالم و مؤثر در جامعه خواهند داشت و به نقش و کارکرد آنان، در صحنه های فعالیت اجتماعی، سیاسی اهمیت و اعتبار کافی داده شده است. از منظر اسلام، زنان می توانند علاوه بر ایفای نقش پرارزش همسری و مادری در خانواده، در تمامی امور جامعه خویش نیز نقش آفرین باشند. در این دیدگاه، یکی از تکالیف زنان، همچون مردان، اصلاح جامعه است. در آیات قرآن، خداوند به زنان و مردان به طور یکسان به کسب فضایل و ترک گناه توصیه کرده است و زنان را در اصلاح جامعه خویش از انحرافات، مؤثر می داند. نگاهی به تاریخ صدر اسلام، به ویژه عصر نبوی در می یابیم که زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حضور فعال داشته اند (ابوالحسنی و نجاتی منفرد، ۱۳۹۰).

شرکت زنان در بیعت ها و هجرت ها و امور نظامی (شرکت در جنگ ها) جلوه ای از فعالیت زنان در عصر نبوی است. به همین دلیل، زنان مسلمان با شروع اولین غزوات پیامبر خواهان شرکت در دفاع بودند. آنان علاقمند بودند که با انجام کارهایی همچون آب رسانی، نگهداری تدارکات، طبخ غذا، پرستاری بیماران و مجروحین و حمل شهداء، پیامبر را یاری دهند.

پیامبر اکرم (ص) که توانایی برخی از زنان را بسیار بالا و آنان را سرشار از عشق و روحیه فداکاری و ایثار می می دیدند به آنان اذن حضور دادند. به یقین می توان گفت که اعتماد پیامبر به زنان عامل بسیار مهمی در رشد بیشتر آنان بوده است. به عنوان نمونه می توان یادآور شد؛ در جنگ «خیبر» که در سال هفتم هجری روی داد؛ تعدادی از زنان اجازه یافتند، در جنگ شرکت نمایند و به عنوان پرستار و برای کمک به مجروحان و غذا رسانی و.... شرکت کردند و حتی در پایان جنگ، رسول خدا در تفسیم غنائم آنان را شرکت دادند. این وظائف مربوط به حضور زنانی است که مستقیماً در جنگها شرکت داشتند و پشتیبانی روحی و عاطفی زنان در پشت میدان نبرد که موجب حفظ شهرها از خطرات دشمن و آسودگی خیال مردان برای رفتن به جنگ بود؛ در جای خود قابل بررسی است (اشکیان، ۱۳۹۵).

طی قرون متمادی، بسیاری از زنان نقشی کم و بیش فعالانه در جنگ ها، در جوامع مختلف داشتند و مشارکت زنان در طول تاریخ در درگیری ها، رویداد جدیدی نیست. در جنگ جهانی اول، زنان به طور بسیار نظام مند در نزاع ها مشارکت کردند. برای مثال در آلمان، زنان، علاوه بر حضور در امور نظامی، به کارهای بسیاری، نزدیک به خط مقدم از جمله ارائه خدمات و حضور در انبارهای مهمات پرداختند. در طی جنگ جهانی دوم، زنان نقشی فعالانه تر در درگیری ها یافتند. در آلمان در جنگ جهانی دوم، بیش از یک میلیون زن در کارخانه های نظامی مشغول به کار بودند و در حالی که چندین هزار نفر زن، به عنوان افسران نظامی، در نیروی دریایی و نیروی هوایی مشغول خدمت بودند. زنان شوروی نیز مستقیماً در نبردهای جنگ دوم جهانی در تمام واحدها و خدمات به عنوان تک تیرانداز، تیرانداز، خلبان، خلبان بمب افکن و توپچی و غیره مشارکت داشتند. در جنگ جهانی دوم در انگلستان و شوروی، زنان در حدود یک دهم از کل نیروهای مسلح را تشکیل می دادند. آنها متولی کارهای اجرایی بوده، به عنوان نمایندگان که کارهای ارتباطی را انجام می دادند به خدمت مشغول بودند و در شاخه هایی چون تدارکات، حمل و نقل موتوری، ارتباطات و کنترل هوایی، مشغول انجام وظیفه بودند (افتخاری، ۱۳۸۹).

در دوران انقلاب اسلامی ایران، نیز می توان گفت؛ اسلام، محرک و انگیزه اصلی زنان برای مشارکت در فعالیتهای انقلابی بود و این فعالیت ها خودآگاهی وسیع آنان را در پی داشت. در جریان انقلاب اسلامی، شاهد حضور زنانی بودیم که مشارکت فعال در امور اجتماعی، در مراحل مختلف داشتند که زمینه بسیار مناسبی را برای مشارکت فعال آنان در جنگ را فراهم کرد. امام خمینی (ره) نیز همواره به تحول چشمگیر زنان در اثر انقلاب اسلامی تأکید داشتند. حضرت امام خمینی (ره)، با تأسی از دیدگاههای پیامبر اسلام، از ابتدای انقلاب و بالاخص در زمان دفاع مقدس با حمایت و پشتیبانی از حضور هدفمند زنان، نادیده گرفتن، این قشر عظیم جامعه را به هیچ وجه جایز ندانستند و همواره تأکید کردند که زنان مسلمان با حفظ حدود الهی در تمام صحنه های جامعه حضور یابند. ایشان زنان صدر اسلام را الگوی زنان مسلمان دانسته و به زنان ایران اسلامی در هشت سال دفاع مقدس،

اجازه دفاع دادند. امام خمینی(ره)، همواره بر نقش عظیم زنان در پیشبرد اهداف اسلامی تاکید داشتند و همواره آنان را با بانوان صدر اسلام مقایسه می نمودند (باقری چوکامی و اصغری، ۱۳۹۴).

با بروز جنگ تحمیلی و حمله عراق به مرزهای ایران، زنان در عرصه های مختلف اجتماعی در زمان دفاع مقدس حضور پیدا کردند و این مشارکت آثار مثبت فراوانی داشت. در سالهای دفاع مقدس، در جبهه ای به وسعت ایران اسلامی، زنان مؤمن، شجاع و ایثارگر سهم عمده ای را در کنار رزمندگان اسلام برای رسیدن به پیروزیهای بزرگ ایفا کردند (کلانتری، ۱۳۹۰). در این دوران، زنانی بودند که فعالانه پشتیبان جبهه ها بودند و به طور مستقیم وارد میدان شده بودند. اصلی ترین حماسه ها ی بانوان ایرانی در خط مقدم جنگ، به امداد و کمک رسانی به موقع آنها به زخمی های جنگ، نیز خدمات رسانی در امور تغذیه و فراهم ساختن خوراک و پوشاک برای رزمندگان، در اوج جنگ و در زمان عملیات ها و امور جنگ خلاصه نمی شد؛ مهم تر از همه، دلاوری ها و شجاعت هایی بوده است که برخی از بانوان ایرانی در خط اول جنگ، به نمایش گذاردند. بخصوص در ابتدای شروع جنگ و زمانی که خاک ایران، از چندین نقطه مرزی مورد تجاوز قرار گرفته بود. اقدامات، تشویق ها، حمایت ها و شرکت مؤثر و مستقیم بانوان درجنگ، علیه دشمنان نظام و در رویارویی با ارتش بعث عراق در استان های مرزی کشور، بسیار پر اهمیت و تاثیر گذار بود. زنانی بودند که در مناطق عملیاتی باقی ماندند و به کارهایی از جمله حفاظت از انبار مهمات و رساندن آن به رزمندگان اسلام، کندن سنگر، تهیه و طبخ غذا برای رزمندگان مشغول شدند. یکی از نکات حائز اهمیت، در بخش اقتصادی جنگ تحمیلی، مشارکت فعالانه مردم، به ویژه زنان، در حمایت از جبهه هاست. در آن دوران، برخی دیگر از زنان، مشارکت نیروهای غیر رسمی و مردمی در امر پشتیبانی و تدارکات جنگ را بر عهده گرفته بودند و با کمک های همه جانبه خود، اعم از تامین مواد خوراکی و پوشاک و دیگر نیازمندیهای جبهه ها و تقدیم کمک های نقدی به ویژه ذخایر طلا و زیورآلات خود، بخش عظیمی از بار اقتصادی جنگ را بردوش گرفتند.

امام خمینی(ره)، یک ماه پیش از شروع رسمی جنگ تحمیلی در جمع بانوان فرمود: «ملتی که بانوانش در میدانهای جنگ با ابرقدرتها و با مواجه شدن با قوای شیطانی، قبل از مردها در این میدانها حاضر شده اند؛ پیروز خواهند شد».

زنان و مردان انقلابی ایران، الگویی شایسته و کامل را در تاریخ مبارزات ملت های اسلامی و ملت های آزاده برای احقاق حق و رسیدن به استقلال، در مقابل همه قدرتهای بزرگ منطقه نشان دادند و برای ملت های منطقه، الگو شدند. مدت مدیدی است که مردم برخی کشورهای خاورمیانه با اقدامات اعتراضی خود، در پی تغییرات اساسی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای خود هستند. مردان و زنانی که امیدی جز خداوند و سلاحی جز پایداری ندارند. در این میان، علی رغم تبلیغات دولت های غربی مبنی بر عدم مشارکت زنان، حضور آنان همدوش مردان در این حرکت های اعتراضی نشان از حضور مؤثر و بیداری اسلامی زنان مسلمان منطقه است.

زنان مسلمان در منطقه به ویژه مصر، لیبی، بحرین، تونس و یمن، در مقابل دشمن سینه سپر کرده اند. خیابان های مصر روزهای اوج تظاهرات علیه مبارک، شاهد حضور زنان محجبه مصری بود که همراه مردان به خیابان آمده و خواستار سرنوشتی وی بودند. زنان مصری علاوه بر حضور در خیابان ها و اعتراض به سیستم استبدادی و دست نشانده غربی، با به کارگیری فناوری های جدید ارتباطی، بویژه اینترنت، در به ثمر رساندن انقلاب، کمک شایانی کردند و حتی گاهی مدیریت فعالیت های این انقلاب ها در عرصه مجازی را بر عهده گرفتند. مشارکت زنان در انقلاب این کشورها، توجه جهانیان را به خود معطوف کرد. حضور زنان مسلمان نشانگر رهایی آنان از قید و بندهای عرفی و مادی غرب و قیام برای کسب آزادی از شر خودکامان سیاسی است (احمدی، ۱۳۹۵).

حضور زنان بویژه زنان محجبه مسلمان، در این انقلاب ها و در واقع، بیداری اسلامی نشانگر آگاهی آنان درباره نقش مؤثر و سرنوشت ساز خود، در اصلاح جامعه خویش است. آنچه در جنگ ها موجب ترس و نگرانی افزون زنان است؛ تنهایی، تخریب، اغتشاش، جراحت و مرگ نمی باشد. بلکه، تجاوز، شکنجه، سوء استفاده جنسی و جسمی... سرنوشت بیش تر زنان از نتایج نبردهای سخت است. وجود عامل تبعیض و فرهنگ خشونت علیه زنان و دختران در تمام جوامع وجود دارد. اما، با برافروخته شدن آتش جنگ و تعارضات مسلحانه، این موضوع بیشتر تشدید می شود. این روزها در خاورمیانه، انواع شرارت ها علیه مردم مظلوم منطقه بخصوص زنان، اعمال می شود. سرکوب شدید اعتراضات مردمی بویژه علیه زنان مسلمان از طریق بکارگیری اهرم های خشونت چون

کشتار، ضرب و شتم، بازداشت، ربایش، شکنجه و تجاوزات، آشکارا صورت می گیرد. زنان مسلمان در خاورمیانه، علاوه بر اینکه شاهد قتل و مجروح شدن پدر، همسر و فرزندان خود هستند؛ به طرز تأسف آوری مورد تهدید واقع می شوند. از آنجایی که زنان در بیداری اسلامی و شکل گیری این حرکت بخصوص در بحرین، اثرگذاری بیشتری داشته اند؛ دیکتاتورهای نقشه خود را تغییر داده و با هجوم به آنان قصد دارند قیام را تضعیف کنند. در بحرین شاهد پایداری شدن حقوق انسانی زنان هستیم. حکومت بحرین قصد دارد با تهدید عفت و حریم زنان، مردم را از ادامه قیام علیه این حکومت دیکتاتوری بازدارد و بتواند بیداری اسلامی را در نطفه خفه کند. رفتار وحشیانه دولت های دست نشانده همچون آل خلیفه و آل سعود، با زنان و کودکان و نقض گسترده حقوق آنها این سؤال را نزد تحلیلگران و صاحب نظران مطرح کرده که چرا نهادهای حامی حقوق بشر در مقابل این جنایات، اقدام جدی انجام نمی دهند؟ در حالیکه می دانیم، در بسیاری از اسناد بین المللی زنان، به تأثیرات مضاعف خشونت ها و جنگ ها بر زنان و کودکان سخن رفته است و از جمله اسناد بین المللی که در رابطه با خشونتهایی که در طول بازداشت زنان یا در زمان درگیریهای مسلحانه داخلی و بین المللی بکار گرفته شود؛ کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (ژنوساید) (۱۹۴۸) می باشد. مطابق این کنوانسیون، اشخاصی که مرتکب این اعمال می شوند؛ ام از اینکه اعضای حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند؛ مجازات خواهند شد. کنوانسیون ژنوساید، تجاوز جنسی را جنایت علیه بشریت دانسته و آن را ممنوع اعلام کرده است. محافظت از صلح جهانی و امنیت بین المللی وظیفه مهمی است که در منشور سازمان ملل بدان اشاره شده است. ولیکن، با وجود تعداد کثیری کنوانسیون و پروتکل و.....، زنان زیادی در طول درگیریها، به طرق مختلف جان و زندگی و موجودیت خویش را از دست می دهند و در حال حاضر نقض مسلم این اصل را در کشورهای منطقه، علیه زنان انقلابی شاهد هستیم و در مقابل، نهادها، سازمان ها و مجامع بین المللی در مقابل متجاوزان به اصول اساسی حقوق بشر، سکوت اختیار کرده اند. در این دوره زمانی، شاهد تشعشع انوار انقلاب اسلامی ایران در بین کشورهای مسلمان منطقه هستیم که خود نشان از موج بیداری اسلامی در سطح منطقه دارد؛ که از نگاه مقام معظم رهبری حادثه ای بزرگ و باشکوه در دنیای اسلام است که این حادثه می تواند همه معادلات استکبار را در منطقه بر هم زند و عزت و کرامت را برای امت اسلامی باز گرداند و در این راستا، زنان مسلمان منطقه، از حضور و شجاعت بانوان مسلمان ایرانی در جریان انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس که یادآور نقش برجسته و تاریخ ساز آنان در آن دوران عظیم بوده است؛ می توانند الگو برداری شایسته ای برای پیشبرد انقلاب خود، داشته باشند و امید است؛ این قیام ها و اعتراضات، وحدت و یکپارچگی جهان اسلام را برای مبارزه علیه استکبار را به همراه داشته باشد. هدف از این پژوهش، بررسی آینده پژوهی نقش زنان در بسیج سرمایه های مادی و معنوی جبهه مقاومت و جنگ های آینده می باشد.

نوع و روش تحقیق

الف) توصیفی تحلیلی با استفاده از روش های کتابخانه ای است. چون این پژوهش به مبانی آینده پژوهی نقش زنان در بسیج سرمایه های مادی و معنوی جبهه مقاومت و جنگ های آینده می پردازد، روش تحقیق در بعد مبانی، به شیوه نظری و در بعد عملی، به شیوه کاربردی انجام می شود.

ب) نوع تحقیق، نظری و به روش تحقیق در علوم اجتماعی است.

ج) روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای به روش فیش برداری و مراجعه به منابع دست اول، منویات رهبری، اینترنت، کتب و مقالات مرتبط و معتبر است.

یافته های پژوهش

سیر تحولی و رشد

طی جنگ های جهانی اول و دوم نقش زنان در امور مربوط به جنگ و صنعت بیشتر بود و به علت کمبود مردان در هر دو جبهه، زنان به ایفای نقش بیشتری پرداختند. تاریخ به نحوی نشان داده است که زنان در امور پشت جبهه نقش ارزنده ای ایفا نموده اند که بدون همدلی و همیاری آنان امکان نداشت مردان به تنهایی از عهده کلیه امور جنگ بر آیند. امروزه زنان نسبت به گذشته، سهم بیشتری را در نیروهای نظامی کشورهای غربی اشغال نموده اند و هر چند در مأموریت های برون مرزی از آنها استفاده

نمی‌شود، به امور خدمات جنگی در داخل ارتش‌ها مشغولند. علاوه بر آن در نیروهای پلیس و نیروهای راهنمایی و رانندگی یا حتی در گروههای تروریستی زنان فعالیت بیشتری را از خود نشان داده‌اند (معصومی، ۱۳۸۱).

زنان از دیدگاه فرهنگهای مختلف

بنا به فرهنگ‌های مختلف همین زنان بودند که در موقع اعزام نیروها به جبهه جشن و شور و شوق به راه انداخته یا به دعا و نیایش پرداخته و هنگام بازگشت نیز به استقبال آنها شتافته و از کشته شدگان تجلیل کرده و کانون خانواده را در خلال غیبت شوهرانشان گرم و با محبت نگه داشته‌اند.

سازمانهای زنان هوادار صلح (Women Peace Party)

زنان در غیاب مردان امور تولید زراعی و تولید صنعتی را در جامعه اداره کرده و امکانات غذایی و پوشاکی را جهت آنان تدارک نموده‌اند. آنها در سازمانهای زنان هوادار صلح (WPP) اعلام کرده‌اند که در گذشته مردان برای جنگیدن خانه را ترک می‌کرده‌اند و حال ما برای صلح خانه را ترک می‌کنیم و نمی‌گذاریم جنگ‌ها اتمی و هسته‌ای جهان را به نابودی بکشاند.

نقش زنان در جنگ از دیدگاه اسلام

در اسلام به نقش و کارکرد زنان در صحنه‌های فعالیت اجتماعی، سیاسی اهمیت و اعتبار کافی داده شده اما در طول تاریخ به دلایل متعددی این حقوق یا مخدوش یا تعدلاً نقض گردیده است طوری که برخی می‌پندارند زنان فاقد این حقوقند. (حقوق زن) حضور فعالانه زنان در عرصه‌های انقلاب اسلامی و تجدید سازمان اجتماعی و نیز حضور پیشقدمانه آنها در رخدادهای جنگ و جبهه و مسائل سیاسی، اجتماعی جامعه اسلامی به منزله نیمی از پیکره این جامعه همواره تأیید رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی بوده است. ریشه دعوت و حرکت زنان به انجام دادن این قبیل فعالیتها به نقش الگویی زنان صدر اسلام و بانوان عصر پیامبر اسلام حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بخصوص حضرت زهرا سلام‌الله‌علیه و حضرت زینب سلام‌الله‌علیه بر می‌گردد که بر اساس ایدئولوژی اسلامی و برنامه‌های اجتماعی اسلام قرار داشته است (مولوی، ۱۳۷۸).

شأن زن از دیدگاه امام خمینی

در میان رهبران سیاسی و فکری جهان شخصیتی را پیدا نمی‌کنیم که به اندازه رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران از بانوان تجلیل و تکریم نموده باشد. امام خمینی، انقلاب و پیروزی آن را وام دار زنان می‌شمرد. چراکه آنان سبب تقویت روحیه و انگیزه انقلابی مردان شدند. ایشان می‌فرمایند:

"این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند. بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرأت و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانمها هستیم." (صحیفه امام، ج ۷، ص ۶)

امام، با الهام از تعالیم انبیاء و اولیاء الهی نه تنها رهبر سیاسی جامعه بلکه تجسم اخلاق و فلسفه و فقه و عرفان نیز بود. ایشان هرگاه در باره زنان سخن می‌گفتند با زیباترین و شیواترین کلمات، جایگاه و ارزش آنان را بیان و معرفی می‌کردند. امام که تعلیمات اسلام را پیکره و چارچوب شأن و مقام و شخصیت انسانها و حقوق و آزادی‌های آنان می‌دانستند با اتکا به چنین دیدگاهی «زن» را دارای شخصیت و مقامی والا برشمرده و دیدگاه‌های منحط جوامع غیرمذهبی و سرمایه داری را نفی می‌کردند.

حضور زن در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران

هرچند زنان ایرانی برای اولین بار نبود که حضور خویش را در صحنه سیاسی و اجتماعی به اثبات می‌رساندند ولی گستردگی و کیفیت و مشارکت فعالانه و متعهدانه این قشر در لحظات حساس و سرنوشت ساز ملت در انقلاب اسلامی، بی سابقه و در جهان بی نظیر است. پس از فرمان تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی همسران ناصرالدین شاه به شکستن قلیان‌ها اقدام کردند و در نهضت انقلابی جنگل زنان خطه گیلان با کمک‌های مادی و معنوی خویش مبارزان را یاری رساندند، تا آنها در انجام وظیفه خود

ترسی به دل راه ندهند، مقاومت زنان مسلمان در توطئه کشف حجاب و به پاکردن تظاهرات بزرگ در مشهد و اعتراض به این وضع هرگز از خاطره ها محو نمی گردد. ولی نقش زنان در صحنه های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بسیار فعالانه تر و قوی تر از هر زمان دیگری بود. حضور زنان در صحنه های مبارزه و تلاش، بردباری خانواده های انقلابی در برابر انبوه مشکلاتی که رژیم ستمگر شاه برای آن ها پیش می آورد، ترغیب و تشویق همسران و پسران و مجاهده و تلاش در سرنگونی طاغوت از جمله عوامل مؤثر در روند روبه تکامل انقلاب بود. صبوری مادران داغدیده که جوانهای خود را در صحنه تظاهرات و راهپیمایی ها از دست می دادند و هیچ شکایتی نداشتند از اموری است که نمی توان همانندی برای آن در جنبش های ملی و یا مذهبی در دیگر نقاط جهان پیدا کرد.

در واقع اگر همکاری خالصانه زنان با خانواده و همسرانشان در میادین مبارزه، زندان رفتن ها و شکنجه ها و آزارها نبود شاید این مقاومت ها به ثمر نمی رسید و ریشه های سازنده و شکل دهنده انقلاب پا نمی گرفت.

شهادت تعداد زیادی از زنان مسلمان چه در تظاهرات و چه در زندانها از جمله واقعه ۱۷ شهریور و ندای لبیک به رهبر انقلاب در راهپیمایی های گسترده ای چون تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ نشانگر روحیه بالا و وفاداری زنان به اسلام و رهبر آن بود که از اراده ای محکم و خلل ناپذیر و ایمانی قوی سرچشمه می گرفت. مأموران رژیم وقتی صحنه نمایش میلیونی زنان را در تظاهرات خیابانی می دیدند و رفتارهای محبت آمیز و مادرانه آنها را که دلسوزانه از نظامیان می خواستند به جمع ملت بپیوندند مشاهده می کردند، سرانجام تصمیم گرفتند به آغوش مردم باز گردند و اسلحه های خود را بسوی فرماندهان و سرسپردگان رژیم نشانه گرفتند. امام خمینی که بارها به نقش کلیدی و قابل ملاحظه زنان در پیروزی انقلاب تأکید کرده بودند فرمودند:

" در تظاهرات خیابانی زنان ما، بچه های خردسال خود را به سینه فشرد، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل، به میدان مبارزه آمده اند. جلسات سیاسی ای که زنان در شهرهای مختلف ایران، برپا می کنند کم نیست، آنان نقش بسیار ارزنده ای را در مبارزات ما ایفا کرده اند. مادران شجاع فرزندان اسلام، خاطره جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ زنده کرده اند. در چه تاریخی این چنین زنانی را سراغ دارید و در چه کشوری؟ " (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۴۰).

آنها با شرکت در فعالیتهای سیاسی و حتی نظامی، توان خویش را در هر زمینه ای که حرکت عظیم ملت را به جلو می برد بروز می دادند. این کار به گوشه نشینی و عدم تحرک و ناکار آمدی زن و همچنین آزادی های دروغین و سطحی نگری در خصوص زن مهر باطل زد. امام خمینی، حضور زنان را معجزه بزرگ اسلامی می دانستند و نتیجه نور ایمان و قدرت اسلام و قرآن و علت تحولشان را اسلامی بودن این نهضت بیان می داشتند و نهایتاً انقلاب اسلامی را وامدار زنان مسلمان و متعهد برمی شمردند.

حمایت ایشان از زنان و قدردانی از آنها در سخنرانی ها و دیدارهایی که برگزار می شد بخوبی مشهود است. در روزهای نخستین بازگشت امام به وطن در مدرسه ای که با ایشان ملاقات صورت می گرفت، کثرت جمعیت به حدی بود که مسئولین نگران وضعیت امام شده تصمیم گرفتند، ملاقات خواهران را حذف کنند. امام که متوجه این مطلب شدند فرمودند:

«زنها سهم افزون تری در انقلاب داشتند، شما می خواهید این نیروی فعال را که مشوق مردها بودند و تشجیع کننده آنان در میدان مبارزات از صحنه خارج کنید.» (ووثوقی، ۱۳۷۸)

شهید مطهری نیز بر نقش سازنده و مفید بانوان در انقلاب اشاره دارد و می فرماید:

«انقلاب اسلامی ایران ویژگی هایی دارد که مجموع آن را در میان تمامی انقلاب های جهان بی نظیر و بی رقیب ساخته است یکی از آن ویژگی ها ذی سهم بودن بانوان است. بانوان سهم بزرگی از انقلاب را به خود اختصاص دادند و این حقیقتی است که جملگی برآیند.»

زنان در پرتو معنویت و عظمت انقلاب اسلامی به این واقعیت رسیدند که اسلام برای آنها هویتی انسانی قائل است که ریشه در گرایش های عالی دارد و الگوگیری از مکتب حضرت زهرا(س)، بزرگ بانوی عالم بشریت و اتکال به قوه لایزال الهی و چنگ زدن به ریسمان حق آنان را در جایگاهی رفیع و ارزشمند قرار می دهد.

زنان متعهد در دوران انقلاب اسلامی نقشی ماندگار از خود به جای گذاشتند و به همگان ثابت کردند که شخصیت زن مسلمان در تبعیت از الگوهای مصرفی غرب و مد و مدپرستی و آنچه آنها برایش به ارمان می آورند نیست بلکه چیزی که بر اعتبار و ارزش او می افزاید نجابت، شرافت و فداکاری در راه آرمان های اصیل دینی است که خداوند به آن ها ارزانی داشته است.

امام خمینی شناخت و فهم زن مسلمان ایرانی را ستوده و می فرماید: «اینجانب به زنان پرافتخار ایران، مباهات می کنم که تحولی آنچنان در آنان پیدا شد که نقش شیطانی بیش از پنجاه سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی شرافت آنان، از شعرای هرزه گرفته تا نویسندگان و دستگاه های تبلیغاتی مزدور را نقش بر آب نمودند، و اثبات کردند که زنان ارزشمند مسلمان دچار گمراهی نشده و با این توطئه های شوم غرب و غربزدگان آسیب نخواهد پذیرفت.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۱۶).

نقش زنان در دفاع مقدس

امام خمینی (ره) درباره نقش پراهمیت زنان در انقلاب و به ویژه جبهه و جنگ می فرماید: ما مفتخریم که بانوان و زنان، پیر و جوان، خرد و کلان، در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، حاضر و همدوش مردان، یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی، از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها، بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهنیده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده اند. و آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه می آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می لرزاند، اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیه اسلام الله، فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می دانند آنچه به دست آورده اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا (امام خمینی: ۱۳۷۶: ۳۱۱-۳۱۲). هرچند شرح همه ایثارها، از جان گذشتی ها و اقدامات زنان در جن گ تحمیلی میسر نیست سعی می کنیم با ذکر از نمونه های آن یادآور تلاشها و حماسی آنها باشیم.

الف) حضور در جنگ: در بعضی مواقع با توجه به شرایطی که بوجود می آید زنان نیز خود را موظف به حضور در جنگ می بینند و در این راه همانند مردان اسلحه به دست به صورت رو در رو با دشمن می جنگند. مقاومت دلیرانه زنان در شهر های جنگی زبانزد است. زنان جوان در شهر های خرمشهر، آبادان، مریوان و... سلاح به دست گرفتند و به دفاع از انقلاب پرداختند. عده ای از این زنان به شهادت رسیدند و برخی نیز مجروح و یا اسیر شدند. در صدر اسلام نیز در جنگهای مثل نبرد احد و نبرد حنین زنانی مثل (نسبیه و ام حارث) اسلحه به دست در مقابل دشمن ایستادند.

ب) پرستاری از مجروحان: از دیگر نقش های زنان در جنگ، پرستاری و مداوای مجروحین در جبهه و جنگ می باشد. در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، زنان فراوانی در قالب بسیج به پرستاری و مداوای مجروحین پرداختند و تعدادی نیز در این راه به مقام رفیع شهادت نایل شدند.

پ) کمک های مالی: در طول جنگ بسیاری از زنان کشورمان به اهدای اموال و وسایل لازم رزمندگان در جبهه اقدام کردند. به طوری که امام خمینی (ره) درباره آنها فرمود: زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهدت همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران هم مجاهدت انسانی عظیم کرده اند و هم مجاهدت مالی.

ت) فعالیت های تبلیغی: در طول جنگ تحمیلی عده ای از زنان با سرودن اشعار حماسی و دینی و پخش آنها از مطبوعات به تهییج دلاور مردان جبهه و جنگ همت گماردند.

زنان جاوید

کم نیستند زنانی که با اصابت ترکش خمپاره یا بر اثر بمباران های هوایی، عضوی از اعضای بدن خود را از دست دادند و دچار موج گرفتگی و یا گرفتار عوارض بمب های شیمیایی شدند و در زمره "جانبازان" جای گرفتند.

آیا به راستی می توان برای جانبازان زن نیز هم چون مردان جانباز، درصدی از جانبازی تعیین کرد؟ آیا احساس یک زن جانباز همچون مرد جانباز است و آیا جامعه به او هم چنان می نگرد که به یک مرد جانباز؟

زنان جانباز حماسه‌سازانی هستند که گمنام مانده‌اند و غریبانه‌تر از مردان جانباز، سهمشان در اجتماع به فراموشی سپرده شده‌است.

جمعیت ۶ هزار نفری زنان جانباز، شامل کسانی است که در بمباران‌ها، مبارزات انقلاب و سال‌های دفاع مقدس به فیض جانبازی نائل آمده‌اند و کمتر توانسته‌اند در جامعه و نزد افکار عمومی خود را مطرح و جایگاه واقعی خود را به دیگران بشناسانند، از این رو کمتر از آنان یاد می‌شود و کمتر توانسته‌اند در جامعه و نزد افکار عمومی خود را مطرح و جایگاه واقعی خود را به دیگران بشناسانند، از این رو کمتر از آنان یاد می‌شود. همسران، مادران و خواهران جانبازان، هر روز زندگی سخت و دردآلود عزیزان خود را می‌بینند و در این بین به ویژه در نقش همسر جانباز و مادر فرزندان، با قلمتی استوار ستون خانواده را پا برجا نگاه می‌دارند و نمی‌گذارند که گرمی کاشانه مهرشان در تلاطم توفان زندگی به سردی گراید. زنان "آزاده" را نیز فراموش نکنیم. زنانی که در دوران دفاع مقدس همچون برخی مردان رزمنده، به اسارت بعثیان درآمدند و حتی گاه در سلول‌های انفرادی محبوس شدند و تحت آزار و شکنجه دژخیمان بعثی قرار گرفتند. همسران "شهدا" شاید بیش از سایرین بر گردن جامعه و بازماندگان جنگ حق دارند. چه بسا زنانی که همسرانشان به شهادت رسیدند و آنها را با کودکانشان تنها نهادند و رسالت پدر بودن را نیز همپای وظیفه خطیر مادری بر دوش آنها نهادند (شاعری، ۱۳۸۱).

نقش زنان در حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس پس از جنگ

زنان و به خصوص مادران، همسران، خواهران و دختران شهدا، جانبازان و اسرا، نقش به سزایی در ترویج ارزش‌ها و فرهنگ روزهای آتش و خون دارند. انتشار نامه‌های خانواده رزمندگان در آن روزها، سخنرانی‌ها، مراسم یادبود و... همگی در بزرگداشت یاد آن روزها اثرگذار می‌باشند. کتاب «نامه‌های فهیمه» که پس از فوت وی چاپ شد، یکی از هزاران نمونه‌ای است که موجب تشجیع و آسودگی خیال مردان از ناحیه زنان می‌شد. در قسمتی از این نامه‌ها می‌خوانیم: «سلام مرا از این راه دور بپذیر؛ سلامی که از سینه‌ای برمی‌خیزد که دوری تو آن را سخت تنگ کرده. سلامی که از قلب مصیبت دیده‌ام بیرون می‌آید و بر قلب مصیبت دیده‌ات می‌نشیند؛ ولی بدان که امام صادق (علیه‌السلام) فرموده است: «اگر مؤمن پاداشی را که برای مصیبت‌ها دارد، بداند، آرزو می‌کند که او را با مقارض‌ها تکه تکه کنند...».

«غلامرضا! خیلی دلمان برایت تنگ شده، ولی چه کنیم که اسلام را بیشتر و بیشتر از تو دوست داریم. چه کنیم که ما حسین (علیه‌السلام) را بیشتر از تو دوست داریم. چه کنیم که عشق حسین (علیه‌السلام) قبل از عشق تو در وجودمان نقش بسته است؛ چرا که اول چیزی که در ابتدای زندگی مان چشیدیم، تربت پاک حسین (علیه‌السلام) بود...»

گذشته از این، زنان در عرصه هنر و ادبیات نیز نقش آفرین بوده‌اند. اشعار مرحومه سپیده کاشانی در سرودن حماسه رزم‌آوران معروف و بیاد ماندنی است. دیگران نیز همچون طاهره صفار زاده، سیمین دخت وحیدی، مهری حسینی و... در سرودن حماسه‌ها نقش به سزا داشته‌اند.

در زمینه ادبیات داستانی نیز بانوانی چون خانم راضیه تجار، سمیرا اصلان پور، زهرا زواریان، مریم صباغ زاده، ایرانی، طاهره ایبد، مهری ماهوتی، بلقیس سلیمانی، حبیبه جعفریان و حتی زنان جوانی که در هشت سال دفاع مقدس یا به دنیا نیامده بودند و یا کودکی بیش نبوده‌اند، اکنون سراینده و نویسنده آن روزهایند، که خون، اثری در فرهنگ مردم می‌گذارد که هیچ چیزی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. مؤسسه روایت فتح، یکی از مؤسسه‌ای است که با قلم نوقلمانی چون فرزانه مردی (کتاب شهید حسن باقری)، مریم برادران (کتاب شهید همت)، فاطمه غفاری، نفیسه ثبات و دیگر نویسندگان و شاعران جوان، دری را گشوده است که هرگز بسته نخواهد شد. و این فرهنگ آرمان شهری است که تا کسی با عشق وارد آن نشود، درکی از آن نخواهد داشت.

نقش زنان در بسیج سرمایه‌های مادی و معنوی جبهه مقاومت

حضور در صحنه نبرد

زنان مسلمان ایرانی با الهام از تعالیم اسلامی با شجاعت و شهامت وصف‌ناشدنی، در صحنه‌های مختلفی حتی در میدان‌های رزم حضور یافتند. اولین مسئولیتی که زنان در دفاع مقدس، به صورت خودجوش و همپای مردان بر عهده گرفتند، جنگیدن با دشمن بعثی در جنوب و مزدوران داخلی در کردستان بود، حتی آنان، کوکتل مولوتف ساختند، تا به جنگ تانک‌های عراقی بروند

که قصد داشتند از مرز شلمچه بگذرند. البته تهیه و به کار بردن کوکتل مولوتف، ابتدایی‌ترین کار رزمی خواهران و زنان به شمار می‌آمد، بعدها آن‌ها خود را به سلاح مجهز کردند تا مردانه با دشمن بجنگند.

زنان رزمنده در خرمشهر، کارهایی از جمله حفاظت از انبار مهمات و رساندن آن به رزمندگان اسلام، کندن سنگر، تهیه و طبخ غذا برای رزمندگان مشغول شدند. زنان غیور و شجاع ایرانی گاه با دست‌خالی و یا چوب‌دستی مزدوران بعثی را به اسارت گرفتند. یک شیر زن سوسنگردی با چوب‌دستی خود چند سرباز رژیم بعثی عراقی را به اسارت گرفت و قهرمان دیگری تعدادی از آنان را در یک اتاق محبوس کرد و به رزمندگان ایرانی تحویل داد. آنان در شهرهای مرزی دلیران مقاومت کردند. گویی ترس را از یاد برده بودند و فقط به حق می‌اندیشیدند و بس. زنان نقش‌های اطلاعات رزمی فراوانی را انجام دادند. از روحیه مقاوم و بسیار بالایی برخوردار بودند.

پیکرهای مطهر پدران، برادران و دوستانشان را با دست خودشان به خاک می‌سپردند. جنگ علیرغم همه سختی‌ها و مصیبت‌ها نتوانسته بود روال معمول زندگی آنان را مختل سازد؛ آن‌ها بی‌توجه به حالت جنگی به کار و فعالیت عادی و روزانه زندگی مشغول بودند. زنان شجاع آن دوران، حماسه‌سازان گمنامی بودند که شجاعت را به مردان و فرزندان خود می‌آموختند و به وجود فرزندان فداکارشان افتخار می‌کردند. آنان آیین تمام نمای ایثار و فداکاری و اسطوره‌های شهادت و شهامت بودند، فرار از دشمن برای ایشان مفهومی نداشت و بر این عقیده بودند که تا آخرین نفس نباید پشت به دشمن کرد. شیر زنان سلحشور ایرانی خاطره مجاهدات و فداکاری‌های زنان مجاهد صدر اسلام را زنده کردند آنان تا سرحد جانبازی و شهادت پیش می‌رفتند و آرزوی شهادت داشتند که تعدادی از آن‌ها شهید و حتی تعدادی در همان هجوم اولیه دشمن در شهرها و روستاهای مرزی اسیر شدند. صحنه‌های رزم زنان و مادران، اگرچه اندک بود، ولی اولاً تا پایان دفاع مقدس ادامه یافت، و ثانیاً، تأثیر عمیقی بر روحیه رزمندگان داشت.

کمک‌های امدادی و درمانی

با مطالعه تاریخ جنگ‌های صدر اسلام درمی‌یابیم که مسئولیت بزرگ پرستاری از مجروحان جنگی بر عهده زنان بوده است. صفحات زرین تاریخ اسلام گواه وجود زیادی از زنان امدادگر در میدان جنگ است. زنان ایران اسلامی نیز با اقتدا به زنان صدر اسلام در سخت‌ترین شرایط جنگی، در این عرصه مقدس به خدمت مشغول شدند.

در دوران دفاع مقدس، بیمارستان‌ها و سایر مراکز درمانی و پزشکی شاهد فداکاری و ایثارگری‌های زنان شاغل در حرفه پزشکی و زنان داوطلبی بود که با گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت امدادگری با عشق و انگیزه به مجروحان و مصدومان جنگی، خدمت خداپسندانه می‌نمودند. آن‌ها با ابتکار عمل مکان‌های مناسب را به مراکز درمانی مبدل می‌ساختند و در مناطق جنگ‌زده و بیمارستان‌های صحرائی به کار امدادگری مبادرت ورزیدند و بدون هیچ‌گونه ترسی در شهرهایی که هر لحظه زیر آماج گلوله توپ و خمپاره بود مجروحان را مداوا می‌کردند. زنان و مادران در دفاع سی‌وچهار روزه خرمشهر، کار امدادگری و رسیدگی به مجروحان را به دوش می‌کشیدند. آنان هر کاری نیاز بود و قادر بودند انجام می‌دادند؛ از تخلیه مجروح و پرستاری و کار در آشپزخانه گرفته تا نگهبانی از بیمارستان. تمام سعی و تلاش آن شیر زنان مؤمن برای امداد و کمک‌رسانی به رزمندگان بود و در این راه نه از اسارت بیم داشتند و نه از کشته شدن هراسی به دل راه می‌دادند.

آن‌ها به‌جز ایفای تکلیف شرعی دفاع از سرزمین‌های اسلامی همه‌چیز را فراموش کرده بودند و قلبشان تنها برای رضای خدا و حراست از انقلاب اسلامی در سینه می‌تپید. در این صحنه‌های پرشور و حماسه به زنانی برمی‌خوریم که در عتفوان جوانی با جثه‌ای ضعیف زیر باران گلوله‌های دشمن، زخمی‌ها را به دوش می‌کشیدند و به بیمارستان‌ها حمل می‌نمودند. شواهد فراوانی از امدادرسانی زنان در دوران دفاع مقدس موجود است که حاکی از عزم و اراده خستگی‌ناپذیر زنان غیور این مرز و بوم است. ولی متأسفانه فعالیت گسترده شیر زنان ایران اسلامی در این مراکز مکتوب نشده و تنها مواردی از آنان به رشته تحریر درآمده است.

نقش امداد رسانی مادران و خواهران همچون سندی جاودان در تاریخ دفاع مقدس حک شده است. اما تا جایی که مقدور است باید این تلاش را به تصویر کشید و همگان را از شکوه و دلاوری ایثار زن مسلمان ایرانی آگاه کرد. زنانی که ضمن رعایت حجاب، آداب و شئون اسلامی نقش خویش را به بهترین نحو ایفا نمودن سهم و قدر و منزلت این زنان مجاهد در دفاع مقدس و پرورش شهیدان کمتر از مردان رزمنده و شهید نیست، زیرا علاوه بر انجام مسئولیت خویش روحیه دلیرمردان عرصه نبرد را نیز تقویت می کردند.

ارزشهای اخلاقی و معنوی

خودشناسی

فضای پس از انقلاب اسلامی، فرصتی جهت پالایش اندیشه های منفی نسبت به زنان و نفی افکار قالبی در مورد شخصیت و خصوصیات آنها ایجاد کرد. زن، دیگر عنصر تزئینی برای اهداف تجاری و مادی نبود که جذابیت جنسی و فربایی او، ملاک ارزشمندی وی باشد. هویت و هنر زن بودن و تعریف زن نمونه در نظام ارزشی پس از انقلاب به ویژه در دوران دفاع مقدس و حاکمیت ارزشهای معنوی دگرگون شد و زنان دریافتند هویت انسانی که اسلام برای آنان قائل است در پرتو فضای جنگ قابل حضور و اثبات می باشد؛ بنابراین، با تحرک، وپویایی، و وقار، شجاعت و ایثار... بر تفکرات موهومی که قرنهای زن را موجودی ضعیف، بزدل، منفعل و شیءگونه تعریف کرده بود، خط بطلان کشیدند.

دفاع مقدس فرصت شناسایی هویت و شخصیت زن مسلمان را فراهم کرد تا در جریان آزمونی سخت، تواناییها، لیاقتها، شایستگیهای خود را بشناسد و به عنوان سرمایه ای گرانبها در راه خودباوری و پاسداری از حرمت خویش ارج نهد. قدرت شگرف زنان ایرانی که به سبب همین خودشناسی و خودباوری حاصل آمده بود، توانست در تغییر و تعیین مسیر رویدادهای اجتماعی نظیر دفاع مقدس نقش مهمی را ایفا کند و دشمنان را به تعجب وادارد، زیرا به مفهوم واقعی کلمه، تحولی عظیم در نگرشهای زنان ایجاد شد و «هنر زن بودن» در تحولات و تغییرات نظام ارزشی به سوی معنویت، باز تعریف شد.

شجاعت و استقامت

از جمله خصایصی که، در طول ادوار مختلف، به زنان نسبت داده شده است، ترس، واهمه و ضعف آنها می باشد. اما حضور زنان در صحنه های دوران مقاومت این تفکر قالبی را در هم شکست. زنان غیور و شجاع کشور، فراتر از زنان اسطوره ای در برابر بی رحم ترین و خشن ترین دشمنان این مرز و بوم چنان صلابت و شجاعتی نشان دادند که مردان جنگ را به شگفتی و شیفتگی واداشت. زنان در دوره های حماسه و رزم شهری، مقاوم ایستادند و از شهر خویش دفاع کردند و مردان را به غیرت آوردند و با دست خالی به «کندن سنگر، پرکردن کیسه شن و جابه جایی آن، محافظت از مهمات، اسارت گرفتن دشمن علی رغم نداشتن اسلحه و در برهه ای از تاریخ جنگ، به نگهداری از پیکر مطهر شهدا و خاک سپاری اجساد قطعه قطعه برادر و پدرشان و حفاظت از گلزار شهدا و اجساد مطهر از شر حیوانات و دشمنان همت شجاعانه گماردند.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۵/۱۱/۲۷). و زمانی دیگر در غسالخانه ها شهدا (خواهران شهید را) می شستند، کفن پوش می کردند و به خاک می سپردند. تاریخ خونبار دفاع مقدس، تاریخ استقامت دخترکان معصوم سوسنگردی است؛ اسوه های عفاف، شرم و حیا که بی حیاترین و خبیث ترین انسانها، سرانجام آنها را زنده زنده به گور سپردند. (مجله زن روز، شماره ۱۸۱۷، شهریور ۱۳۸۰). تاریخ جنگ، تاریخ پایداری زنانی است که در یک روز موشک باران همه اعضای خانواده خویش را از دست دادند، ولی همچنان تسلیم ناپذیر ایستاده بودند.

ایثار و فداکاری

پرورش روح بلند ایثارگری در تمام ابعاد آن، در طول هشت سال دفاع مقدس، اعجاب جهانیان را برانگیخت. زنانی که همه چیز را در طبق اخلاص نهادند و علی رغم چنین آثاری، آن را ناقابل، ناچیز و کوچک شمرده و احساس شرمندگی می کردند که نمی توانند خدمت دیگری را در انقلاب انجام دهند. بانوانی که برای کمک به جبهه ها و تداوم انقلاب، حلقه های ازدواج و مهریه خویش را اهدا کردند، چرا که هیچ چیز دیگری نداشتند تا به جبهه های جنگ یاری رسانند. آیا ایثار و فداکاری از این بزرگتر که زنان این سرزمین، همسر و فرزند محبوبشان را علی رغم دلبستگی، تعلق خاطر و علاقه بسیار، به حضور در جبهه تشویق و

ترغیب نمودند و در شهادت او از خداوند درخواست کردند که قربانی آنها را بپذیرند و یا «زنانی که به فرمان امام(ره) مبنی بر خدمات رسانی و پشتیبانی جبهه ها، تمام حقوق یک ماه خود را به جبهه ها کمک کردند و وقتی از آنها پرسیدند که مخارج این ماه فرزندان چه می شود، با شگفتی پاسخ دادند: در کجا و چطور زندگی می کند؟ ما هنوز زنده ایم و خدا روزی رسان فرزندان ما می باشد.» (مجله جهان زن، شماره ۵، سال دوم، دی ماه ۱۳۵۹).

صبر جمیل

جنگ، مدرسه صبر و مقاومت بود و سالهای دفاع مقدس، صحنه تجلی زیباترین صبرها. صبر شیر زنانی که در شهادت همسر، خم بر ابرو نیاموردند، صبر مادرانی که چهار فرزند خویش را در مسلخ عشق قربانی کردند و صبر بانوانی که بر جراحت و زخم های عزیزانشان بوسه زدند و صبر و انتظار نامعلوم همسرانی که برای بازگشت شریک زندگی شان ثانیه شماری کردند و صبر زنانی که بر زخم زبانها، طعن ها و تمسخرهای دشمنان و تحریک منافقان سکوت پیشه کردند و صبر مادران و همسرانی که در اسارت عزیزانشان توکل کردند و صبر دخترانی که سالهای جوانی و زیبایی خویش را در رنج انتظار پژمردند و صبر زنانی که سالهای متمادی از عمر خویش را در به تربیت یادگار شهید، چشم از احساسات و غرائز خویش فرو بستند و در خانه شهید حرمت او را پاس داشتند و فرزندان شهدا را برای آینده ای روشن تربیت کردند. مقام معظم رهبری صبر زنان را در دوران دفاع مقدس بسیار ارزنده و مؤثر می دانند و می فرمایند: «در سالهای جنگ، اگر صبر مادران و همسران شهدا نبود، مشکلات بزرگی ایجاد می شد.» (ویژه نامه حماسه گمنام، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس - دفتر امور زنان. نیمه مهر ۱۳۸۰).

مدیریت احساس

زنان در طول دوران دفاع مقدس عالمانه، بین احساسات رقیق زنانه و مادرانه و مسئولیت پذیری و ایثار و فداکاری در قبال حفظ ارزشهای دینی و پاسداری از کیان اسلامی یک ارتباط منطقی برقرار کردند و از نیروی احساسی خویش به زیباترین وجهی جهت احساس افتخارات ملی و دینی و حرکت آفرینی و تهییج مردان برای اعزام به جبهه ها و نیز مقابله با هیجانات و آسیبهای روحی و روانی ناشی از جنگ بهره گرفتند. آنها با گفتار، نوشتار و رفتار خویش از تلاش ایثارگران و رزمندگان تجلیل کردند و با نثار عواطف خواهرانه و مادرانه و پشتیبانی عاطفی، آنها را دلگرم کرده و نهال ایمان را در دل های آنها پر بار کردند. زنان میهن اسلامی در دوران دفاع مقدس ثابت کردند که احساسات منفی و کج رویهای اجتماعی که؛ معمولاً، در هر کشوری در زمان جنگهای مسلحانه و به دلیل بی خانمانی و بی سرپرستی خانواده ها ایجاد می شود، در کشور ایران به موجب ایمان، اراده و مدیریت احساسی زنان و فرزندان شهدا و نیز به موجب عهد و پیمان معنوی آنها با آرمانهای عزیزانشان، کشور از سایر کشورهاست.

اطمینان دادن به امداد الهی

شیرزنان در دفاع شهری (اوایل جنگ تحمیلی) و نیز جریان کمک رسانی به جبهه های جنگ و حضور در مناطق جنگی، شاهد امدادهای غیبی بسیاری بودند که بر باور و ایمان آنان تأثیرگذار بود. در شرایطی که تمام کفر با تجهیزات و ادوات و آلات نظامی در جنگ شرکت کرده بود و ملت ایران با کمترین امکانات دفاعی، فقط با توکل به نیروی لایزال الهی و اخلاص و توسل به ائمه اطهار (ع)، دشمن زبون را به ذلت و خواری می کشاند حیرت و عجز و سرخوردگی، نصیب دشمنان می شد و اطمینان به امداد الهی و تقویت روحیه رزمندگان و باور قلبی به یاری و نصرت الهی و امداد و غیبی، نصیب ملت ایران می شد. آنها براین باور استوار بودند که خداوند از مؤمنان و پیروان حقیقت دفاع می کند و همین اطمینان به یاری پروردگار و مشاهده امدادهای غیبی و یاری ملائکه و جنود الهی، آرامش و سکینه را در قلب مادران می پروراند و بارقه امید به پیروزی در چشمانشان می درخشید. (سوره حج، آیه ۳۸).

اخلاص در عمل

زنان در جنگ، به اقتدای رهبر خویش و به تأسی از شهدا، فعالیت های خود به ویژه کمک رسانی برای جبهه ها، اهدای خون، روز مستحبی برای کمک مالی به جبهه ها، اهدای کلیه، اهدای ارثیه و جواهر آلات،... را با هدف دفاع از اسلام پنهان می داشتند، به حدی که خانواده های آنان نیز مطلع نبودند و گاه از زبان دیگران و یا پس از شهادت آنان این امور خیر خواهانه علنی می شد.

زنان بسیاری نیز با اخلاص تمام مجالس دعا، نیایش، زیارت عاشورا... را برای پیروزی رزمندگان و شفای جانبازان و بازگشت اسرا برپا می داشتند و یا در مراکز کمک رسانی با همین روحیه خالصانه، کمکهای مردمی را جمع آوری و بسته‌بندی می کردند که سرعت در انجام این فعالیتها گاهی مردان را شگفت زده می کرد. به روایت بسیاری از رزمندگان، ارزاق و مواد خوراکی را که زنان تهیه و ارسال می کردند، به دلیل اخلاص و نیت صادقانه آنان بسیار پرخیر و برکت بود. چنین مشارکت فعالانه و خالصانه ای را با هیچ یک از امتیازات دنیایی نمی توان سپاس گذاری کرد، ضمن آنکه بانوانی که عزیزانشان را ترغیب به حضور در جبهه ها کردند و خود نیز در پشت جبهه ها پشتیبانی و کمک رسانی نمودند، هرگز به کسب امتیازاتی چون سهمیه دانشگاهها یا امتیازات دولتی نمی اندیشند و تنها خلوص نیت، انگیزه اصلی فعالیت آنها بود.

شهادت طلبی

جنگ، ادراک عمیق فلسفه شهادت و معرفت نسبت به آرمان شهید و فیض تقرب به پیشگاه خدا را در باور بسیاری از مردان و زنان جامعه ایجاد کرد. جنگ، فرصت به واقعیت پیوستن شعارهای آرمانی (حسین حسین شعار ماست - شهادت افتخار ماست) را فراهم آورد، تا بدان جا که «زنان بسیاری از امام امت (ره) می خواستند که برایشان دعا کنند که به آرزوی شهادت و نوشیدن شهد گوارایش و فیض عظیم آن نایل آیند.» (صحیفه نور، ج ۹، ص ۳۴۲). به واسطه همین روحیه شهادت طلبی، حدود ۶۲۹۱ نفر از شهدای دفاع مقدس زنان مؤمن و عفیف بودند که با شهادت خویش اثبات کردند که حضور دارند و حضورشان همیشگی است. (ویژه نامه حماسه گمنام). فضای معنوی جنگ، یاد آخرت و آرزوی شهادت، توجه زنان را به نوشتن وصیت نامه های پرمضمون، غسل عاشقانه شهادت و پرهیز از دلبستگیها و دل مشغولیهای دنیا معطوف کرد، آنان آرزو داشتند شجره نامه ای خونین داشته باشند با شاخ و برگ از جهاد و شهادت که ریشه در عشق و ایمان دارد، با الهامی از پهلوی شکسته حضرت زهرا (س) و صحرای سرخ کربلا و مظلومیت ائمه اطهار (ع).

شهادت پذیری

تلقی شهادت به عنوان فوز عظیمی که تنها نصیب بندگان منتخب و شایسته پروردگار می شود، ارزش شهادت طلبی و شهادت پذیری را در اذهان زنان و مردان زنده کرد و آنان را مشتاقانه به سوی میعادگاه عاشقان رهسپار ساخت و جنگ، بهترین زمان و جبهه، بهترین مکان برای پرواز به سوی او گردید. در چنین فضایی، که سرشار از معنویت و عرفان بود، زنان و مادران، با اذعان و باور عمیق به منزلت به منزلت والای شهید در نزد خداوند، عزیزانشان را در عنفوان جوانی، عاشقانه و مریدانه رهسپار جبهه ها کردند و شهادت آنها را همچون مراسم دامادی و وصال نامیدند و منزلگاه ابدی شان را تبریک و شاد باش گفتند. مادرانی که در شهادت فرزندشان خدا را شکر کردند و در فراق او دندان جگر نهادند و اگر گریستند گریه بر دوری خویش از عالم شهید و جاماندن از قافله و کاروان شهدا بود.

دانش آموختگان مکتب دفاع مقدس، با شنیدن خبر شهادت عزیزشان نه تنها تردید و خللی به ایمان آنها راه نیافت، بلکه شهادت را هدیه ای از سوی خدا شمردند و بر این باور استوار ماندند که جز هدیه شهادت در راه خدا، چیز دیگری سزاوار عزیزشان نبوده است. مادرانی که در شهادت تنها پسرشان آرزو کردند کاش پسران بیشتری داشتند تا در راه خدا قربانی نمایند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۱/۷/۱). مادرانی که، چون کوهی مقاوم، هنگام به خاک سپاری فرزند شهیدشان، در حالی که، عطر و گلاب بر سر و صورت می ریختند، دست بر آسمان بلند می کردند که: «خداوندا قربانی مرا بپذیر».

زنان جنگ، زنانی بودند که در فراق همسر خویش سکوت و تنهایی اختیار کرده و به یاد او لحظه لحظه زندگی را پشت سر گذاشتند. چرا که می اندیشیدند بهترین روزهای عمرشان را با بهترین موجود عالم سپری کرده اند و با شهدی که نوشیده اند یک عمر مستند. زنان دفاع مقدس، تجلیل و پاسداشت مهاجرانی را که پرچمی از تعهد بر دوش، تن پوشی از تقوا بر قامت و پیشانی بند اخلاص بر سر و سلاح اصلاح در دست داشتند، عبادت می شمردند و خانواده شهدا را تکریم و احترام می کردند. وجه دیگر شهادت پذیری زنان، مسئولیت خطیر آنها در تربیت یادگاران شهید است، فرزندانی که باید ارزش ساز باشند و اهمیت ارزشهای معنوی پدر شهیدشان را بدانند و برای تحقق آرمانهای معنوی اسلام از مشکلات نهراسند و صبر و سعه صدر و دقت نظر در چنین مسئولیتی را پیشه راه خویش کنند.

همکاری و مسئولیت پذیری

در هنگامه خون و شهادت، بانوان جامعه اسلامی نمی توانستند بی تفاوت بوده، خودخواهانه و فردگرایانه آسایش و راحتی خویش را طلب کنند. آنان با احساس مسئولیت نسبت به وضعیت حال و آینده جامعه و سهیم شدن در سرنوشت کشور و با روحیه جمع گرایی و توجه به مصالح ملی و جمعی، تکلیف خود را در شرایط بحرانی باز شناختند و با همدردی در مشکلات هموطنان شهرهای مرزی و جنگ زده و پناه دادن به آنان و گاه با پذیرش نگاه داری از کودکان بی پناه حملات موشکی و نیز ارسال کمکهای نقدی، به یاری آنها شتافتند. چنین احساس مسئولیتی موجب شد که با خانواده شهدای جنگ تحمیلی همدلی کرده، در مراسم تشییع یادمان آنها شرکت کنند و مشکلات آنان را جویا شده، در صدد رفع آنها برآیند. زنان فهیم کشورمان برای ادای تکلیف و انجام وظیفه، مشکلات خانواده های رزمندگان اسلام را، بی شائبه، رفع می کردند.

ارزشهای خانوادگی

ازدواج ساده و هدفمند

ازدواج این سنت حسنه نیز از فضای معنوی حاکم بر جامعه متأثر شده بود. ازدواج بی تکلف در کمال سادگی و بدون تشریفات و با تعداد معدودی مهمان و شامی که خانواده تهیه کرده بود، به برکت معنویت جنگ، در میان اکثر قریب به اتفاق خانواده ها معمول بود. در چنین ازدواجهای ساده ای داماد، چند روز بعد، در خط مقدم جبهه و عروس در ستاد کمک رسانی مردمی بود. ملاک ازدواج در دوران دفاع مقدس نه معیارهای مادی و دنیایی و نه طبقه اقتصادی و اجتماعی و نه رفاه خانواده ها... بلکه ایمان، روحیه انقلابی، حضور در جبهه، جانبازی و تعهد اخلاقی طرفین و خانواده های آنان بود و هرگز ازدواج ابزار دست یابی به منافع و قدرت یا مایه مباهات و فخرفروشی افراد نبود و همین سادگی و بی پیرایگی ازدواجها و نیز تقوا و ایمان دختران و پسران و درک اهمیت ازدواج در حفاظت آنها از گناه، شمار ازدواجها را در شرایط نابه سامان اقتصادی کشور و مشکلات مالی خانواده ها فزونی بخشیده بود. آنان به تأسی به فاطمه زهرا(س) بزرگ بانوی عالم خلقت، ازدواج ساده ای را مدنظر داشتند و جهیزیه ای بسیار ساده، متشکل از ضروریات زندگی، تهیه می کردند که گاه تمام جهیزیه نصف وانت بار را هم تکمیل نمی کرد. تصور چنین ازدواج و جهیزیه ای در شرایط کنونی دشوار است. یکی از زنان شهیده در وصیت نامه گهربار خویش هدف از ازدواج خود را طلاق دادن زشتیها، پلشتیها و بدیها می داند و می نویسد: «پروردگارا ما خوب میدانیم که آیین سفره عقد نمی تواند نمایانگر و منعکس کننده بدیهای فکر باشد و سپیدی لباس تو نمی تواند گناه ما را مستتر کند، تنها و تنها آنچه ما را به راه مستقیم رهنمون می سازد، آگاهی و شناخت از هدایتهای قرآنی و پاک سازی نیت و ایمان و توکل به توست.» (شاهدان دانشگاه، ص ۱۶۸). قسمتی از وصیت نامه شهید فاطمه قزوینی، دانشجوی رشته اقتصاد که چند بار در جبهه حضور یافته بود و یک سوم از درآمد خود را هر ماه به جبهه ها اختصاص می داد و در تاریخ ۶۶/۱۲/۲۶ در موشک باران شهر تهران به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

ازدواج با جانبازان

ازدواج و انتخاب همسر از بین جانبازان جنگ تحمیلی که در فضای ارزشی و معنوی دوران جنگ، زیباترین و ارزنده ترین ازدواجها محسوب می شد، به سبب احساس دین دختران فهیم و فداکار این آب و خاک، نسبت به مردانی انجام می گرفت که سلامت خود را در راه حفظ دین و ناموس به خطر افکندند، مردانی که خود را سپر بالای آسایش ما کردند، مردانی که آسایش و آرامش دیروز و امروز ما مرهون جان فشانی آنهاست. آنان با آرزوی سهیم شدن در ثواب همسر جانبازشان و به پشتوانه امداد خداوندی در به انجام رساندن هر چه صحیح تر و بهتر این عمل خداپسندانه و خالصانه، جانباز را روشنایی قدمگاه زندگی خود شمردند. دختران با درایتی که علی رغم آگاهی نسبت به سختیهای زندگی با جانباز و محرومیت داشتن فرزند و مراقبت و پرستاری از وی، تنها با عشق به آرمانهای اسلامی و انقلابی از تمام زیباییها و فرصتهای دیگر زندگی که امکان آرامش، آسایش و رفاه را فراهم می ساخت، چشم پوشی کردند و حتی در زندگی با جانباز از تمایلات خود در خصوص اشتغال یا تحصیل به جهت مراقبت دایمی صرف نظر کردند و با خدای خود عهد و پیمان بستند که تمام لحظات عمر خود را در خدمت رسانی و همدمی و همراهی او سپری کنند، با دردهای او همدردی نمایند، بر زخمهای او مرهم گذارند و با او بر تنهایی و اندوه وی، فائق آیند و لحظه های زندگی خود را با معنویت و عشق پیوند زنند. «چنین فداکاریهایی نیازمند پشتوانه قوی ایمانی است و کسانی که

چنین تصمیمی را گرفتند، در واقع انگیزه خود را جلب رضایت خدا دانسته و احساس خوش بختی می کنند.» (مجله پیام انقلاب، شماره ۶۷، ص ۷۸، مصاحبه با همسر جانباز).

حضرت امام (ره) نیز ضمن اشاره به این تحولات ارزشی در زنان جامعه، چنین ازدواجهایی را احساسی، اجباری، تحمیلی و از روی ناچاری نمی داند، بلکه منبعث از فهم و آگاهی دختران می داند و می فرماید: «دختر جوانی که با یک پاسدار عزیز که از دو چشم و دو دست جانباز بوده، ازدواج کرده، می گوید: حال که نمی توانم به جبهه بروم، می خواهم با این ازدواج دین خود را به انقلاب ادا کرده باشم.» (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۶).

تداوم زندگی با جانباز

در طیف گسترده زنان ایثارگر، هم چنین زنانی قرار دادند که به عنوان "همسر جانباز" مشغول انجام خدمتی الهی هستند و عاشقانه و عارفانه از مردان جانباز بعضاً بالای ۷۰ درصد جانبازی، قطع نخاعی و به ویژه جانبازان اعصاب و روان (دچار موج گرفتگی) پرستاری می کنند. اینان را باید در زمره ایثارگرانی دانست که گویی جنگ برای آن ها هنوز پایان نیافته است. این گروه از زنان پس از سال ها که از پایان جنگ می گذرد همچنان یادگارهای جنگ را در خانه دارند و ایثارگرانه به تیمارداری این زخمیان جنگ مشغول اند.

زنانی که زندگی با همسر جانبازشان را تداوم دادند، هر روز در اوج لحظات ایثار و فداکاری بوده و هستند. برای آن ها جنگ پایان نیافته و هر روز خاطرات وداع با همسر و اعزام او و خاطرات دوران جنگ و نیز لحظه اطلاع از مجروح شدن و جانبازی وی مرور می شود.

به راستی که آنان هر لحظه در میدان دفاعی، مقدس و عظیم اند. زنانی که آرام و استوار نه تنها از جانبازی همسر گله و شکایت نکردند، بلکه بر آن افتخار و مباهات کرده و باروحیه قوی و اراده پولادین بر مشکلات همسر صبر کردند. زنانی که به همسر جانبازشان در عین جراحت و زخم های خون آلود عشق ورزیدند و مشتاقانه او را نگه داری کردند. آن ها با همسر، پدر و برادر جانباز خویش درد کشیدند، گریه کردند، افتخار نمودند و با او آرزوی شهادت را بارها و بارها از درگاه حق تعالی مسئلت داشتند. زنانی که جانبازی همسر را مایه افتخار شمردند و خستگی ناپذیر، نستوه و مقاوم او را پذیرفتند. آن ها بر این باور استوار ماندند که همسرشان نه تنها الگوی مقاومت و ایثار در خانواده و جامعه است، بلکه سند مظلومیت و بی گناهی ملت ایران در جنگ ناجوانمردانه و نابرابر نیز می باشد.

دختران جوان و فداکار این کشور که در مکتب اسوه و مقتدای خودشان حضرت زهرا (س) پرورش یافته بودند علاوه بر اینکه در بحران های مهم خود را در معرض آسیب و خطر قرار دادند و به یاری انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی و رزمندگان سلحشور شتافتند با ایثار و فداکاری وصف ناپذیری حاضر شدند با جانبازان و رزمندگان ازدواج کنند در حالی که می دانستند با قبول این علقه، مشقات و سختی های فراوانی را باید تحمل کنند ولی با اشتیاق فراوان با ایثارگران ازدواج کردند. آنان با این عمل ایثارگرانه هم روحیه رزمندگان اسلام را تقویت کردند و هم برگ های زرینی بر تاریخ انسانیت این مرز و بوم افزودند.

همسران، مادران و خواهران جانبازان، هر روز زندگی سخت و درد آلود عزیزان خود را می بینند و در این بین به ویژه در نقش همسر جانباز و مادر فرزندان، با قامتی استوار ستون خانواده را پابرجا نگاه می دارند و نمی گذارند که گرمی کاشانه مهرشان در تلاطم طوفان زندگی به سردی گراید. همسران "شهدا" شاید بیش از سایرین بر گردن جامعه و بازماندگان جنگ حق دارند. چه بسا زنانی که همسرانشان به شهادت رسیدند و آن ها را با کودکانشان تنها نهادند و رسالت پدر بودن را نیز همپای وظیفه خطیر مادری بر دوش آن ها نهادند. از نظر بسیاری از این زنان، جنگ ممکن است مدت های مدید پس از پایان رسمی آن همچنان ادامه داشته باشد. تجربه واقعی از جنگ تنها گلوله باران و آتشباری دشمن نیست، آتش دشمن و بمباران هوایی مقطعی است و فقط به منزله لحظه هایی گذرا به شمار می آیند. سال هایی که باید در کنار یک همسر جانباز صبورانه زندگی کرد و بدون آنکه خم بر پیشانی آورد، شور و شوق زندگی را در دل وی و فرزندان بارور کرد و ترنم صفا و صمیمیت را در چارچوب خانه جاری و ساری کرد.

تربیت سربازان گمنام

به اعتقاد حضرت امام(ره) زنان در انقلاب حق بیشتری از مردان دارند، آنان مردان شجاع را در دامان خود می‌پروراندند (شاهدان دانشگاه، ص ۱۶۷). و به لطف عفاف و عاطفه و به یمن فضای ارزشی دفاع مقدس، شریف ترین و باعظمت ترین نقش خود را، که تربیت نسل و نقش مادری می باشد، جهت پرورش اسطوره های مقاومت و غیور مردان جنگ و زاهدان شب و خط شکنان جبهه نبرد به بهترین وجهی ایفا کردند.

از جمله برکات خفیه دفاع مقدس، احیای هدفمندی و جهت دهی به وظیفه طبیعی زنان (تربیت فرزندان) جهت تربیت مدافعان دین و سربازان گمنام امام زمان(عج) برای دفاع از آرمانهای الهی و تثبیت انقلاب و زمینه سازی ظهور حجت برحق است. زنانی که در صدد بودند تا نسلی سازنده ایران فردا و نسلی پیرو راه امام و شهدا بپرورند و پروریدند فرزندانانی که لامپ مین خوردند و عاشقانه نارنجکها را در دستان خویش فشردند و در نهایت تکه های بدن آنها از گلپایی که در «بازی دراز» بمباران شدند، بازیافته نشدند. (مجموعه مقالات سمینار زن و دفاع مقدس، ص ۳۱۸). دختران جنگ بر آن بودند که با ازدواج در سنین پایین، فرزندان تربیت کنند که در آینده نزدیک جزء سربازان جبهه حق علیه باطل باشند.

ساده زیستی و قناعت

هرچند در یک نگاه سطحی، جنگ به دلیل مشکلات و سختی هایش ناگوار است. اما، در بطن چنین سختیهایی روح آدمی اوج می گیرد و پرورش می یابد و روحیه قناعت و سادگی به عنوان یکی از زیباترین جلوه های زندگی، در دوران دفاع مقدس تجلی می یابد. در جنگ ایران و عراق، زنان با درک صحیح و آگاهانه از وضعیت نا به سامان کشور و تحریم اقتصادی، کاهش تولید داخلی، تعطیلی کارخانجات وابسته... و با توجه به موقعیت مالی همسر، جلوه دیگری از ایثار، صبر و از خودگذشتگی را به نمایش گذاشتند و با دوری از اسراف و تبذیر و تجمل گرایی و مدپرستی... قناعت و کم مصرفی و ساده زیستی را پیشه زندگی خود کردند و برخی از آنها در دوران حساس دفاع مقدس که کالاها و ارزاق عمومی به صورت جیره بندی توزیع می گردید با نیت جهاد مالی و کمک به جبهه، در مصرف روزانه خود و خانواده صرفه جویی کرده، آن را به جبهه ها ارسال می نمودند. زنان دفاع مقدس در دوران حساس جنگی با محدود کردن سطح توقعات خویش در غیاب همسر و واقع بینی خردمندانه، مشکلات جنگ از جمله خاموشیهای برق، کم آبی، کمبود مواد غذایی، گرانی کالا، کمبود سوخت... را تحمل کردند و با آگاهی کامل از شرایط، ساده زیستی و قناعت را عبادت دانسته و بیش از گذشته نصابالعین خود نمودند و فضای معنوی و زاهدانه جبهه ها را به زیبایی در خانه ها به تصویر کشیدند. آنها با این عمل به مبارزه با رفاه طلبی، عافیت گرایی و دنیاگرایی پرداخته و با دوری از دل مشغولیهای زندگی روزمره و امور سطحی، به سوی اندیشه ورزی در امور اساسی کشور از جمله دفاع از دین و کشور همت گماردند و این شیوه را در وضعیت اضطراری جنگ، در سطح زندگی خانوادگی، شیوه ای مفید و کارآمد جهت کمک به دولت نظام اسلامی شمردند.

ارزشهای سیاسی

ولایت مداری

تعبیر و تفسیر دفاع مقدس از اسلام و جنگ حق علیه باطل و تشبیه صحنه های جنگ به صحنه حماسه کربلا، شوری را در دلها می آفرید، گویی که تمام روزهای جنگ، روز عاشورا است و تمام سرزمین جبهه ها، کربلا و تمام رزمندگان جان بر کف اسلام، چون یاران با وفای امام حسین(ع)، که عاشقانه با خون وضو گرفتند و به اقتدای امام شهیدان نماز عشق خواندند. چنین نگرشی به مسئله جنگ، موجب شد که زنان و مردان، خود را در مکتب ائمه اطهار(ع) و نایب برحق امام زمان(عج) ببینند و چون شاگرد و مریدی پاک باخته، سراسر شور و شوق شوند. همین احساس عشق و شیفتگی و مریدی و مرادی و عاشقی و معشوقی بین امام(ره) و امت و نیز قدرت بی نظیر امام(ره) در رهبری احساسات، عواطف و اعتقادات و بینش مردم موجب شد که سیل خروشان عاشقان اهل بیت(ع) صف اندر صف و کاروان به کاروان به سوی جبهه ها و در واقع به سوی کربلا و آزادسازی آن رهسپار شوند. شعار پرشعور و ادراک «ما همه سرباز تویم خمینی، گوش به فرمان تویم خمینی» موجی از عشق و پیروی محض از ولایت مطلقه فقیه بود که زنان و مردان ایران زمین یکپارچه آن را باور داشتند ملت ایران با ایمان به درایت، شجاعت و آینده نگری و روشن بینی حضرت امام (ره) سکان کشتی انقلاب را به ایشان سپردند و شهدا را در وصیت نامه های خویش به ولایت مداری و

پشتیبانی از ولی فقیه و پیروی محض از اوامر ایشان توصیه کردند. زنان انقلابی ایران نیز در جریان انقلاب و دفاع مقدس و تهدید نظام اسلامی و توطئه منافقان علیه مقام معظم رهبری، عزم راسخ خود را در دفاع از ارزشها و ولایت فقیه نشان دادند و ضمن توجه به بیانات ایشان، در جهت ترویج آرا و اندیشه های آن حضرت و ایجاد وحدت بین آحاد جامعه تلاش کردند و زمانی که فرمان امام (ره) را در مورد پشتیبانی در پشت جبهه ها و نیز فوریت های پزشکی و امدادگری در جبهه ها شنیدند، سراپا گوش به فرمان ایشان در صحنه حضور یافتند و حماسه ها آفریدند.

تقویت روحیه رزمندگان

همرزمی زنان در پشت جبهه ها، پشتوانه معنوی و مایه تهییج رزمندگان و حفظ روحیه آنها بود. بانوان فهیم کشور با کمکهای مردمی در ستادهای کمک رسانی و تهیه پوشاک دست دوز یا دست بافت و تهیه مواد خوراکی... قلب رزمندگان را مالا مال از امید به پیروزی و نصرت می کردند. آنها با نگارش نامه های احساسی و حماسی و ذکر رسالت عظیم آنها در دفاع از ولایت فقیه، آرزوی توفیقات معنوی و دریافت اجر اخروی از سیدالشهدا را برای پدران، پسران و برادران دینی خویش مسئلت می کردند. زنان توانمند دفاع مقدس در لحظات وداع با همسر، استوار و پرصلابت او را به سوی جبهه ها بدرقه می کردند. به همین مناسبت مقام معظم رهبری نقش زنان را در جنگ نه تنها کمتر از مردان نمی دانند، بلکه با اشاره به اهمیت آن بیان می دارند: «اگر زنان حماسه جنگ را نمی سرودند و در خانه ها جنگ را به عنوان یک ارزش تلقی نمی کردند، مردان اراده و انگیزه رفتن به جنگ را پیدا نمی کردند و خیل عظیم بسیجیها به سمت جبهه روانه نمی شد.» (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۶۸/۹/۱۵).

دشمن شناسی

زنان به خوبی دریافته بودند که دشمن در صدد است از ضعف و شکایت آنها در شهادت عزیزانشان، علیه نظام اسلامی و تضعیف وحدت و روحیه جمعی سوء استفاده کند و در بوقهای تبلیغاتی خود بدمد که زنان از جنگ خسته شده و از اعزام فرزندان و همسر خویش به سوی جبهه ها پشیمان اند به همین جهت زنان با دشمن شناسی عمیق و ادراک جنگ روانی دشمن و افشای ترفندها و تبلیغات مسموم آنها، بر ارزشهای دینی و انقلابی خود پافشاری کرده، توطئه آنان را نقش بر آب نمودند. آنها به خوبی واقف بودند که دشمن قصد دارد با دستکاری احساسات آنها و ایجاد تردید در باورهای دینی و شکاف در صفوف ملت و رعب و وحشت و یأس و ناامیدی و شایعه پراکنی و تشویش اذهان عمومی، مقاومت زنان و مردان را تضعیف کند؛ بنابراین، هشیارانه چنین نقشه های شومی را خنثی می کردند.

- نقش مادر در انتقال فرهنگ ایثار و شهادت به فرزندش در مراحل مختلف رشد: هرچند کار اصلی انتقال فرهنگ ایثار و شهادت به فرزندان پس از تولد به ویژه هنگامی که آنان توان عقلی کافی برای دریافت این مفاهیم را دارا شدند آغاز می شود، ولی مسئولیت مادر پیش از آن حتی پیش از دوران جنینی کودک، یعنی زمان انعقاد نطفه، شروع می شود.

زمینه سازی فرهنگ ایثار و شهادت در دوران جنینی فرزندان:

امروزه، برکتر کسی پوشیده است که دوران جنینی علاوه بر اینکه دوران تکامل جسمی و ایام شکل گیری اعضا و جوارح اوست دوران دریافت پیام های تربیتی و تاثیرپذیری اخلاقی و روانی او نیز می باشد. نتایج تحقیقات نشان می دهد که جنین در زهدان واقعاً یاد می گیرد که بعضی از ویژگی های صوتی کلمات را تمیز دهد. طی آزمایش بسیار جالبی، زنان در شش هفته ی آخر بارداری، بخشهایی از یک کتاب قصه ی کودکان را با صدای بلند می خواندند. دو یا سه روز پس از تولد، به نوزادان فرصت داده شد به پستانک مخصوص که به سیم دستگاه ضبط میزان مک زدن متصل بود مک بزنند. الگوی مک زدن نوزاد، دستگاه پخش نوار قصه را روشن یا خاموش می کرد. یکی از الگوهای مک زدن باعث پخش همان صدایی می شد که نوزاد پیش از تولد شنیده بود؛ الگوی دیگری موجب پخش قصه ای می شد که نوزاد در دوره ی جنینی شنیده بود. قصه برای بعضی نوزادان با صدای مادرش و برای برخی دیگر با صدای نا آشنا پخش می شد. نوباوگان با میزان مک زدن خود نشان دادند که صدای مادر خود را بر صدای نا آشنا ترجیح می دهند. یافته عجیب این بود که آنها داستان آشنا را بر داستان نا آشنا ترجیح می دادند- حتی وقتی هردو قصه با صدای آشنا پخش می شد (براهنی و همکاران، ۱۳۸۵). از مطالب فوق چنین استنباط می شود که وظیفه

مادر برای پرورش نسلی پاک، آماده‌ی شهادت و فداکاری در راه حق، مراقبت‌های حساب‌شده‌ی دوران جنینی فرزند و فراهم ساختن زمینه رشد سالم و کامل او در این برهه‌ی حساس و سرنوشت‌ساز است. به همین دلیل یکی از اندیشمندان مسلمان با تکیه بر احادیث و روایات چنین گفته است: «مادر در ایام حمل، اگر از ذکر خدا، شرکت در مجالس الهی، خواندن قرآن، توجه به واجبات و حفظ آرامش غفلت نرزد، در روان و مغز کودک و رشد روحی و معنوی او اثر بسزایی دارد.» (انصاریان، ۱۳۷۹).

درست است که نوزاد معانی کلمات و جمله‌ها را نمی‌فهمد و خصوصیات مناظر و اشکال را تشخیص نمی‌دهد لیکن اصوات و آهنگها را می‌شنود و هم چنین، مناظر و اشکال را می‌بیند و اعصابش از آنها متأثر می‌شود. بدین جهت نمی‌توان گفت که دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها هیچ‌گونه تأثیری در نوزاد ندارد و نسبت به آنها بی‌تفاوت محض است. جمله‌ها گرچه برای نوزاد معنا ندارد اما در روح حساس و اعصاب ظریف او نقش می‌بندد. کودک تدریجاً با آن جمله‌ها مأنوس و آشنا می‌گردد و همین آشنایی ممکن است نسبت به آینده او موثر باشد. ما با هر لفظی بیشتر آشناباشیم معنای آن را بهتر درک می‌کنیم (امینی، ۱۳۷۵: ۱۰۷) از این رو حاکمیت فضای مذهبی و در میان بودن سخن پیرامون حق طلبی و فداکاری، محترم شمردن شهید و شهادت توسط اعضای خانواده، بستر پذیرش فرهنگ ایثار و شهادت را در فرزندان فراهم خواهد ساخت.

کودک از همان آغاز تولد مشغول شکل گرفتن و پرورش یافتن و به اصطلاح تربیت شدن است. او در تمام لحظات زندگی تدریجاً بزرگ می‌شود و شکل می‌گیرد سیستم فکری و تفکر کودک از همان آغاز مانند یک دستگاه دقیق فیلم برداری از تمام رویدادها فیلم برداری میکند، و بدین وسیله ساخته می‌شود و پرورش می‌یابد. از نظر روان‌شناسانی همچون فروید رشد شخصیت کودک که به نظر او از آغاز تولد شروع می‌شود در حدود ۵-۶ سالگی بیشترین اهمیت را پیدا می‌کند. این رشد در سنین حدود ۱۴ سالگی کامل می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۸) بنابر این شخصیت یک کودک ۵-۶ ساله تقریباً شکل گرفته، و تربیت‌های بعدی بسیار دشوار و کم‌اثر خواهد بود. کودک در این دوره وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی (ذهنی) می‌شود که پیازه آن را مرحله (عملیات عینی) نامیده است. این دوره به این علت عملیات عینی خوانده می‌شود که با وجود رشد استعدادهای ذهنی و عقلی در کودک، هنوز عملیات ذهنی به جه ان خارج وابستگی دارد و حل مسایل درگروه ارتباط مستقیم و عینی است (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵). از نظر پیازه، کودک در این مرحله دارای احساسات و عواطف قوی است از این حیث مانند بزرگسالان است اما از لحاظ فکری قابلیت درک مطالب و مفاهیم انتزاعی را ندارد. با توجه به ویژگی‌های رشد شناختی، اخلاقی و... در این مرحله، بهتر است از روش‌های غیر مستقیم برای انتقال مفاهیم ایثار و شهادت به کودک خود استفاده کند. روش‌هایی مثل: الگوسازی، قصه‌گویی، روش نمایشی، آموزش بازیهای گروهی و فردی، تهیه اسباب بازیها و سرگرمی‌های مورد علاقه‌ی این رده‌ی سنی که نمادی از جبهه و جنگ باشد، آموزش نقاشی‌ها و کاردستی‌هایی که زمینه اصلی آنها را مفاهیم دفاع مقدس تشکیل دهد.

فرهنگ سازی در دوره نوجوانی و بلوغ

دوران نوجوانی و بلوغ به خاطر رخ دادن دگرگونی‌های جسمی و روحی در فرد، یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی فرد به شمار می‌رود. نوجوان وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی (ذهنی) می‌شود که پیازه آن را مرحله عملیات صوری (نامیده است. یعنی مرحله‌ای که فرد می‌تواند به صورت کاملاً نمادی استدلال کند (براهنی و همکاران، ۱۳۸۵). و از نظر کلبرگ افرادی که به سطح تفکر به شیوه عملیات صوری رسیده باشند از لحاظ رشد استدلال اخلاقی در سطح سوم (اخلاق پس عرفی) قراردارند (براهنی و همکاران، ۱۳۸۵). بنابر این لازم است مادر جهت انتقال فرهنگ ایثار و شهادت به فرزند خود بیش از پیش از عقل و منطق استفاده کند و از در استدلال با آنها سخن بگوید. فردی که در این مقطع، عمر خویش را سپری می‌کند در اوج استقلال طلبی، حقیقت‌جویی، و پرسشگری است. مادر در این مرحله با توجه کردن به نکات زیر می‌تواند انتقال فرهنگ فوق را بهتر و عمیق‌تر در فرزند خود درونی کند.

الف) تقدیس شهید و شهادت و یادآوری اهداف بزرگ شهیدان: بدون شک شهادت در راه خدا با همه ارزشمندیش به خودی خود هدف نمی‌باشد، بلکه هدف اصلی دفاع از دین و حق و عدالت است مادر در مطرح موضوع ایثار و شهادت با فرزند خود نباید

آن را هدف اصلی معرفی کند. بلکه به او بفهماند که در جهت دفاع از حق و عدالت، عزت و شرف انسانی شهادت نصیب آنان گردید.

ب) بهره گیری از استدلال و عقلانیت: همانطور که اشاره شد دوره جوانی دوران پرسشگری است. مادر باید به سوالات اعتقادی و دینی فرزندش با دلیل و منطق نه با احساس و عاطفه یا جبر و تحکیم جواب دهد اگر مادر به جای استفاده از دلیل و منطق به احساسات و جبر متوسل شود ممکن است فرزند خود را از دین و مسائل دینی متنفر کند در نتیجه زمینه ایثار و فداکاری در راه آن از ذهن و دل آنان رخت بر می بندد.

پ) رعایت صداقت در مورد مسائل مذهبی: از آنجا که جوانان دارای ذهنی حقیقت جو هستند و معمولاً از ریاکاری مذهبی بیزار می باشند، چنانچه خانواده ها طالب فرزندان معتقد و ایثارگر و شهادت طلب هستند. لازم است به طور جدی اخلاص را در امور دینی خود مراعات کرده و از دوگانگی حرف و عمل پرهیز نمایند (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۵۶)

ت) دمیدن روح شجاعت و عزت و غیرت در جوانان: انسان در صورتی آمادگی شهادت و ایثار میشود که از روحیه ی عزتمندی و شجاعت برخوردار بوده و برای مبارزه در راه خدا ترس و تردیدی به خود راه ندهد (مطهری، ۱۳۶۵).
در جدول (۱)، نقش زنان در عرصه مقاومت و جنگ های آینده بیان شده است.

جدول ۱- نقش زنان در بسیج مادی و معنوی جبهه های مقاومت

ازدیاد نسل	زنانی که به خاطر فعالیت های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می کنند، خلاف طبیعت بشری و زنانه خود اقدام می کنند. خداوند به این راضی نیست.
خانواده	تربیت فرزندان اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقیای که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسانها چه مرد و چه زن به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی... از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکت ها و بلایایی که امروز نسل های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.
حضور در جامعه و دفاع از نظام اسلامی	تحقق انقلاب اسلامی زنان یکی از برجسته ترین نقش ها را در این انقلاب ایفا کردند. هم در خود حادثه بزرگ انقلاب، هم در حادثه ی بسیار بزرگ هشت سال دفاع مقدس. اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی شد؛ یا اصلاً پیروز نمیشد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می آمد
	دفاع مقدس در صدر اسلام، زن در میدان جنگ، علاوه بر بستن زخم مجروحان که این کار بیشتر بر عهده زنان بود، حتی گاهی با نقاب، در میدان جنگ و رزم های دشوار آن روز، شمشیر هم میزد. نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً بندرت در کارهای عملیاتی و نظامی.
	تاثیر حضور زن خصوصیت حضور خانم ها در میدان های مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند.
کسب علم و دانش	تحصیلات زنان امروز مؤمن ترین و انقلابی ترین زنان ما، زنان تحصیلکرده ما هستند. هویت اسلامی این است که زن در میدان ارزش های معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادی های عرفان - پیشروی کند. فعال ترین زنان ما در زمینه سیاسی، در زمینه علمی، در زمینه مدیریت های اجتماعی، زنان مؤمن و انقلابی ما هستند؛ دارای تحصیلات خوب، دارای اندیشه عمیق.
مقابله با تهاجم فرهنگی	حجاب زنان با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور می کنند، آن جایی که زن را به عربانی و برهنگی نزدیک می کنند، در درجه اول، امنیت از خود زن و در درجه بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. در صدر اسلام، زن در میدان جنگ، علاوه بر بستن زخم جروحان که این کار بیشتر بر عهده زنان بود حتی گاهی با نقاب، در میدان جنگ و رزمهای دشوار آن روز، شمشیر هم میزد. حجاب خود را هم حفظ می کرد؛ چون اینها منافاتی با هم ندارد.

تشویق همسر و فرزند به دفاع از کشور	مجاهدت زنان	زنانی که توانستند شهیدانی را پرورش دهند؛ این زنانی که توانستند شوهران یا فرزندان خود را به صورت انسان‌های فداکاری درآورند که بروند و از کشور و انقلاب دفاع کنند؛ از هستی ملت و از آبروی ملت دفاع کنند. اینها زنان بزرگی هستند.
		زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناکترین میدان‌ها و جبهه‌ها آماده می‌کنند و تشجیع می‌کنند. مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان؛ مادران اینها با صبر خود یک فضایی را در یک منطقه محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوانها را، مردان را، به حضور مصمصانه تشویق می‌کرد.

آینده پژوهی حوزه زنان در بیداری اسلامی

الف) آسیب شناسی الگو برداری از جریان‌های فعال حقوق زنان

در ایران بعد از انقلاب اسلامی از جمله موضوعاتی که لازم است زنان مبارز و پیشرو در مسلمان در کشورهای در حال تحول و بیداری خود بدان اهتمام ورزند، شناسایی و رصد آسیب‌های احتمالی و چالش‌های پیشرو آنهاست که لازم است از هم اکنون هوشیاری خود را ارتقاء بخشیده و از تجارب ج.ا.ا. در این مورد نیز مدد جویند و راه رفته را تجربه و ذخیره بهینه خود بدانند. در این مورد باید گفت، بعد از پیروزی، گروه‌هایی با عنوان جریان‌های دفاع از حقوق زنان سعی در ایجاد بستری برای نفوذ فرهنگی غرب و رواج غربگرایی و انحراف در اهداف انقلاب با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دختران و زنان ایجاد نمودند و در قالب‌های مختلف تشکل‌های غیر دولتی و یا با نفوذ در مراکز دولتی با برنامه‌ریزی برون مرزی و بیگانگان و اجرای درون مرزی خصوصاً استفاده از ابزارهای نوین رسانه‌ای، نوشتاری و گفتاری در مقاطع مختلف به فعالیت پرداختند. در این بین طرفداران تفکر منحط و به بن بست رسیده فمینیسم، در شکل‌های هواداری از احیاء حقوق زنان و فمینیست اسلامی با ایجاد شبهات در حوزه زنان و خانواده علیه اسلام، تدوین کتب، نشریات و مجلات، ایجاد سایت‌ها و وبلاگ‌های متکثر و متنوع، سخنرانی، تظاهرات، گردهمایی، ایجاد کمپین‌های مختلف، حضور در محافل بین‌المللی و حق‌خواهی علیه ج.ا.ا. و به تعبیر آنان قوانین ظالمانه آن علیه زنان، ترویج بیبند و باری در غالب مبارزه با حجاب و عفاف به عنوان ابزار محدودیت زنان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های دانشجویان دختر و تحریک آنان علیه نظام، بهره‌گیری از ابزار هنر و نفوذ در محافل و مراکز علمی-آموزشی، ساخت فیلم‌های خلاف اخلاق و فمینیستی فعال بوده‌اند. نکات قابل توجه این است که مطالب پیش گفته می‌تواند به عنوان الگوی زنان کشورهای مسلمان جهت مقابله و دفاع قرار گیرد، از همه گروه‌های فعال زنان در ایران نیست چرا که بعد از انقلاب در ایران، ۴ جریان داعیه دار دفاع از حقوق زنان شدند: ۱- جریان سیاسی ۲- جریان سکولار ۳- جریان تجدید نظر طلب ۴- جریان اصول‌گرا (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۱۸۸). آنچه که گذشت، برخی از عملکردهای ۳ گروه اول است که با اهداف مختلف و بعضاً همگرا انجام گرفته و باید با هوشیاری زنان مسلمان در دیگر کشورها، از شکل‌گیری و فعال شدن اینگونه جریان‌ها که آفت و آسیب‌های جدی در روند بیداری اسلامی برحذر باشند و اگر گفته می‌شود که زنان ایران الگو و الهام بخش عملکرد زنان مسلمان و زنان آزاده در جهان هستند منظور عملکرد زنان مسلمان پیرو ولایت و ولی امر مسلمین رهبر معظم انقلاب است که در عرصه‌های مختلف یا اطاعت پذیری از رهبری و التزام به قوانین ج.ا.ا. و اسلام عزیز همواره مداوم و مستمر در عرصه‌ها و صحنه‌های مختلف حضور داشته‌اند.

ب) ضرورت رصد و پایش چالش‌های پیش رو در بیداری اسلامی در حوزه زنان.

باید اذعان نمود که در آستانه به ثمر نشستن بیداری اسلامی در برخی از کشورها و حضور پررنگ و مؤثر زنان مسلمان و پیشرو در این نهضت باید با دیدی فراتر به نقش آنان نگریسته شود. چرا که تاثیر کیفی زنان بواقع با محاسبه و نقش مستقیم و غیر مستقیم آنان در چهارچوب خانواده، فرزندان و همسران..... خود چندین برابر مردان است و اساس و محور تحولات را تشکیل می‌دهد. دشمنان نیز با آگاهی و شناخت نقش زنان در کشورهای اسلامی از جمله ایران و شعار حمایت و صدور و نشر تجربیات انقلاب به عنوان یک تکلیف قانونی و شرعی از آغاز شکل‌گیری در مراحل مختلف و یقیناً در آینده به برنامه‌ریزی جهت بهره‌گیری از این ظرفیت نقش آفرین و سترگ به نفع خود خواهد داشت و سعی در دگرگون کردن دیدگاه جوانان به اسلام خواهد

نمود که هوشیاری مسئولین و متولیان خصوصاً زنان مسلمان را می طلبد که ترفندهای اینان را رصد کرده و باید با پدافندهای دقیق از هم اکنون به شناسایی، خنثی سازی و رفع آن بپردازند.

بدین منظور باید برای هر یک از دستگاههای مرتبط بر اساس تقسیم کار و تناسب مأموریت، وظایفی خاص برشمرد. کاربرت راهکارها و پیشنهادهایی که به عمده ترین آنها در ذیل اشاره می شود گامی بلند در جهت ترویج جایگاه زنان جانباز و ایثارگر دوران دفاع مقدس در جامعه به شمار می رود، ارائه می شود.

- ❖ تهیه فیلم و سریال های تلویزیونی از زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس توسط رسانه ملی
- ❖ ترویج و تبیین منزلت زنان ایثارگر نمونه تاریخ و مقایسه و تعمیم آنها به زنان ایثارگر تاریخ ساز جمهوری اسلامی ایران
- ❖ تبیین نقش زنان ایثارگر در دوران دفاع مقدس
- ❖ نامگذاری شبکه های رادیو و تلویزیون، فیلم ها و شهرک های جدیدالتأسیس سینمایی و نشریات و مجله ها به نام زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس
- ❖ افزایش منزلت زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس با بهره گیری از تابلوها و برچسب های فرهنگی - ارزشی
- ❖ عرضه و بیان زیباترین خاطرات زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس در رسانه جمعی
- ❖ ساخت برنامه ها و فیلم هایی در منزلت زنان ایثارگر موفق
- ❖ بهره گیری و رونمایی از طرح های تجسمی، تندیس یا مجسمه زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس و تبلیغات گسترده آن
- ❖ ترویج اشعار متعهد به زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس در رسانه های گروهی
- ❖ برگزاری مسابقات سراسری با محتوای گوناگون و متنوع از زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس در رسانه های گروهی
- ❖ ارتقاء منزلت زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس با بهره گیری از نقاشی، طرح ها و آثار گرافیکی
- ❖ برگزاری همایش ها و کنفرانس ها و فراخوان مقالات با موضوع جایگاه زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس در مطبوعات و صدا و سیما
- ❖ تجلیل از زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس برای الگوگیری سایر زنان جامعه
- ❖ فراهم ساختن زمینه برای سخنرانی زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس در رسانه ملی
- ❖ تأسیس موزه های دائمی برای معرفی دستاوردهای بانوان ایثارگر دوران دفاع مقدس و نمایش آن در رسانه ها
- ❖ تشریح جایگاه زنان انتفاضه در مبارزات موفق مردم فلسطین با الگوگیری از زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس
- ❖ انتشار نشریاتی ویژه پیرامون زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس
- ❖ معرفی زنان ایثارگر سال از بین بانوان دوران دفاع مقدس
- ❖ تأسیس مجمع زنان ایثارگر دوران دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران

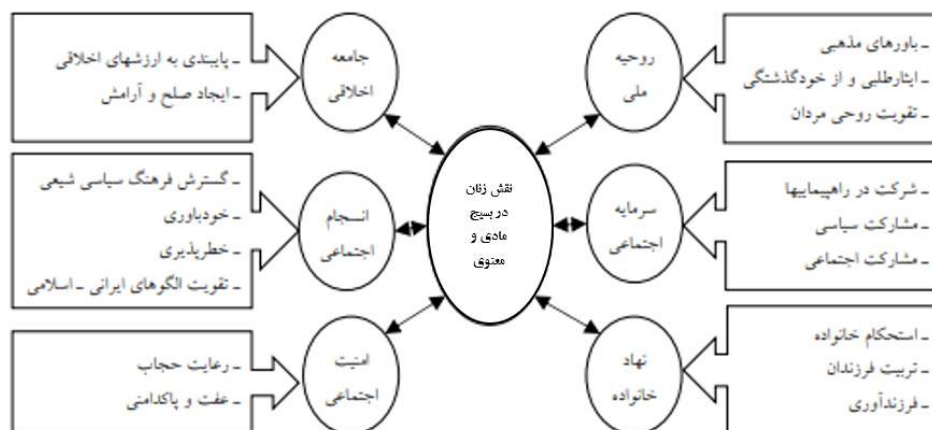
نتیجه گیری

فرهنگ اصیل و پر بار اسلام با آیات خود که حکایت از برابری زن و مرد در فلسفه آفرینش، ارزش انسانی و سیر تکاملی عبادت می کند با خطابه ای «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین امنوا» نقش آن دو را در نشر و ترویج احکام اسلام نیز به طور یکسان در نظر گرفته است. شرکت زنان در بیعت با رسول خدا، در مهاجرت و سایر فرائض اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر بر حضور آنان عظمت خاصی بخشیده است. با شروع جنگ های پیامبر(ص) با کفار و مشرکین وظایف متفاوتی برای مردان و زنان معین گردید. حضور مستقیم در میادین جنگ به دلیل قدرت، استقامت بدنی و نوع پیکار با شمشیر در مقابله تن به تن با دشمن در صحنه نبرد بر مردان واجب گردید.

اما در هنگام بروز جنگ و دفاع در برابر دشمن تنها اعزام مردان، ضامن پیروزی نخواهد بود بلکه تأمین ضرورت های جبهه نبرد، امداد و کمک رسانی، تقویت انگیزه های دفاعی و تشویق مردان به حضور مداوم در جبهه، حفظ کانون خانواده، مداوای مجروحین، حفظ سنگر های پشت جبهه و بسیاری موارد دیگر حضور زنان را از جهاتی مهمتر از مردان به نمایش گذاشته است.

دفاع انواع مختلف مانند دفاع نظامی، سیاسی، فرهنگی، فردی و... دارد، در زمینه دفاع به معنای عام کلمه، در قرآن هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد زیرا دفاع امری غریزی و طبیعی است که در تمام موجودات وجود دارد. در دفاع از ارزشهای دینی و کیان جامعه، همه اعم از زن و مرد، پیر و جوان باید به میدان کارزار آمده و به مقابله برخیزند. نقش زنان در دفاع از ارزشهای اسلامی بسیار حائز اهمیت است. در کشور ما زنان در طی ۸ سال دفاع مقدس با ایفای نقش های متعددی در جبهه و پشت جبهه نبرد، پیوند محکمی بین خانواده و میدان جنگ ایجاد کردند. آنان با تبعیت از نقش دفاعی زنان صدر اسلام به ویژه حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) به دفاع از حریم اسلام پرداختند. زنان در این برهه از تاریخ با نشان دادن رسالتی نوین حماسه آفرینی بدیعی را از خود به یادگار گذاشتند.

عظمت حماسه آفرینی آنان به حدی بود که تلاشهای زنان و دیگر مردان را تحت الشعاع خود قرار داد. موضع آنها در برابر اجساد شهیدان، در مقابل دشمن، تلاش برای وظیفه، تحمل اعجاب آور، انجام مسئولیتهای خانواده در غیاب مردان نمایانگر شجاعت بی نظیر ایشان در مراحل مختلف تاریخ جنگ بود. با استناد با آیات قرآن و شواهد تاریخی از نظر هویت، حقوق سیاسی و اجتماعی زن در کنار مرد مطرح گردید و تمام شرایطی که در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی مانند بیعت و امر به معروف و نهی از منکر از سوی خداوند لحاظ گردیده یکسان است و تفاوت زن و مرد در برخی از مسئولیت ها و تعهد ها ناشی از ساختمان فطرت و خلقت آنهاست. بنابراین نوع نگرش به کیفیت برخورد قرآن با هر یک از زنان برجسته حاکی از مخاطب وحی بودن زنان، مسئولیت ایشان در سرنوشت جامعه و سرانجام نمایانگر حضور آنان در فرآیند حرکت الهی انبیا در تاریخ است. در نهایت الگوی نقش زنان در جنگ های آینده و جبهه مقاومت براساس مطالب گفته شده آورده شده است.



شکل ۱- الگوی نقش زنان در بسیج مادی و معنوی در جبهه مقاومت

منابع

۱. اشکیان، شهناز (۱۳۹۵). تأثیر مشارکت زنان در دفاع مقدس بر زندگی و مشارکتهای اجتماعی آنان پس از جنگ. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۲. افتخاری، اصغر و اس نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم. ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳. امام خمینی (۱۳۵۷). تبیان جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره). (سخنرانی).
۴. باقری چوکامی، سیامک و حسینی، حسین (۱۳۹۴). نقش اخلاق سیاسی در استحکام بخشی بعد سیاسی ساخت درونی قدرت. فصلنامه آفاق امنیت، ۸(۲۸)، ۳۳-۵.
۵. باقری، علی (۱۳۷۴). خاطرات ۱۵ خرداد. انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، جلد ۱، تبریز.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۷۶). جامعه شناسی سیاسی. جلد سوم، تهران: نشر نی.
۷. پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹). نظریه های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها. تهران: سمت.

۸. دلاور، علی (۱۳۷۶). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
۹. راغبی، معصومه (۱۳۸۴). «چهره زن ایرانی در مطبوعات بیگانه». ویژه‌نامه ماهنامه پیام زن، دفتر سوم.
۱۰. روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالگوت پارسونز. ترجمه نیک‌گهر، تهران: تبیان.
۱۱. طغرانگار، حسن (۱۳۸۸). حقوق سیاسی - اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. طهماسبی کهیانی، ساسان (۱۳۸۵). نقش زنان در نهضت امام خمینی (ره). چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۳. عظیمی، مژگان؛ قاضی طباطبایی، محمود و هدایتی، علی اصغر (۱۳۹۴). «مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل موثر بر آن». فصلنامه زن و جامعه، دوره ۶، شماره ۲۴.
۱۴. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۵). «انقلاب برای زنان»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر. سال پنجم، شماره ۴۸۰، شهریور.
۱۵. قربانی، مصطفی، تقویت ساخت درونی کشور به مشابه راه حل مشکلات کشور (۱۳۹۲)، چهاردهم مهرماه، پرتال مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین الملل، نظریه ها و رویکردها. تهران: سمت.
۱۷. قوی، نیره (۱۳۹۱). «حضور زنان در انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آن بر بیداری اسلامی». فصلنامه علمی و تخصصی سازمان بسیج اساتید کشور، شماره اول، بهار.
۱۸. کمالوند، فریده (۱۳۸۱). یادهای ماندگار. تهران: نشر اشاره.
۱۹. کولایی، الهه (۱۳۹۵). «نگاهی بر مشارکت سیاسی زنان ایران در بین سال های ۲۰۰۱-۲۰۱۱». فصلنامه مطالعات بین الملل، شماره ۵۰.
۲۰. کوهن، استانفورد (۱۳۷۹). تئوری‌های انقلاب. ترجمه علیرضا طیب، تهران، قومس.
۲۱. مارشال، کاترین و گرچن، راسمن (۱۳۷۷). روش تحقیق کیفی. ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، نهضت های صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. موحد، مجید (۱۳۸۲). «مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن مطالعه موردی شهرستان بندرعباس»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان شناختی، شماره ۳.
۲۴. میرباقری، محمد مهدی. «تحلیل بیداری اسلام و تبیین نقش زنان مسلمان». mirbaqeri.ir.
۲۵. نوربخش، سیدحسین (۱۳۶۹). یادواره نهضت اسلام تا ۲۲ بهمن ۵۷. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

منابع:

1. Ashkian, S. (2016). *The impact of women's participation in the Sacred Defense on their social life and post-war participation* [Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch]. (In Persian)
2. Eftekhari, A., & Nye, J. (2010). *Soft power* (M. Rouhani & M. Zolfaghari, Trans.). Tehran: Imam Sadiq University Press. (In Persian)
3. Imam Khomeini. (1978). *Exposition of women's position in the thought of Imam Khomeini* [Speech]. (In Persian)
4. Bagheri Choukani, S., & Hosseini, H. (2015). *The role of political morality in strengthening the internal structure of power. Afaq-e Amniat Quarterly*, 8(28), 33-55. (In Persian)
5. Bagheri, A. (1995). *Memoirs of 15 Khordad*. Vol. 1. Tabriz: Art Bureau of Islamic Propagation Organization. (In Persian)
6. Bashirieh, H. (1997). *Political sociology* (Vol. 3). Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
7. Panahi, M. H. (2010). *Theories of revolution: Occurrence, process, and consequences*. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)

8. Delavar, A. (1997). *Theoretical and scientific foundations of research in human and social sciences*. Tehran: Roshd Publishing. (In Persian)
9. Raghebi, M. (2005). *The image of Iranian women in foreign press. Special issue of Payam-e Zan Monthly*, No. 3. (In Persian)
10. Roche, G. (1997). *The sociology of Talcott Parsons* (N. Nik-Gohar, Trans.). Tehran: Tebyan Press. (In Persian)
11. Taghranehgar, H. (2009). *Political and social rights of women before and after the victory of the Islamic Revolution in Iran*. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. (In Persian)
12. Tahmasebi Keyhani, S. (2006). *The role of women in Imam Khomeini's movement* (1st ed.). Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. (In Persian)
13. Azimi, M., Ghazi Tabatabai, M., & Hedayati, A. A. (2015). Women's political participation in Iran and its influencing factors. *Woman and Society Quarterly*, 6(24). (In Persian)
14. Eyvazi, M. R. (2006). *Revolution for women. Andisheh va Tarikh-e Siyasi-e Iran-e Moaser Monthly*, 5(480), September. (In Persian)
15. Ghorbani, M. (2013, October 6). *Strengthening the internal structure of the country as a solution to national problems*. Center for Islamic Revolution Documents Portal. (In Persian)
16. Ghavam, A. (2005). *International relations: Theories and approaches*. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
17. Ghavi, N. (2012). Women's participation in the Islamic Revolution of Iran and its impact on Islamic awakening. *Scientific and Specialized Quarterly of the Organization of Professors of Basij*, 1(Spring). (In Persian)
18. Kamalvand, F. (2002). *Memorable memories*. Tehran: Nashr-e Eshareh. (In Persian)
19. Koolae, E. (2016). A review on Iranian women's political participation between 2001–2011. *International Studies Quarterly*, 50. (In Persian)
20. Cohen, S. (2000). *Theories of revolution* (A. Tayeb, Trans.). Tehran: Ghoms Publishing. (In Persian)
21. Marshall, C., & Rossman, G. (1998). *Qualitative research methods* (A. Parsaeian & S. M. Arabi, Trans.; 2nd ed.). Tehran: Office of Cultural Research. (In Persian)
22. Motahhari, M. (1998). *Recent century movements*. Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
23. Movahed, M. (2003). *Women's political participation and social factors influencing it: A case study in Bandar Abbas County. Social and Psychological Studies Quarterly*, 3. (In Persian)
24. Mirbagheri, M. M. (n.d.). *Analysis of Islamic awakening and explanation of the role of Muslim women*. Retrieved from mirbagheri.ir (In Persian)
25. Nourbakhsh, S. H. (1990). *Memoir of Islamic movement until February 11, 1979*. Tehran: Office for the Publication of Islamic Culture. (In Persian)



Explaining the principles and methods of religious education for the Hussein civilization-building generation

Setareh Sadat Mousavi ^{1*}

1- Ph.D. in Educational Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran

Abstract:

The aim of the present study was to qualitatively explain the principles and methods of religious education of the Hussein civilization-building generation, for which the content analysis research method was used. The research area in the program development section included the existing texts in the field of Imam Hussein's (AS) biography, which was inferred by reviewing the texts and analyzing them. The explanation of the components of Imam Hussein's (AS) biography in various programs and methods of Islamic education to introduce him was carried out in two stages. In the first stage, the components of Imam Hussein's (AS) life were extracted from the verses of the Quran and texts, which were separated into eight areas: belief, morality, religion, biology, education, socio-political, economic-professional, and artistic-aesthetic, and in accordance with the dimensions of a virtuous life. In the second part, educational programs and methods were extracted from relevant texts and categorized according to the basic principles of education into five areas: ontological (with doctrinal tasks), anthropological (with biological, moral, and socio-political tasks), epistemological (with scientific-educational, and career-professional tasks), evaluative (with aesthetic and artistic tasks), and theological (with religious tasks).

Review History:

Received: 11 Aug 2025
Revised: 9 Sep 2025
Accepted: 11 Sep 2025
Available Online: 14 Sep 2025

Keywords:

Hussein
Education
Righteous life
Civilization builder

How To Cite This Article:

Sadat Mousavi, S. (2025). Explaining the principles and methods of religious education for the Hussein civilization-building generation. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 41-56 (In Persian)



*Corresponding author's email: setarehmousavi@gmail.com





تبیین اصول و روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی

ستاره سادات موسوی^{۱*}

۱- دکترای، علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده:

هدف از تحقیق حاضر تبیین کیفی تبیین اصول و روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی بود که برای این منظور از روش تحقیق تحلیل مضمون استفاده شد. حوزه پژوهش در بخش تدوین برنامه شامل متون موجود در حوزه سیره امام حسین(ع) بود که با مرور متون و تحلیل استنباط گردید. تبیین مولفه‌های سیره امام حسین(ع) در برنامه‌ها و روشهای مختلف تربیت اسلامی برای معرفی ایشان در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله اول، مولفه‌های سیره امام حسین(ع) از آیات قرآن و متون استخراج شد که در هشت حوزه اعتقادی، اخلاقی، دینی، زیستی، آموزشی، اجتماعی-سیاسی، اقتصادی-حرفه ای و هنری-زیباشناختی و متناسب با ابعاد حیات طیبه تفکیک شدند. در بخش دوم، برنامه ها و روشهای آموزشی از متون مرتبط استخراج و با توجه به مبانی اساسی تربیت در پنج حوزه هستی شناختی (با وظایف اعتقادی)، انسان شناختی (با وظایف زیستی، اخلاقی و اجتماعی-سیاسی)، معرفت شناختی (با وظایف علمی-آموزشی و شغلی-حرفه ای)، ارزش شناختی (با وظایف زیبایی شناسی و هنری) و دین شناختی (با وظایف دینی) دسته بندی شدند.

تاریخچه داوری:

دریافت: ۲۰ مرداد ۱۴۰۴
بازنگری: ۱۸ شهریور ۱۴۰۴
پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۴
ارائه آنلاین: ۲۳ شهریور ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

حسینی
تربیت
حیات طیبه
تمدن ساز

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Sadat Mousavi, S. (2025). Explaining the principles and methods of religious education for the Hussein civilization-building generation. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 41-56 (In Persian)



* نویسنده عهده دار مکاتبات: setarehmousavi@gmail.com



مقدمه

زندگی اهل بیت عصمت و طهارت(ع) راهنمای بسیار روشنی است برای کسانی که بخواهند به بهترین حیات دنیوی و اخروی دست یابند. این مساله آن قدر پر اهمیت است که در برخی احادیث سیره شیعیان و پیروی از ایشان به التزام و تبعیت عملی از سبک زندگی ایشان در آمده است؛ و احمدوا الذی لعظمته و نوره یتغی من فی السموات و الارض الیه وسیله و نحن وسیلته فی خلقه، و نحن خاصته و محل قدسه، و نحن حجتہ فی غیبه، و نحن ورثه انبیائہ(رحمانی، ج ۱: ۲۶۵).

خدایی را حمد و سپاس گوئید که به خاطر عظمت و نورش هر که در آسمانها و زمین است به سوی او وسیله می جوید و ما وسیله او در میان مخلوقاتش و خاصان درگاه و جایگاه قدس او و حجت غیبی و وارث پیامبرانش هستیم.

در عرف مسلمانان و متون اسلامی، سیره در معنای دیگری نیز به کار رفته است که دقیقاً معادل معنای سنت و عبارت است از مجموعه رفتار و گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام). سیره به معنای راه و روش یا سنت، سه جزء اساسی دارد که عبارت اند از: گفتار، کردار و چگونگی آن دو. سیره به معنای راه و روش یا سنت عام است، بنابراین سیره به این معنا را به هر کسی می توان نسبت داد. اما در بعضی معانی از مفهوم سیره فقط به پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص دارد و به شخص دیگری قابل اطلاق نیست. در مطالعه سیره و رفتار، دو موضوع اهمیت دارد. نخست تعیین نوع سیره در یک موقعیت خاص و برای رسیدن به یک هدف خاص و دوم چگونگی انجام کار. تمام تاکید ما بر سیره از همین جا ناشی می شود. بسیاری از نکات و مطالب تربیتی وجود دارد که در سخنان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بیان نشده است، اما در سیره و روش تربیتی آنان پنهان است (شیخ الاسلامی، ۱۴۱۲: ۲۲۷).

دانستن سیره معصومین هر چند به اجمال برای هر مبلغ ودانای دین از جهات ذیل لازم و ضروری است:

الف: آشنایی با مبانی دینی.

ب: آشنا ساختن دیگران بامعارف دینی.

ج: استنباط دیدگاه‌های دینی در موضوعات مختلف از سیره معصومین.

د: استدلال به سیره برای اثبات نظریات دینی (حسینی زاده، ۱۳۶۸: ۴۲).

داشتن ارتباط با انسان‌های بزرگ و اسوه، یکی از بهترین راه‌ها و شیوه‌های تربیتی به شمار می‌رود. روح و جان آدمی، در جریان این ارتباط، صیقل می‌یابد و از کدورت‌ها و ناپاکی‌ها خلاص می‌گردد. این تأثیرپذیری، در پرتو الگوبرداری از رفتار، منش، خلق و خوی، حسنات و تمایلات انسان‌های بزرگ است. از سوی دیگر، تأثیر معنوی و اشراف ارواح بزرگ بر دیگران نیز قابل انکار نیست.

انبیا و اولیای الهی، بهترین الگوهایی هستند که انسان‌ها می‌توانند از ارتباط با آنان، در مسیر رشد و تکامل خود، بهره‌برند. این ارتباط، در قالب «زیارت» مطرح شده است. زیارت قبور اولیای الهی می‌تواند به شناخت بیشتر آن بزرگواران و الگوبرداری از خصلت‌های الهی آنان بینجامد و یا از طریق اشراق معنوی، بر روح و جان آدمی تأثیرگذار باشد.

استقبال انسان‌ها از اماکن زیارتی در تمامی ادیان آسمانی و بشری و نیز اشتیاق مسلمانان به زیارت اماکن و مزارات مقدس، بر کسی پوشیده نیست. برای نمونه، تنها از میان ایرانیان، سالانه میلیون‌ها زائر به مکان‌های زیارتی سفر می‌کنند و بهره‌مندی می‌گیرند.

جایگاه معنوی و بلند زیارت از یک سو و گستردگی و فراوانی زیارت و استقبال از آن از سوی دیگر، این الزام را به میان می‌آورد که مسأله زیارت، از ابعاد مختلف، مورد کاوش و پژوهش قرار گیرد. چنین امری، از یک سو برای متولیان امر زیارت، مفید است تا در برنامه ریزی‌ها از آن بهره‌گیرند و از دیگر سو برای زائران، تا بهره‌مندی خویش را بالا ببرند. از آنجا که زیارتگاه‌ها بزرگترین پایگاه تبلور آموزه‌های دینی و آسمانی است، نقش اساسی و عظیمی در تأمین راهبردی بنیادی در حرکت تاریخ بشر داشته، دارند و خواهند داشت. مکان‌های زیارتی مهمترین پایگاه ترسیم و تنظیم حرکت تاریخ در آینده بشریت است و به عنوان مرکز ثقل و کانون اصلی تحولات جهانی و مهندسی فرهنگی بشریت، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را آشکار خواهد ساخت.

بی تردید مقوله مهندسی فرهنگی زیارت امامزادگان، در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در توسعه و تعمیق ارزش های دینی، نقشی حیاتی و تأثیری شگرف دارد و بدیهی است که درک مشترک و اتفاق نظر نخبگان سیاسی، علمی و مذهبی، شفاف سازی این مفاهیم، گام بزرگی در توسعه و تعمیق فرهنگ زیارت، به شمار می آید.

صادقی و فرمانیان (۱۳۹۸) نشان دادند که ویژگی های منحصر به فردی از قیام حسینی مانند منصوص بودن امامت آن حضرت و فاصله رفتارهای او با رهبران دیگر قیام ها موجب جاودانگی آن شده است.

قربانی و همکاران (۱۳۹۸) نشان می دهد که خواص و موضع گیری آن ها در حرکت توده مردم موثر بوده است در سیر کلی بحث و نگاه کلی به تأثیر گذاری خواص در واقعه عاشورا پرداخته شده است.

از این رو زیارت و شرکت در نماز عاشورا در فرهنگ و مهندسی فرهنگی نیز نقش و فواید زیادی دارد که افراد را در حیات، بالندگی و پالایش فرهنگی یاری می رساند. با توجه به پیچیدگی پدیده های انسانی که فرهنگ بخش عمده ای از آن را تشکیل می دهد، برنامه ریزی و تفکیک نقش ها برای حفظ، اصلاح، ایجاد تغییرات بنیادین در فرهنگ و تجدید حیات فرهنگی نقش اساسی دارد. مهندسی فرهنگی راه حلی ضروری برای برخورد آگاهانه با این پدیده پیچیده است.

از اهداف مهم امامان (ع) در تمام لحظات زندگی، توجه دادن عملی به اهمیت احکام شرعی میباشد و هیچ کار مهمی آنها را از این وظیفه و هدف باز نمی داشت.

نقل شده است که امام علی (ع) در جنگ صفین نزدیک ظهر، چشم به آسمان دوخته بودند و منتظر وقت نماز بودند تا نماز را اول وقت به جا آورند.

ابن عباس که این حلت امام (ع) را دید، سؤال کرد: «یا امیرالمؤمنین، نگران چیزی هستید؟!» امام (ع) فرمود: «منتظر رسیدن وقت نماز می باشم.» ابن عباس گفت: «در این وقت حساس نمی توانیم دست از جنگ برداشته و مشغول نماز گردیم.» امام فرمود: «ما با دشمنان، برای نماز می جنگیم.» (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۴۶).

در ظهر عاشورا نیز هنگامی که «بوئمامه» وقت نماز ظهر را به امام (ع) یادآوری کرد، امام حسین (ع) از کار او خشنود شدند و در حق او دعا کرده و فرمودند: «نماز را یادآور شدی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد.» (بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۱).

در اینجاست که امام حسین (ع) از دشمن مهلت خواستند تا نماز بخوانند، ولی آنان با گستاخی تمام از نبرد دست نکشیدند و امام (ع) مجبور شدند در میدان نبرد نماز بخوانند.

امام حسین (ع) با این عمل، عشق بی نظیر خود به نماز را نشان دادند و اهمیت آن را برای همیشه تاریخ ثبت کردند. در این مسیر، رخداد عاشورا می تواند نقش ها و فواید گوناگونی ایفا کند که به تفصیل بررسی می شود. به عبارتی در پژوهش حاضر درصدد هستیم تا با تبیین و جریان دادن حقایق و آثار زیارت به عرصه های مختلف زندگی، هویت فرهنگ زیارت و نسبت آن با سایر ابعاد فرهنگ دینی را بیان کنیم.

بنابراین، هدف تحقیق حاضر این است که با شناسایی مؤلفه های تربیتی سیره امام حسین (ع) بر اساس ابعاد حیات طیبه (اعتقادی، دینی، اخلاقی، زیستی، علمی-آموزشی، اجتماعی-سیاسی، اقتصادی-حرفه ای و زیبایی شناسی-هنری) مدلی برای روشهای آموزشی طراحی نماید. بدین منظور، ابتدا مؤلفه های سیره تربیتی امام حسین (ع) از متون مرتبط و به ویژه قرآن کریم مشخص می شود.

بنابراین سوال های تحقیق به این شرح است:

۱- اصول تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی کدامند؟

۲- روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی کدامند؟

روش پژوهش

هدف از تحقیق حاضر شناخت، تحلیل و گزارش الگو و برنامه در داده های متنی است. همسو با هدف تحقیق از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و تحلیل متنوع را به داده هایی غنی و تفصیلی تبدیل می کند. داده ها همزمان و درطول مدت زمان جمع آوری با روش تحلیل محتوای کیفی مرسوم تحلیل خواهند شد. بدین منظور؛

نخست متن مصاحبه جهت بدست آوردن بینش و درک کامل محتوا و داده‌های درون آن چندین بار مطالعه خواهد شد. سپس واحدهای معنایی براساس هدف و سوال پژوهش مشخص می‌شوند. بعد از آن، نکات و عناوین مهم متن به صورت کد باز با درنظر گرفتن محتوای پیدا و پنهان از درون آن استخراج می‌شوند. کدها براساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان دسته‌بندی شده و کدهای با مفهوم مشترک، در یک طبقه قرار گرفته و نام‌گذاری خواهند شد. با انجام هر مصاحبه جدید امکان دارد طبقه‌های قبلی بازنگری و حتی ادغام یا طبقه جدیدی ایجاد گردد. تحلیل اطلاعات نیز با اتکا به روش تحلیل مضمون در دو مرحله انجام شد. مرحله اول استخراج عبارات و مضامین پایه ای بود و در مرحله دوم مضامین سازمان دهنده و فراگیر از مضامین پایه ای به دست آمدند.

این تحقیق از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول مربوط به شناسایی اصول و روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی با توجه به منابع موجود بود. این منابع که بخشی از حوزه پژوهش را تشکیل دادند شامل قرآن کریم، نهج البلاغه و احادیث و روایات بودند. در تحلیل مولفه های سیره تربیتی امام حسین(ع) مضامینی که دال بر اندیشه ها، باورها، رفتارها و کنش های انسانی و چگونگی زندگی کردن از منظر امام حسین(ع) بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. این مولفه ها با توجه به ابعاد مختلف حیات طویه از جنبه دینی، اعتقادی، اخلاقی، زیستی، علمی و آموزشی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه ای و زیبایی شناسی و هنر دسته بندی شدند. در بخش دوم، روشهای آموزشی برای معرفی ایشان به واسطه مصاحبه با ۱۰ تن از متخصصان تربیت اسلامی بررسی شدند و با توجه به مبانی اساسی تربیت در پنج حوزه هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی، ارزش شناختی و دین شناختی دسته بندی گردیدند.

یافته های پژوهش

اصول و روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی

رای شناخت مولفه های سیره تربیتی امام حسین(ع)، ابتدا مفهوم های موجود در مبانی دینی و اسلامی با تاکید بر آیات قرآن کریم استخراج شدند که نشان دهنده چگونگی زندگی انسان و جامعه اسلامی از منظر اسلام بود، این مضامین نشان دهنده باورها و اندیشه ها و شیوه کنش و رفتار یک در سیره امام حسین(ع) است.

جدول ۱: استخراج عبارات و مضامین پایه ای در اصول و روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی

مضمون پایه ای	عبارت
شجاعت	شجاعت امام حسین علیه‌السلام مورد تحسین و تشویق ملائکه، از جمله جبرئیل بوده(اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۰) و حضرت امام حسن علیه‌السلام شجاعت و هیبت سیدالشهداء را نظیر پدرش امیر مؤمنان می‌داند.(سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۵۸)
هدایت	رسول خدا، امام حسین علیه‌السلام را به «چراغ هدایت و کشتی نجات» تعبیر نموده، می‌فرماید: همانا «حسین» چراغ هدایت، و کشتی نجات است»(سفینه البحار، واژه «حسن»)
مسئولیت پذیری دینی	مبارزه با حکومت ظلم، تلاشی بود که حسین(ع) از پدرش آموخته بود. آنجا که علی(ع) تمام تلاش خود را برای مبارزه با معاویه به کار بست زیرا می دانست که اگر این نهال تازه رشد یافته ریشه کن نشود، بنیادهای حکومت اسلامی را خدشه دار می کند. (حسین، ۱۳۳۲، ص ۱۸۱).
امر به معروف و نهی از منکر	حسین بن علی(ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسی ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد، در راه آن اصلی که اگر نباشد، دنبالش متلاشی شدن، تفرق، تفکک و از میان رفتن و گندیدن پیکر اجتماع است(مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۲۳۵). «لَا يَنْبَغِي لِنَفْسٍ مُّؤْمِنَةٍ تَرَى مِنْ يَعْصِي اللَّهَ فَلَا تُنْكِرُ عَلَيْهِ». امام حسین (ع) فرمود: «سزاوار نیست که مؤمن، گناهکاری را ببیند و او را از گناه باز ندارد». (کنز العمال، ج ۳ ص ۸۵ ح ۵۶۱۴)
احیا آزادی	حسین(ع) با قیام خود فریاد آزادی خواهی سر داد. زیرا می دانست در جامعه ای که دین لباس قدرت به تن کند وظالمان به عرصه خلافت اسلامی برسند، تنها چیزی که می تواند مایه آگاهی مردم شود، آزادی و آزادی است (ابن اثیر، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۲۲۵۴).

ترویج علم	حسین بن علی علیه‌السلام در یکی از سال‌ها در موسم حج، در سرزمین عرفات غرق در عبادات و مناجات بود و اشک چشمش فرو می‌ریخت. در این اثنا، یکی از شیعیان به حضور رسیده، یک سؤال شرعی را مطرح ساخت. آن حضرت توجه خود را به وی معطوف داشته، به آموزشش پرداخت (سفینه البحار (۲ جلدی)، ج ۱، ص ۲۵۸). و نشان داد: در صحرای عرفات که زمان عبادت و مناجات بود، آموزش علم و فرهنگ مقدم است. این سیره، از سنت پیامبر خدا الهام گرفته که می‌فرماید: علم بر همه چیز، حتی عبادت، مقدم است. («العلم افضل من العبادة») كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳۲، ج ۲۸۶۵۷.
تواضع	حسین بن علی با گفتن: «خدا متکبرین را دوست ندارد»، «انه لا يحب المتكبرين» (نحل/سوره ۱۶، آیه ۲۳). در جمع آنان نشست و مشغول خوردن و صحبت شد و سپس همه را به منزلش دعوت نموده، با تمام تواضع و صفا و صمیمیت از آنان پذیرایی نمود و از خانواده اش خواست هر چه در توان دارند، مضایقه ننمایند. (اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۸۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹)
زهد	این پیشنهاد بارها به امام حسین علیه‌السلام مطرح شد؛ ولی او مانند پدرش علی علیه‌السلام فرمود: ای دنیا! برو سراغ دیگری. هرگز نمی‌توانی حسین بن علی را فریب دهی. آری، حسین زاهد زیست و زاهدانه شهید گشت. امام حسین علیه‌السلام مردی پرتلاش و پرکار بود و از نظر مال و منال بسیار متمکن و ثروتمند بود؛ ولی ثروت دنیا ذره‌ای در دل او نفوذ نداشت و هرگز تحت تاثیر قرار نگرفت و همانند فقرا و نیازمندان زندگی کرد و او بارها به دیگران کمک مالی نمود، قرض هایشان را پرداخت کرد و در یک مورد به شخص مقروض که پناه آورده بود، هزار راس گوسفند (شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۴۹).
ولایت مداری	حسین بن علی علیه‌السلام در تمام امور اجتماعی مطیع قانون بود، در حفظ و حراست مسلمانان تلاش می‌کرد، در جنگ‌ها و جهاد با کفار شرکت می‌نمود، در جنگ «طبرستان» نقش فرماندهی داشت (امام حسین، عبدالله علایلی، ص ۳۱۳)
عفو و گذشت	اگر کسی از سمت راست به من دشنام دهد. سپس در طرف چپم عذرخواهی کند، از او می‌پذیرم. امام حسین علیه‌السلام به خدمت مولا رسید و برای چنین کینه توی در خواست شفاعت کرد و نشان داد که حسین اهل عفو و بخشش است؛ حتی برای دشمنان و بدخواهان! (سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۳۶؛ نهج البلاغه، فیض، خ ۷۲، ص ۱۷۰)
محبت	نزد حسین بن علی (علیه‌السلام) بودم که علی بن حسین (علیه السلام) وارد شد. حسین (علیه السلام) (امام سجاد (علیه‌السلام) او را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی. (بحار الانوار، جلد ۴۶، صفحه ۶۷، ح ۳۴)
شهادت طلبی	امام (ع) همانند پدر بزرگوارشان، (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲) مشتاق شهادت در راه خدا بود. او شیفته فرشته شهادت بود و به مرگ در راه خدا خوشامد می‌گفت: «مَرْحَبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ آفرین و درود به مرگ در راه خدا». (احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۱).
دنیای فانی	انسان های معادباور پیوسته به یاد جهان دیگرند و افق دیدشان به زندگی چند روزه این دنیا و لذات آن محدود نمی شود . آنان در ماورای این زندگی زودگذر، سرای جاویدان با نعمت های بی پایانش را مشاهده و همواره برای آن تلاش و کوشش می کنند(مکارم شیرازی، قهرمان توحید، شرح و تفسیر آیات مربوط به حضرت ابراهیم(ع)، ص ۲۱۳). در تشریح پیوند ناگسستنی آخرت گرایی می توان به پرسش یکی از یاران امام به نام حنظله اشاره کرد که پرسید: «آیا من به سوی آخرت نشتابم و به برادرانم ملحق نشوم؟» امام(ع) فرمود: «رُحْ إِلَى خَيْرٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ إِلَى مُلْكٍ لَا يَبُلَى؛ بشتاب به عالمی بهتر از دنیا و آنچه در آن است و به سوی سلطنتی که کهنه نگردد» (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۳).
کرامت انسانی	در منطق حسینی (ع) مرگ در راه عزت جز زندگی جاوید نیست و زندگی با ذلت جز مرگی فاقد حیات نیست . «لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةٌ خَالِدَةٌ وَ لَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الذُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ» (احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۱).
عبادت حقیقی	«مَنْ عَبْدَ اللَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَ كَفَايَتِهِ». امام حسین (ع) فرمود: «هرکس حق معبودیت خدا را به‌جا آورد، خداوند بیش از حد انتظار و کفایتش به او عطا می‌کند». (بحار الانوار، ج ۶۸ ص ۱۸۴ ح ۴۴).
عشق الهی	«خَسِرْتُ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حَبْكِ نَصِيبًا». امام حسین (ع) فرمود: «پروردگار! کسی که از محبت خود بهره‌مندش نکردی، زیان کرده است». (بحار الانوار، ج ۹۵ ص ۲۲۶ ح ۳)
دوستی اهل بیت	«إِنَّ حَبَنًا لَتَسَاقُطَ الدُّثُوبُ كَمَا تَسَاقُطُ الرِّيحُ الْوَرَقُ». امام حسین (ع) فرمود: «محبت ما اهل بیت سبب ریزش گناهان است، چنان‌که باد، برگ درختان را می‌ریزد». (حیاه الامام الحسین، ج ۱ ص ۱۵۶)

	«وَاللَّهُ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئاً إِلَّا وَ قَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا». امام حسین (ع) فرمود: «سوگند به خدا که خداوند هیچ موجودی را نیافرید، مگر آن که او را به اطاعت از ما، امر کرد». (بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۱۸۱ ح ۱)
راستی	«إِنْ شِيعَتْنَا مِنْ سَلَمَتٍ فَلُوْبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِشٍّ وَغَلٍّ وَدَغَلٍ». امام حسین (ع) فرمود: «شیعه ما کسی است که دلش از هرگونه خیانت و نیرنگ و مکرری پاک است». (بحار الانوار، ج ۶۵ ص ۱۵۶ ح ۱۰). قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْصَّدْقُ عِزٌّ، وَالْكَذِبُ عَجْزٌ، وَالسَّرُّ أَمَانَةٌ، وَالْجَوَارُ قَرَابَةٌ، وَالْمَعُونَةُ صَدَاقَةٌ، وَالْعَمَلُ تَجَرِبَةٌ» (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶). امام حسین علیه السلام فرمود: راستگویی بزرگواری است و دروغگویی ناتوانی، رازداری امانت است، و همسایگی خویشاوندی و کمک کردن صداقت است و کار، تجربه.
درک انتظار و امید	«لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي». امام حسین (ع) فرمود: «اگر زمان حضرت مهدی را درک می‌کردم، تمام عمر خدمتگزارش بودم». (عقد الدرر، ص ۱۶۰)
خوش خلقی	«الْخُلُقُ الْحَسَنُ عِبَادَةٌ وَ الصَّمْتُ زَيْنٌ». امام حسین (ع) فرمود: «خوش‌خویی، عبادت است و سکوت، زینت». (تاریخ الیعقوبی، ج ۲ ص ۲۶۴)
صله رحم	«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ». امام حسین (ع) فرمود: «کسی که دوست دارد اجلش به تأخیر افتد و روزی اش افزایش یابد، صله رحم به جا آورد». (بحار الانوار، ج ۷۱ ص ۹۱ ح ۵) قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ». (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۸ - بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۹۱). امام حسین علیه السلام فرمود: کسی که خرسند می‌شود اجلش به تأخیر افتد و رزقش زیاد شود (دوست دارد چنین شود) پس صله رحم انجام دهد.
یاری	«مَنْ نَفَسَ كَرْبَةً مُؤْمِنٍ فَجَزَّ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ». امام حسین (ع) فرمود: «هرکه گرفتاری مؤمنی را برطرف کند، خداوند گرفتاریهای دنیا و آخرتش را برطرف می‌کند». (بحار الانوار، ج ۷۵ ص ۱۲۲ ح ۵)
الگو مداری	«إِنَّ الْكَرِيمَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ، يَنْبَغِي أَنْ يُصَدِّقَهُ بِالْفِعْلِ». امام حسین (ع) فرمود: «بزرگوار کسی است، که گفتارش با عملش یکی باشد». (مستدرک الوسائل، ج ۷ ص ۱۹۳ ح ۶).
تعقل مداری	«لَوْ عَقَلَ النَّاسُ وَ تَصَوَّرُوا الْمَوْتَ لَخَرِبَتِ الدُّنْيَا». امام حسین (ع) فرمود: «اگر مردم خردمند می‌شدند و مرگ را باور می‌داشتند، دنیا ویران می‌گشت». (إحقاق الحق، ج ۱۱ ص ۵۹۲) امام حسین علیه السلام: لَا يَكْمُلُ الْعُقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ؛ عقل، جز با پیروی از حق، کامل نمی‌شود (اعلام الدین، ص ۲۹۸) مِنْ دَلَائِلِ عِلَامَاتِ الْقَبُولِ: الْجُلُوسُ إِلَى أَهْلِ الْعُقُولِ؛ از نشانه های خوش نامی و نیک بختی، همنشینی با خردمندان است.
خداشناسی	قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَاسِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بِي أَنْتَ وَآمَى فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ». (علل الشرايع، ص ۹). امام حسین علیه السلام فرمود: ای مردم! همانا خدای بزرگ بندگان را نیافریده مگر برای آنکه او را بشناسند، وقتی او را شناختند او را پرستش خواهند کرد، هنگامی که او را پرستش کردند از بندگی غیر او بی نیاز می‌شوند. مردی گفت: ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت باد، شناخت خدا چیست؟ فرمود: عبارتست از شناخت مردم هر زمان امامشان را، آن امامی که اطاعت او بر آنها واجب است.
رضایت خدا	قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا أَفْلَحَ قَوْمٌ اشْتَرَوْا مَرْضَاةَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ. (عوالم، ج ۱۷، ص ۲۳۴) امام حسین علیه السلام فرمود: ملت‌ای که خشنودی مردم را با خشم خدا معامله کند هرگز رستگار نخواهد شد.
آخرت گرایی	قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ سَكَانَ السَّمَوَاتِ يَفْنَوْنَ وَ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَ جَمِيعَ الْبَرِيَّةِ لَا يَبْقَوْنَ وَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ». فتوح ابن اعمش، ج ۵، ص ۹۴ امام حسین علیه السلام فرمود: آسمانیان فانی می‌شوند و زمینیان می‌میرند، و همه آنها ناپایدارند و همه چیز از بین رفتنی است جز خدا.
انفاق	نُقِلَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَتَصَدَّقُ بِالسَّكْرِ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ: «إِنِّي أَحِبُّهُ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» [«آل عمران ۹۲»]. نقل شده که امام حسین علیه السلام شکر صدقه می‌داد، از علت آن پرسیدند، فرمود: چون من آن را دوست دارم و خدا می‌فرماید: به نیکی نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید انفاق کنید.

آداب معاشرت	قالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَسَعُ وَسِتُّونَ لِمُبْتَدِي وَوَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ (. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰).
	امام حسین علیه السلام فرمود: سلام، هفتاد حسنه دارد، شصت و نه حسنه برای سلام کننده و یکی برای پاسخ دهنده است.
ایمان به خدا	امام حسین علیه السلام: مَنْ أَحْجَمَ عَنِ الرَّأْيِ وَعَيَّيْتُ بِهِ الْحَيْلُ، كَانَ الرَّفْقُ مِفْتَاحَهُ؛ (میزان الحکمه، ج ۶۸۶۹) امام حسین علیه السلام: هر که از اظهار نظر درماند و راه چاره درمانده اش کند، نرمی و مدارا کلید او باشد.
	إِنَّهُ [الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ] كَانَ يَقُولُ فِي قُنُوتِ الْوُتْرِ: اَللّٰهُمَّ اِنْكَ تَرٰى وَلَا تَرٰى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلٰى وَإِنَّ إِلَيْكَ الرَّجْعِي وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولٰى، اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَذَلَّ وَنَخْزٰى (کنز العمال ج ۸ ص ۸۲).
حمایت خانواده	امام حسین علیه السلام در قنوت نماز وتر چنین می گفت: خدایا! تو می بینی و دیده نمی شوی و در بلندترین جایگاه دیده بانی هستی، بازگشت همه به سوی تو و آغاز و انجام برای توست، به تو پناه می بریم از اینکه ذلیل و خوار شویم.
	قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: لَأَنْ أُذْخَلَ السُّوقَ وَمَعِيَ دِرْهَمٌ أَتْبَاعُهُ بِحِمَا لِعِيَالِي وَقَدْ قَرَمُوا إِلَيْهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسِمَةً (وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۵۱، ح ۶). امام علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: اینکه وارد بازار شوم و همراهم درهمی باشد که با آن برای خانواده ام گوشتی بخرم که به آن اشتیاق دارند، برای من محبوبتر است از اینکه فردی را آزاد کنم.
مدیریت مصرف	عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنَ السَّرَفِ وَالْإِزْدِيَادِ [صحیفه سجاده، «دعاء ۳۰»
	از علی بن الحسین علیه السلام است که فرمود: خداوند! بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی محافظت فرما.
سلامتی جسم	امام حسین علیه السلام: بَادِرُوا بِصِحَّةِ الْأَجْسَامِ فِي مُدَّةِ الْأَعْمَارِ؛ (تحف العقول، ص ۲۳۹). امام حسین علیه السلام: در مدت عمر، در حفظ سلامت تن بکوشید.
صبر	«مَنْ أَحْجَمَ عَنِ الرَّأْيِ وَعَيَّيْتُ بِهِ الْحَيْلُ كَانَ الرَّفْقُ مِفْتَاحَهُ»؛ (علام الدین، ص ۲۹۸) کسی که فکرش در حل مشکلات به جایی نمی رسد و تمام راه حل ها به رویش بسته شده، باید مدارا کند.
کسب دانش	«دِرَاسَةُ الْعِلْمِ لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ»؛ (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۸) کسب علم موجب رسیدن به معرفت و شناخت است.
قناعت	«السَّرَفُ الْقَوِيُّ وَالْقَنَوُ رَاحَةُ الْأَبْدَانِ»؛ (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۸)
اهمیت کار	شرافت در پارسایی است و قناعت راحتی بدن را در پی دارد.
	«اَكْسَبُوا الْحَمْدَ بِالنَّجْحِ وَلَا تَكْتَسِبُوا بِالْمُطْلِ دَمًا»؛ (کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹)
قدردانی	با تلاش و کوشش و موفقیت، تشویق و ستایش دیگران را به دست آورید و با تنبلی و بی تحرکی، خود را در معرض سرزنش قرار ندهید.
	«شَكَرَ لِنِعْمَةٍ سَالِفَةٍ يَفْتَضِي نِعْمَةً آتِيَةً»؛ (نزهة الناظر، ص ۸۰)
آراستگی	شکر و سپاس از نعمت های گذشته، نعمت های آینده را در پی دارد.
	ضاب کردن مو: راوی می گوید: از امام صادق (ع) درباره خضاب و رنگ کردن مو پرسیدم. حضرت فرمود: " قَدْ خَضَبَ النَّبِيُّ (ص) وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ ابُو جَعْفَرٍ بِالْكَتَمِ (الكافي، ج ۶، ص ۴۷۹)؛ پیامبر اکرم، امام حسین و امام باقر (ع)، به وسیله کتم خضاب می کردند."
احترام به همسر و خانواده	امام حسین (ع) متوجه آن زوج جوان گردیده و به هلال فرمود: إِنَّ أَهْلَكَ لَا يَطِيبُ لَهَا فِرَاقُكَ، فَلَوْ رَأَيْتَ أَنَّ تَخْتَارَ سُرُورَهَا عَلَى الْبَرَّازِ (کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۴۴۷، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، حدیث ۸) همسرت جدایی تو را نمی پسندد، تو آزادی و می توانی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری. حضرت فرمود: علی بن الحسین (ع) برای بچه ها و همسرانش زیورآلات از نوع طلا و نقره تهیه می کرد و آنها را با آن زیورها می آراست. (کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۱)

پس از دست یافتن به مضامین پایه ای اکنون می توان مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر را مشخص نمود. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می شود با سازماندهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه ای به مضامین انتزاعی تری دست یافت که به مضمونهای اصلی تر منجر می شود. مضامین سازمان دهنده سطح ۱ با توجه ابعاد هشت گانه وجودی انسان اعتقادی، دینی، اخلاقی، جسمی، هنری، علمی، اجتماعی- سیاسی و اقتصادی- حرفه ای تفکیک شده اند. نتایج که در جدول ۲ قابل مشاهده است، در نهایت مضمون فراگیر ابعاد حیات سیره تربیتی امام حسین (ع) را به دست می دهد.

جدول ۲: مضامین سازمان دهنده و فراگیر در اصول و روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی

مضامین پایه ای	مضامین سازمان دهنده سطح ۲	مضامین سازمان دهنده سطح ۱	مضمون فراگیر
زندگی پس از مرگ	شناخت هستی و منشا آن	بعد اعتقادی	ابعاد حیات طیبیه بر اساس مولفه های سیره تربیتی امام حسین(ع)
دنیای فانی			
شناخت خداوند			
خودشناسی			
عشق الهی			
هدف خلقت برای عبادت	عبادت	بعد دینی	
ایمان به خداوند			
ایمان به آخرت			
ایمان به پیامبر			
ولایت مداری			
دوستی اهل بیت			
مسئولیت پذیری دینی			
تعمیق تقوای الهی			
زهد			
عبادت			
شجاعت	اراده و اختیار	بعد اخلاقی	
آزادی انتخاب			
هدایت اخلاقی			
کمال جو بودن انسان			
شهادت طلبی	تکوین هویت		
سلامتی جسم	پاکی و آراستگی جسمانی	بعد جسمی	
پاکیزگی ظاهر			
زیبایی طبیعت	زیبایی طبیعت	بعد هنری و زیبایی شناختی	
عزت کرامت انسان	کرامت انسان		
آراستگی	ارج گذاری به زیبایی		
اهمیت علم آموزی	علم آموزی و توسعه آن	بعد علمی و آموزشی	
کسب علم			
نشر علم			
اهمیت تعقل	اندیشه ورزی		
توجه به عقل ورزی			
تقویت شناخت	تقویت شناخت		
الگو مداری	هدایت گری معلم		
تاکید بر حمایت	مشارکت خانواده در تربیت		
امر به معروف	مسئولیت اجتماعی	بعد اجتماعی و سیاسی	
نهی از منکر			
آمادگی برای تغییر			
صله رحم			
احسان به دیگران	احسان و احترام به دیگران		
احترام به بزرگان			
احترام به همسر و فرزندان			
قدردانی			

		رعایت آداب معاشرت	احترام به معلم
			نیکی و احترام به دیگران
			تواضع
			سلام کردن
			سعه صدر در ارتباط با دیگران
			عفو و گذشت
			راستی
		ایفای نقش دولت	نقش دولت مرکزی در تربیت
		مشارکت همه نهادها در تربیت	بهره گیری از ظرفیت رسانه ها و سازمان های غیردولتی
بعد اقتصادی و حرفه ای		مساوات	اقامه قسط
		اهمیت کار و اشتغال	اهمیت کار و کوشش
			تقویت روحیه کار
		عدالت اقتصادی	دستگیری
		مدیریت منابع مالی	مدیریت منابع مالی
			قناعت

روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی

پس از دست یافتن به مضامین پایه ای، مضامین سازمان دهنده سطح ۲ مشخص می شوند که نشان دهنده روشهای آموزشی از جنبه های هشت گانه اعتقادی، جسمی و روحی، اخلاقی، اجتماعی-سیاسی، علمی-آموزشی، اقتصادی-حرفه ای، هنری و دینی است. در مرحله فراگیر بعدی، مضامین سطح ۱، روشهای آموزشی را با توجه به مبانی اساسی تربیت یعنی هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی، ارزش شناختی و دین شناختی تفکیک می نماید. در نهایت روشهای آموزشی بر اساس مبانی تربیت به دست می آید که در جدول ۲ ارایه شده است

جدول ۳: عبارات و مضامین پایه ای در روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی

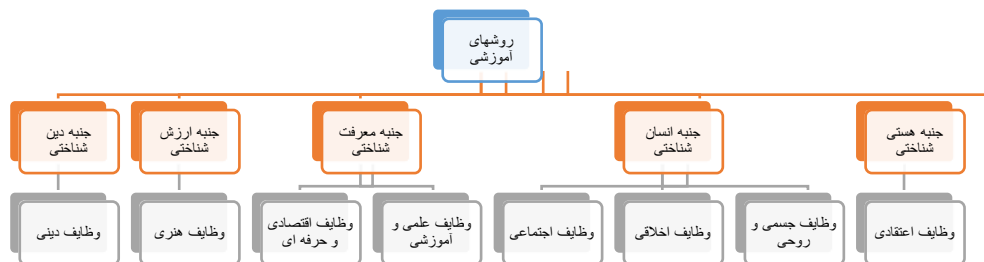
موضوع پایه ای (روشها)	مصاحبه کنندگان	مضمون پایه ای (روشها)	مصاحبه کنندگان
مراقبه و محاسبه نفس	مصاحبه کننده شماره ۸	آموزش مسئولیت اجتماعی	مصاحبه کننده شماره ۱، ۵ و ۹
تکریم شخصیت	مصاحبه کننده شماره ۷ و ۱۰	آموزش آموزه های اقتصاد اسلامی	مصاحبه کننده شماره ۷، ۸، ۶
توأم کردن علم و عمل	مصاحبه کننده شماره ۱۰	خوش خلقی و خوش سلوکی	مصاحبه کننده شماره ۹، ۲، ۱
عملگرایی	مصاحبه کننده شماره ۱ و ۳	اجتهاد و استقلال در فکر و اندیشه	مصاحبه کننده شماره ۶، ۷
آخرت اندیشی	مصاحبه کننده شماره ۹، ۷، ۱۰	اصالت دادن به کارایی و مهارت	مصاحبه کننده شماره ۲، ۶، ۸، ۱۰
نظارت مداری	مصاحبه کننده شماره ۵، ۹، ۱۰	آموزش مبتنی بر صبر و بردباری	مصاحبه کننده شماره ۱۰
عمل مبتنی بر معرفت	مصاحبه کننده شماره ۵ و ۷	روش مبتنی بر صمیمت و مدارا	مصاحبه کننده شماره ۱ و ۷
آموزش خودکنترلی	مصاحبه کننده شماره ۷ و ۱۰	میانه روی و اعتدال در کارها و عبادات	مصاحبه کننده شماره ۲
روش خدمت گذاری	مصاحبه کننده شماره ۵، ۹، ۱۰	آموزش مبتنی بر پینش و بصیرت	مصاحبه کننده شماره ۱۰
ذکر خدا	مصاحبه کننده شماره ۶، ۹، ۱۰	تلفیق سیره معصومین در کتب درسی	مصاحبه کننده شماره ۵ و ۳
فراهم سازی رشد همه جانبه	مصاحبه کننده شماره ۴ و ۳	تلفیق امر به معروف و نهی از منکر	مصاحبه کننده شماره ۵، ۹، ۱۰

پس از دست یافتن به مضامین پایه ای، مضامین سازمان دهنده سطح ۲ مشخص می شوند که نشان دهنده روشهای آموزشی از جنبه های هشت گانه اعتقادی، جسمی و روحی، اخلاقی، اجتماعی-سیاسی، علمی-آموزشی، اقتصادی-حرفه ای، هنری و دینی است. در مرحله فراگیر بعدی، مضامین سطح ۱، روشهای آموزشی را با توجه به مبانی اساسی تربیت یعنی هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی، ارزش شناختی و دین شناختی تفکیک می نماید. در نهایت روشهای آموزشی بر اساس مبانی تربیت به دست می آید که در جدول ۴ ارایه شده است.

جدول ۴: مضامین سازمان دهنده و فراگیر در روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی

مضمون پایه ای (حدود روشها)	مضامین سازمان دهنده(۲)	مضامین سازمان دهنده (۱)	مضمون فراگیر
آخرت اندیشی	وظایف اعتقادی	هستی شناختی	روشهای آموزشی معرفی امام حسین(ع)
ذکر خدا			
تکریم شخصیت	وظایف جسمی و روحی	انسان شناختی	
آموزش خودکنترلی			
فراهم سازی رشد همه جانبه			
اجتهاد و استقلال در فکر و اندیشه			
خوش خلقی و خوش سلوکی	وظایف اخلاقی		
مراقبه و محاسبه نفس			
عملگرایی			
روش خدمت گزاری			
آموزش مسئولیت اجتماعی	وظایف اجتماعی و سیاسی		
آموزش مبتنی بر صبر و بردباری			
تلفیق امر به معروف و نهی از منکر			
روش مبتنی بر صمیمت و مدارا			
توأم کردن علم و عمل	وظایف علمی و آموزشی	معرفت شناختی	
افزایش آگاهی خانواده			
تلفیق سیره معصومین در کتب درسی			
نظارت آموزشی			
آموزش آموزه های اقتصاد اسلامی	وظایف اقتصادی و حرفه‌ای		
اصالت دادن به کارایی و مهارت			
آموزش مبتنی بر بینش و بصیرت	وظایف هنری	ارزش شناختی	
میانروی و اعتدال در کارها و عبادات	وظایف دینی	دین شناختی	

با این حال، با توجه به مبانی اساسی تربیت، روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی در نمودار ۲ ترسیم شده است.



نمودار ۱: روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی

بحث و نتیجه گیری

این مقاله با ارائه تحلیلی بر اصول و روشهای تربیت دینی نسل تمدن ساز حسینی (شامل: حق محوری، به هنگامی و مقتضای حال، شمول و فراگیری، ملائمت با فطرت و نفوس انسانی و عامل اخلاق) را بررسی کرده و سپس تحلیلی بر مصادیق عینی (شامل: میانه روی در نظام باورها، اعتدال در امور فردی، میانه روی در معیشت دین (آخرت) و دنیا و میان هروی اقتصادی)، میانه روی در کسب، میانه روی در خرج، میانه روی در انفاق، میانه روی در ظاهر و نوع پوشش را مورد بررسی قرار داده است. بررسی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که که توجه به ترویج و تربیت سیره تربیتی امام حسین(ع) به واسطه نقش

برجسته ایشان باعث رشد همه جانبه آنها می‌گردد و حکمت به عنوان ثمره‌ی این تلاش آگاهانه در بازشناسی خویش و هستی از علم و عمل در فعالیت دانش آموزان به وجود می‌آید. همچنین باعث می‌گردد که دانش آموزان در ایده‌یابی و ایده‌پردازی رشد نموده و به مشارکت کردن و فعال بودن و حقیقت‌جویی و هویت‌یابی و همچنین درونی‌سازی ارزش‌ها و اعتقادات و اخلاقیات پرداخته و معلمان نیز به چگونگی یادگیری دانش آموزان و سبک تفکر و زندگی آنها توجه نمایند. با توجه به این که مولفه‌های سیره تربیتی امام حسین(ع) بازخوردهای مناسبی به فعالیتهای دانش آموزان ارائه می‌شود؛ دانش آموزان می‌توانند؛ به خودشناسی دست یافته و بهترین داور پیشرفت خود باشند و با انجام خودارزیابی عملکرد مناسبی در زندگی داشته باشند. یافته‌ها حاکی از آن است که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سیره تربیتی امام حسین(ع) و دستیابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد.

از آنجا که موضوع سیره تربیتی امام حسین(ع) و نیز قانون مند کردن آن برای همه بشریت، آن گونه که شایسته این مهم باشد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است، پژوهش در حیات طیبه که یک اصطلاح قرآنی است و بررسی ویژگی‌های زندگی مرتبط با آن می‌تواند ما را به سبک زندگی مورد قبول اسلام رهنمون سازد.

می‌توان گفت، تاکید سیره تربیتی امام حسین(ع) بر تشویق و تمجید نوجوان در جمع، حفظ احترام و اهمیت دادن به نظرات او در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، یادآوری و تاکید بر موفقیت‌های گذشته و صفات مثبت، عملکرد خوب و قابلیت‌های او بجای توجه به شکست‌ها و صفات منفی گذشته اش موجب رشد اعتمادبه نفس و افزایش آگاهی او نسبت به توانمندی‌هایش می‌شود. همچنین، پرهیز از بیان مکرر اشتباهات، دادن فرصت اظهارنظر به نوجوان در جمع و فراهم آوردن شرایطی برای نشان دادن خود و کسب تجربیات موفقیت آمیز و مطلوب به نوجوان جهت رشد و تقویت سبک زندگی اسلامی کمک می‌کند. همچنین، تسهیل تربیت اسلامی برای رشد و بهبود دیگر متغیرها ضروری بود.

با بررسی‌های انجام شده تحقیق به این نتیجه رسید که سیره تربیتی امام حسین(ع) در بعد فردی، یک سبک میانه و در بعد اجتماعی سبکی متعادل است؛ میانه روی در سبک زندگی فردی تبیین کننده تعادل در سبک زندگی اجتماعی است؛ سبک زندگی اسلامی هم با دیگر نظام‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه و هم با اجزا و مجموعه‌های خود هماهنگی و انطباق لازم را دارد و در هیچ‌شانی از شوون زندگی فردی و اجتماعی نبودن توازن (افراط و تفریط) را از مسلمانان بر نمی‌تابند؛ و سرانجام اینکه تعادل در سیره تربیتی امام حسین(ع) امری موردی نیست، بلکه مدلی عام و در همه شوونات زندگی جاری و ساری است.

سیره تربیتی امام حسین(ع) برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی است و بنیاد سبک زندگی اسلامی، علاوه بر اعتقادات که مشتمل بر روح توحید در تمامی شئون زندگی است، شامل امور ارزشی و اخلاقی ثابت است. تعلیم اسلام، دستورالعمل کلی به منظور وصول به سبک زندگی اسلامی را ارائه نموده است. بررسی تعامل دوسویه اجزای مثلث «نیاز، دین، سبک زندگی» نشان می‌دهد که میان این سه مقوله ارتباط و پیوند گسست‌ناپذیری وجود دارد. ظرفیت‌سازی در خانواده و توانمندسازی آن در روند دست‌یابی به سرمایه اجتماعی و جامعه سالم با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی می‌تواند راه حل مناسبی برای مشکلات عصر حاضر محسوب شود.

با توجه به استفاده‌ی روز افزون از رسانه‌های دیداری و تأثیرات اجتماعی - روانی تبلیغ مستقیم و غیر مستقیم کالا و خدمات از طریق این رسانه‌ها، و همچنین تمایل مردم به هم‌رنگ شدن با جماعت و مرجع قرار دادن رسانه‌ها برای تحقق این یکدست شدن، انتظار می‌رود خانواده‌ها بتدریج به سمت شرایطی سوق یابند که ارزش‌های مذهبی آن را بر نمی‌تابد؛ از جمله می‌توان به مصرف زدگی، گسترش فرهنگ چشم‌هم‌چشمی و رقابت ناسالم برای مصرف هرچه بیشتر، ایجاد احساس محرومیت در قشر کم درآمد جامعه، کم رنگ شدن ارزش‌های مذهبی و هنجارهای اصیل فرهنگ ملی، اشاره کرد. این رسانه‌ها با ترویج مصرف زدگی، پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری را به افراد و جامعه تحمیل می‌کنند که هر یک به نوبه‌ی خود می‌تواند زمینه ساز کنش و رفتاری غیر اسلامی و یا حتی ضد اسلامی شود. تغییر ذائقه‌ی مخاطبان توسط رسانه‌ها، شامل مدیریت اوقات فراغت نیز می‌شود. گرایش به شیوه‌های غربی، به گونه‌ای محسوس، افراد را از پر کردن اوقات فراغت به شیوه‌های توصیه

شده‌ی اسلام از قبیل صرف این اوقات برای مناجات با خدا، حضور در مسجد و مجالس مذهبی، در کنار همسر و خانواده بودن، صله‌ی رحم، سفر کردن و سیر در ارض به منظور عبرت آموزی و پند گرفتن و مواردی از این دست، باز می‌دارد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی که می‌تواند به صورت منظم سیره تربیتی امام حسین(ع) را در درون افراد نهادینه کند و به جامعه رسوخ کند، نهادهای تربیتی است. خانواده و مدرسه‌ای که سرشار از جاذبه الهی؛ یعنی مودت، محبت، رحمت، شفقت و آرامش روانی محیط تربیتی که تسهیل کننده مولفه‌های سیره تربیتی امام حسین(ع) است. نتایج بیان گر آن است که سیره تربیتی امام حسین(ع) که مبتنی بر اعتدال است، زمینه ساز پیوند عاطفی در خانواده می‌باشد و از پدیده گسست نسلی جلوگیری می‌کند. رخی از شاخصه‌های سرگرمی اخلاقی عبارتند از: توحیدگرایی، توجه به قرب الهی، توجه به عالم غیب، واقع گرایی، عقلایی بودن، بیهوده و عبث نبودن، حفظ کرامت انسانی در سرگرمی، سرگرم نشدن به گناهان و اعتدال در پرداختن به سرگرمی.

پیشنهادهای

برای آشنایی بیشتر مربیان و الدین با آموزه‌های سیره تربیتی امام حسین(ع) پیشنهاد می‌گردد در حد متعادل و نه افراط یا تفریط گونه به ویژگیها و خصوصیات فراگیران توجه شود. چرا که برنامه‌ی هر درسی مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی، لزوماً الگویی تکاملی است. هرگونه برنامه‌ای که منجر به حرکت انحطاطی گردد؛ مناسب نیست. پیشنهاد می‌گردد که آموزه‌های سیره تربیتی امام حسین(ع) را در برنامه‌ی درسی و آموزشی و کار دانش آموزان در نظر گرفته شود و ارائه روشهای تدریس و انتخاب گروههای کاری دانش آموزان در طول یادگیری با توجه به سبکهای تفکر متنوع افراد صورت گیرد.

از راهکارهای کاربردی سازی مورد تاکید در این پژوهش، می‌توان به تغییر عوامل آسیب زا، تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، فراهم سازی تجربه عملی سیره تربیتی امام حسین(ع) و عوامل محیطی - اجتماعی اشاره نمود.

- بالا بردن کیفیت برنامه‌های رسانه‌های داخلی به ویژه رسانه ملی؛

- آموزش مصرف بهینه کالا و خدمات، با طرح معیارهای اسلامی در این زمینه، در قالب سریال‌های جذاب و پرمخاطب و نیز پیام‌های بازگانی؛

- آموزش آموزه‌های سیره تربیتی امام حسین(ع) برای ایجاد حساسیت افراد نسبت به سبک زندگی خود و رعایت اصول اسلامی.

- از آنجا که سیره تربیتی امام حسین(ع) توصیه شده، دارای مجموعه‌ای از اصول «خود کنترلی» است که در صورت رعایت آنها، نوعی تعادل در وضعیت عمومی جامعه به لحاظ جامعه شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌شود، ضرورت دارد نهادهای فرهنگی و آموزشی، با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان که مورد تأکید فقه پویای اسلام و به‌ویژه شیعه است، برای ارائه‌ی الگویی اسلامی - ملی از سبک زندگی، همسو با یکدیگر تلاش کنند و برنامه‌ای عملیاتی در این زمینه ارائه دهند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. صحیفه سجادیه
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۳۸۲). شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید). قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی منجفی (ره). ۳۵۲ صفحه. ج ۱ (۱۴۰۴ ق. ۱۹۶۷ م) چاپ دوم.
۵. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۲). تاریخ کامل، ترجمه: سید محمد حسین روحانی، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ سوم.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا علیه السلام. نشر: بی جا - بی نا
۷. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۷). علل الشرائع. تهران: مومنین.
۸. اریلی، علی بن عیسی. (۱۳۹۳). کشف الغمه. مترجم: علی بن حسین زواره ای، تهران: نور محبت.
۹. امین، سید محسن. (۱۳۶۷). اعیان الشیعه. تهران: طبع و نشر.
۱۰. بحرانی، عبدالله. (۱۳۸۷). عوالم العلوم. قم: مؤسسه الامام المهدی
۱۱. ابن الاثیر، عزالدین. (۱۹۷۰). اسد الغابه بیروت: دار احیا.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۹۰ ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه، آل البيت، قم.
۱۴. حرانی، ابو محمد. (۱۳۹۳). وسائل الشیعه. مترجم: صادق حسن زاده، تهران: آل علی (ع)
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۶). وسائل الشیعه. قم: کتابچی
۱۶. حسین، طه (۱۳۳۲). علی و دو فرزند بزرگوارش، ترجمه: احمد آرام،
۱۷. حسینی زاده، علی. (۱۳۸۴). سیره تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، چ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۰۵ صفحه.
۱۸. خامه یار، حسن. (۱۳۹۳). امام حسین (ع). تهران: عاشورا
۱۹. دارالحديث. (۱۳۷۴). کنز العمال. تهران: الدحیث.
۲۰. دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: انتشارات پرهیز کار. ۹۶۰ صفحه.
۲۱. دیلمی، حسین بن محمد. (۱۳۷۲). اعلام الدین. قم: آل بیت.
۲۲. رحمانی همدانی، احمد. (۱۳۷۸). فاطمه الزهراء سلام الله علیها بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله. جلد ۱، تهران: منیر، ۷۹۲ صفحه.
۲۳. شریف قرشی، محمد باقر. (۱۳۸۵). حیاة الامام الحسین. قم: قلم مکنون.
۲۴. شوشتری، نورالله. (۱۳۶۲). احقاق الحق و اذهاق الباطل. قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه.
۲۵. شیخ الاسلامی. حسین. (۱۴۱۲ ق). مسند فاطمه الزهراء (س)، قم: دارالقرآن کریم ۸۷۲ صفحه.
۲۶. صادقی، مصطفی؛ فرمانیان، اسماء. (۱۳۹۸). راز جاودانگی قیام عاشورا در مقایسه با دیگر قیام ها. پژوهش نامه معارف حسینی، شماره ۱۳، صص ۷-۱۵.
۲۷. قربانی، افسانه؛ خانی، عاطفه؛ گلی، مهرانز. (۱۳۹۸). تاثیر گذاری خواص در واقعه عاشورا. پژوهش نامه معارف حسینی، شماره ۱۳، صص ۵۷-۶۲.
۲۸. قمی، عباس؛ الهی، علی اکبر. (۱۳۹۶). سفینه البحار. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۹. کلینی محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). اصول الکافی. ترجمه مصطفوی ج. جلد ۱. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه. ۳۹۹ صفحه.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. کوفی، محمد بن علی. (۱۳۹۳). فتوح ابن اثم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی
۳۲. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۷۶). بحار الانوار، ج ۳، محقق محمد باقر محمودی: انتشارات دار الاحیاء التراث العربی. ۳۴۲ صفحه
۳۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم: مؤسسه دارالحديث.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۷). میزان الحکمه، چ دوم، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۳، ص ۱۴۹.
۳۵. مطهری، سجاد؛ فرح بخش، کیومرث؛ سلطانی، عبدالله؛ نوری، محمدرضا. (۱۳۹۴). پیش بینی رضامندی زناشویی اسلامی بر اساس مولفه های سبک زندگی اسلامی در دانشجویان متأهل. نشریه پاسداری فرهنگی/ انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۴۷-۶۹.

۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران.
۳۷. المقدس، یوسف بن یحیی (۱۳۸۷). عقد الدرر. قم: جمکران
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). قهرمان توحید. قم: امام علی ابن ابی طالب (ع).
۳۹. نصر حلوانی، ابو عبدالله (۱۳۸۳). نزهة الناظر. مترجم: عبدالهادی مسعودی. قم: دارالحديث.
۴۰. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل. قم: موسسه آل البيت (ع).
۴۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۹). تاریخ یعقوبی. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

منابع:

1. The Holy Quran.
2. Nahj al-Balagha.
3. Al-Sahifa al-Sajjadiyya
4. Ibn Abi Hatred, A. H. (1967). Commentary on Nahj al-Balagha (Ibn Abi al-Hid). Qom: Hazrat Ayatollah al-Uzma Manjafi Library. 352 pages. Vol. 1 (1404 AH/1967 AD). Second edition. (In Persian)
5. Ibn Athir, A. D. (1970). History of the Complete (Tarikh kamel). Translated by: Seyed Mohammad Hossein Rouhani. Asatir Publications, Tehran. Third edition. (In Persian)
6. Ibn Babawayh, M. A. (1993). Uyoon Akhbar al-Rida (Ahl al-Bayt). Publisher: Bi-ja – Bi-na. (In Persian)
7. Ibn Babawayh, M. A. (2018). Ulul al-Sharia. Tehran: Momineen. (In Persian)
8. Arili, A. I. (2014). Kashf al-Ghummah. Compiled by Ali ibn Hussein Zorvayi. Tehran: Noor Mohabbat. (In Persian)
9. Amini, S. M. H. (1988). Ayān al-Shiyah (Eyān al-Shi‘ah). Tehran: Tuba wa Nashr. (In Persian)
10. Bahrani, A. (2008). ‘Awālam al-‘Uloom. Qom: Institute of Imam Mahdi. (In Persian)
11. Ibn Athir, A. D. (1970). Asad al-Ghaabah. Beirut: Dar al-Hiya. (In Persian)
12. Al-Harani, M. H. (1490 AH). Wasa’il al-Shi‘a. Qom: Institute of Aal al-Bait. (In Persian)
13. Al-Harani, M. H. (1414 AH). Wasa’il al-Shi‘a. Aal al-Bait. Qom: (In Persian)
14. Al-Harani, A. M. (1393). Wasa’il al-Shi‘a. Translated by: S. Hasan Zadeh. Tehran: Aal Ali. (In Persian)
15. Al-Harani, M. H. (2007). Wasa’il al-Shi‘a. Qom: Kitabchi. (In Persian)
16. Hussain, T. (1953). Ali and His Two Noble Sons. Translated by: Ahmad Aram. (In Persian)
17. Hosaini Zadeh, A. (2005). The Prophetic Biography (Seerah) of the Prophet Muhammad (peace be upon him and his family) and the Ahl al-Bayt. 4th edition. Qom: Qom Hawzah and University Research Center. 105 pages. (In Persian)
18. Khamah Yar, H. (2014). Imam Husayn (peace be upon him). Tehran: Ashura. (In Persian)
19. Dar al-Hadith. (1995). Khoz al-‘Amal (Kanz al-‘Amal). Tehran: al-Hadith. (In Persian)
20. Dashtri, M. (2000). Translation of Nahj al-Balagha. Qom: Parhizkar Publications. 960 pages. (In Persian)
21. Dillami, H. M. (1993). ‘Alaam al-Din. Qom: Aal al-Bait. (In Persian)
22. Rahmani Hamadani, A. (1999). Fatimah al-Zahra, peace be upon her, Joy of the Heart of al-Mustafa. Vol. 1. Tehran: Munir, 792 pages. (In Persian)
23. Sharif Quraashi, M. B. (2006). The Life of Imam Husayn. Qom: Qalam Maknoon. (In Persian)
24. Shou shteri, N. A. (1983). Iqāq al-ḥaqq wa Izāq al-Bāṭil. Qom: Library of Ayatollah al-Mar’ashi Al-‘Ammā. (In Persian)
25. Sheikh al-Islami, H. (1412 AH). Musnad Fatimah al-Zahra (s). Qom: Dar al-Quran al-Karim. 872 pages. (In Persian)

26. Sadeghi, M.; & Farmiani, A. (2019). The Eternal Secret of Ashura Uprising in Comparison with Other Uprisings. *Journal of Hussaini Studies*, Issue 13, pp. 7-15. (In Persian)
27. Qorbani, A.; Khani, A.; & Goli, M. (2019). The Impact of the Ulama on the Ashura event. *Journal of Hussaini Studies*, Issue 13, pp. 57-62. (In Persian)
28. Qummi, A., & Alahi, A. A. (2017). *Safinat al-Bahr*. Mashhad: Al-Astaniyah Research Foundation. (In Persian)
29. Kulini, M. Y. (1990). *Usul al-Kafi*. Translated by J. Mutawakkil. Vol. 1. Tehran: Bookseller of Islamic Seminary. 399 pages. (In Persian)
30. Kulini, M. Y. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
31. Kufi, M. A. (2014). *Fath Ibn A' tham*. Tehran: Scientific Cultural Publications. (In Persian)
32. Majlisi, M. B. (1997). *Bihar al-Anwar*, Vol. 3. Researcher: Muhammad Baqir Mahmudi. Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi Publications. 342 pages. (In Persian)
33. Mohammadi Ri Shari, M. (2011). *Takhkim family life from the Qur'an and Hadith perspectives*. Qom: Dar al-Hadith Institute. (In Persian)
34. Mahmudi Ri Shari, M. (1988). *Mizan al-Hikmah*, 2nd edition. Maktab al-'Ilm al-Islami, Vol. 3, p. 149. (In Persian)
35. Motahhari, S.; Farhakhsh, K.; Soltani, A. & Nouri, M. R. (2015). Predicting marital satisfaction in Islam based on Islamic lifestyle factors among married students. *Cultural Revolution Heritage Journal*, 5th year, no. 12, pp. 47-69. (In Persian)
36. Motahhari, M. (1989). *Collected Works*. Sadra Publications, Tehran. (In Persian)
37. Al-Muqaddas, Y. Y. (2008). *Aqad al-Durar*. Qom: Jamkaran. (In Persian)
38. Makarim Shirazi, N. (2009). *Hero of Tawhid*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib. (In Persian)
39. Nasser Halwani, Abu Abdullah. (2004). *Nazhat al-Nazir (Nuzhat al-Nazir)*. Translated by Abdulhadi Masoodi. Qom: Dar al-Hadith. (In Persian)
40. Nuri, H. M. T. (1987). *Mustadrak al-Wasa'il*. Qom: Institute of Aal al-Bait. (In Persian)
41. Ya'qubi, A. I. (2010). *Tarih Ya'qubi*. Tehran: Scientific and Cultural Publications Company. (In Persian)



The Role of Women in Mobilizing Spiritual and Material Capital During the Holy Defense Era with Emphasis on the Book "Mother of Iran"

Kobra Nodehi ^{1*}

1- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

Abstract:

During the era of the revolution and the sacred defense, women have always played an unparalleled role in mobilizing the material and spiritual capital of society as symbols of sacrifice and dedication in Iranian-Islamic culture. They not only helped to preserve and protect the values of the Islamic Revolution, Rather, by creating an atmosphere full of love and sacrifice, they attracted, developed, and expanded social and spiritual capital among the people. This essay, using a library method and a descriptive-analytical approach, has represented the role of women in the critical moments of the Islamic Revolution and the era of the Sacred Defense, based on the book "Mother of Iran".

The research findings show that during the imposed war, women proved that they had a great contribution to the epic of the revolution and sacred defense in all areas through their presence in decision-making, crisis management, cooperation and participation, empathy, and raising a generation of sacrificers, among other things.

Review History:

Received: 3 Aug 2025

Revised: 16 Sep 2025

Accepted: 18 Sep 2025

Available Online: 20 Sep 2025

Keywords:

Women

Spiritual and material capital

Sacred Defense

The book "Mother of Iran"

How To Cite This Article:

Nodehi, K. (2025). The Role of Women in Mobilizing Spiritual and Material Capital During the Holy Defense Era With Emphasis on the Book "Mother of Iran". *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 57-63 (In Persian)



*Corresponding author's email: koobranodehi@gmail.com



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to Iran Sacred Defense Scientific Association. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License. For more information, please visit <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



نقش زنان در بسیج سرمایه های معنوی و مادی دوران دفاع مقدس با تاکید بر کتاب «مادر ایران»

کبری نودهی^{۱*}

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

چکیده:

تاریخچه داوری:

در دوران انقلاب و دفاع مقدس زنان همواره به عنوان نمادهای ایثار و فداکاری در فرهنگ ایرانی-اسلامی، نقشی بی‌بدیل در بسیج سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه ایفا کرده‌اند. آنان نه تنها به حفظ و پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی کمک کردند، بلکه با ایجاد فضایی پر از عشق و فداکاری سبب جذب و توسعه و گسترش سرمایه‌های اجتماعی و معنوی در میان مردم شدند. این جستار به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی به بازنمایی نقش زنان در برهه‌های حساس انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس بر اساس کتاب «مادر ایران» پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در دوران جنگ تحمیلی زنان با حضور خود در تصمیم‌گیری‌ها، مدیریت بحران، همکاری و مشارکت، همدلی و تربیت نسل ایثارگر و مواردی از این دست ثابت کردند که در تمامی عرصه‌ها سهم بزرگی در حماسه انقلاب و دفاع مقدس داشته‌اند.

کلمات کلیدی:

زنان
سرمایه‌های معنوی و مادی
دفاع مقدس
کتاب «مادر ایران».



برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Nodehi, K. (2025). The Role of Women in Mobilizing Spiritual and Material Capital During the Holy Defense Era With Emphasis on the Book "Mother of Iran". *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 57-63 (In Persian)

* نویسنده عه‌دار مکاتبات: koobranodehi@gmail.com



مقدمه

کتاب «مادر ایران» خاطرات شفاهی خانم عصمت احمدیان مادر شهیدان اسماعیل و امیر فرجوانی است. این کتاب را نورالهدی ماه پری تدوین کرده و در شمارگان هزار نسخه ای سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات راه یار به چاپ رسانده و در حال حاضر به چاپ پنجم رسیده است. موضوع آن خاطرات مادری است که از حضور زنان در دوران دفاع مقدس سخن می گوید. راوی در این کتاب از بانوان به عنوان خدمتگزاران گمنام دوران دفاع مقدس و انقلاب اسلامی یاد کرده که هر یک در نقش هایی از قبیل مادر، همسر و خواهر ظاهر شده اند و حماسه های جاودانه ای را در این دوران سخت و طاقت فرسا خلق کرده اند.

سرمایه‌ی اجتماعی به معنی توانایی افراد برای کار کردن با یکدیگر به منظور دستیابی به اهداف مشترک در گروه و سازمان می‌باشد. بر این اساس، سرمایه‌ی اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که روابط بین افراد به گونه‌ای دگرگون شود که کنش میان آنها را تسهیل کند. در این مقاله به بررسی نقش زنان در بسیج این سرمایه‌ها خواهیم پرداخت. البته نقش زنان در جذب سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد که در این جستار به برخی از این نقش‌ها اشاره می‌شود.

همکاری و مشارکت

یکی از شاخصه های مهم یک جامعه هدفمند و سالم، همکاری و مشارکت در کارهاست. البته همکاری و مشارکتی که عقلانی، مستمر و سازمان‌یافته باشد. راوی در کتاب مادر ایران به موارد بسیاری از همکاری و مشارکت خود و دیگر زنان در زمینه های مختلف فرهنگی و اقتصادی اشاره داشته مثلا در بخشی از این کتاب می گوید: «کوهی از لباس و پتوی خونی از عملیات طریق القدس را در زیرزمین هتل نادری ریخته بودند برای صرفه جویی در هزینه دولت بهتر بود لباس ها را بشویم اواصل لباس رزمنده ها و البسه بیمارستانی جایی بیرون شهر سوزانده می شد اما بعدها به این فکر افتادیم که آن را بشوریم از شب قبل لباس ها را می خیساندیم و صبح خون آنها را خالی می کردیم» (ماه پری، ۱۴۰۰: ۱۷۰) با وجود اینکه این کار برای بسیاری از زنان دشوار بوده با توجه به حجم و سنگینی آن اما این مشارکت و همکاری بوضوح و در سطح عالی دیده می شود.

یا در جای دیگری که راوی برای دعوت همه مردم اقدام می کند و از آحاد جامعه برای مشارکت در انجام و اداره امور اقتصادی جامعه یاری می خواهد و توجه همگان را به این موضوع مهم معطوف می دارد «همراه اسماعیل بین مردم می رفتم و از لزوم شروع کار و تولید می گفتم تا حضور دوباره کارمندان و کارگران در ادارات و صنایع نمی شد دست روی دست گذاشت به فرمان امام چند کمیته جدید تاسیس شد و نیروهای انقلابی در این مراکز تازه هستند سس کار را با جدیت و تلاش شبانه روزی و بدون دستمزد پی گرفتند من جزو اولین بانوانی بودم با کمیته امور مستضعفین همکاری کرد مکان کمیته در سالن پیشاهنگی یک دبیرستان بود کارم فعالیت در بخش تحقیق کمیته مستضعفین بود افراد بی بضاعت زیادی به کمیته مراجعه می کردند بعضی مستاجر بودند و بعضی دیگر حتی سقفی بالای سر نداشتند» (همان: ۱۲۹)

در قسمت دیگری از کتاب در مورد دوخت لباس برای رزمندگان در بحبوحه جنگ تحمیلی می گوید «کم کم بحث دوخت لباس پیش آمد اوایل که همه چیز در همان آشفته بود همه با لباس شخصی به جنگ می رفتند کمی گذشت تا به شکل انبوه برای رزمندگان لباس و پوتین نظامی تهیه شود یکی از پاسداران رسمی سپاه به سراغم آمد و خواست که برای جبهه تولیدی لباس بزنم یک کارگاهی مثل تولیدی شخصی خودتون تقریب شصت تا نیرو در اختیار شماست ما مرکز ثقافه را در نظر گرفتیم ثقافه مرکز فرهنگی اسلامی بود این مکان پیش از انقلاب محل رقص و خوانندگی بود پس از انقلاب نیروهای جهاد سازندگی در آن ساکن شدند و به امور فرهنگی پرداختند و در سال های دفاع مقدس بخشی از این مکان به تولیدی لباس رزمندگان اختصاص یافت» (همان: ۱۶۶)

همچنین این روحیه همکاری و مشارکت را در راوی کتاب در نخستین روزهای تشکیل بنیاد مستضعفان برای تامین مسکن نیازمندان و محرومان این گونه می بینیم «رفتم به گروه تحقیق کمیته با حاج آقا تا بنیاد مستضعفان ببخشید کمیته مستضعفان با حاج آقا تا دیدی از شب به محله های محروم سر می زدیم افراد مستمند و مستاجرانی که تا پایان عمر هم اگر می دویند صاحب خانه نمی شدند این ها کسانی بودند که پس از تحقیق آدرس و مشخصاتشان را در اختیار بنیاد می گذاشتیم کار کردن در بنیاد برایم آن قدر لذت بخش و زیبا بود که مدام خدا را بابتش شکر می کردم وقتی بنیاد نحوه عملکردم را پسندید من را به

بخش اداری برد تنها کسی که می توانست پاسخ گوی آن حجم از مراجعه کننده باشد خودم بودم میزم را در حیاط جلوی در گذاشته بودم و روزانه ششصد نفر را جواب می دادم» (همان: ۱۳۱)

تربیت نسل ایثارگر

دوران دفاع مقدس نقطه عطفی در تاریخ ایران بود. بسیاری از زنان با تربیت فرزندان خود در فضایی سرشار از ارزش های انسانی و اسلامی، نسل هایی را پرورش دادند که به فداکاری و ایثار در راه وطن معتقد بودند. این تربیت عمیق و اصولی باعث شد که فرزندان بعد از مادران خود، در مواقع ضروری از جان خود برای دفاع از سرزمین و ارزش ها بگذرند. در کتاب مادر ایران این موضوع در جای جای کتاب جلوه گری می کند. راوی در مورد فرزندش اسماعیل که بعدها به شهادت می رسد می گوید: «هم نشینی پیوسته با بزرگان مسجد اسماعیل را به چنین سطحی از آگاهی رسانده بود راه خانه را ممکن بود گم کند اما راه مسجد را نه مسجد امام رضا (ع) پاتوق نشست و برخاست با هیئت امنا و روحانی مسجد بود ایده تشکیل جلسه قرائت قرآن در شب های جمعه همان جا شکل گرفت جایی که رفقاییش دور هم جمع می شدند و برای هر جلسه برنامه ریزی می کردند» (همان: ۱۲۳)

در بخش دیگری از همین کتاب می خوانیم که چگونه فرزند کوچک راوی به نام امیر با شادی وصف ناپذیری برای اعزام به منطقه جنگی برای آخرین بار به دیدار پدر و مادر آمده و از آنان حلاکت می طلبد. این موضوع نشان از آن دارد که با نسلی مواجه هستیم که کاملاً تربیت شده مکتب اسلام است «امیر با لندکروز ویراژ می داد و قهقهه می زد با ما فاصله داشت همین طور از توی ماشین نگاهش کردیم خم شد و تعظیم کرد و با دست عرق پیشانی اش را گرفت که یعنی شرمند ام پیاده شدیم و بوسیدمش گفت خواهش می کنم برگردین من از روی شما شرمند ام اولاد خوبی براتون نبودم اما مادر خوبی بودین حلالم کنین او رفت و ما ماشین را تا چشم یاری می کرد با نگاه حسرت بدرقه کردیم صفحه صد و هفتاد و شش بعدم که خبر شهادتش رو شهادت امیر رو آوردن اسماعیل گفت هزار ماشاالله به امت خوشا به حال امیر و خوشا به حال تو که این حر زمان را زاییدی» (همان: ۱۷۷)

همدلی

از دیگر مولفه ها و شاخص های سرمایه اجتماعی، همدلی است. همدلی و همراهی زنان در تمامی عرصه در دوران دفاع مقدس موجب افزایش روحیه مبارزه طلبی و استقامت و پایداری در برابر سختی ها و مکلات گردید. در بخش دیگری از کتاب مذکور می بینیم که راوی به این همدلی ها اشاره کرده: «چه خوبه یه کاروان راه بندازیم و به بقیه خونه ها هم سر بزنینم بیشتر ما مادر شهید می تونیم دسته جمعی بریم دیدار خانواده شهدا هم از مادران شهدا دل جویی کنیم و هم خانواده ها را دعوت به صبر کنیم. گاهی که بنا بود من سخنرانی کنم کلام را با تفسیر آیه از قرآن شروع می کردم و در ادامه از مصائب اباعبدالله می گفتم و در پایان می گفتم صبور باشید ای مادران شهدا زینب گونه صبور باشید که اجر شما با اباعبدالله است» (همان: ۱۳۹)

البته این همدلی و همراهی را در بین اعضای خانواده خانم احمدیان از همان نخستین روزهای جنگ تحمیلی شاهدیم «من و حاج آقا هر دو سخت مشغول جنگ شده بودیم و خیلی کم همدیگه رو می دیدیم حاج آقا جنگه من هر جا کمکی ازم بر بیاد میرم شب هم همون جا می خوابم دلت فکر من نباشه نذار هی ازت اجازه بگیرم. شما تام الاختیار هر جا خواستی برو هر کمکی هم از دستت برآمد بکن خدا پشت و پناهت ماشین سیمرغ صنایع فولاد دستم بود خواهران را سوار می کردم و پشت سر ماشین مرد ارتشی به سمت مقصدی که می رفت به راه می افتادم» (همان: ۱۶۰)

ترویج فرهنگ ایثار و فداکاری

ترویج فرهنگ ایثار و فداکاری در جامعه از دیگر دستاوردهای زنان در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده است. این موضوع سبب شد تا میزان آگاهی و حس همبستگی اجتماعی در جامعه افزایش یابد و نسل های جوان تر را تحت تأثیر قرار دهد. نمونه ای از این فرهنگ ایثار را در بخشی از کتاب مادر ایران میخوانیم جایی که راوی قصد دارد تا بیمارستان کاملاً انتفاعی بسازد و برایش چندان مهم نیست که زمین بیمارستان به نام خود شود یا دیگری! چون بنا را بر انجام کار خیر گذاشته است: «نزد وزیر رفتم و گفتم من قصد دارم این ملک پنج طبقه را یک بیمارستان کاملاً انتفاعی بکنم طبقه اول کاربری تجاری دارد تا

پشتیبان مالی بیمارستان باشد گفت باید موافقت اصولی بگیرید که آن هم فقط به نام پزشک صادر می شود خانم در جریان هستی که موافقت اصولی رو به نام هر دکتری بگیری زمین دیگه مال اونه فردا نیای بگی زمینم رو بردن به وزیر گفتم یعنی می فرمایین دکتر چرخ می ذاره زیرش و می چرخونه تا خونه ش یا شاید این جوری می ذاره رو دوشش و می بره به جایی؟ خب ساختمون سر جاشه و کارش خدمت به مسلمین! ببین آقای وزیر! واسه کار خیر هر کسی از راه برسه من قبول می کنم زمین رو به نامش کنم». (ماه پری، ۱۴۰۰: ۱۱۲)

حمایت از کارآفرینی و توانمندسازی جامعه

زنان می توانند در ایجاد کسب و کارهای نوآورانه و کارآفرینانه نقش داشته باشند که این کار به نوبه خود می تواند سرمایه های اجتماعی را جذب کند. به عبارت دیگر، زنان می توانند با فعالیت های اجتماعی و فرهنگی خود جامعه را توانمند کنند و به جذب حمایت ها و سرمایه های اجتماعی کمک شایانی کنند. راوی کتاب مادر ایران که خود چهره ای شناخته شده به عنوان بانوی کارآفرین در منطقه جنوب ایران است به گوشه هایی از این توانمندسازی و کارآفرینی خود اشاره داشته مثلاً جایی که قصد دارد پرورش ماهی راه بیندازد «با همکاری آقای اسکندری مدیرکل جهاد کشاورزی زمین حوضچه آزادگان را به صورت قسطی خریدم. با پرس و جو از دیگران شخصی را پیدا کردم که بهتر و ارزان تر از همه حوضچه بسازد آقای حمید باوی کار ساخت پرورش ماهی را به شکل اقساط برایم شروع کرد زمین آزادگان در کوهپایه بودجه ای نبود که بشود به راحتی در آن حوضچه زد به درستی تصمیم یقین داشتم چون می دیدم که اطراف زمین من در مجتمع آزادگان تعداد زیادی پرورش ماهی دیگر هم مشغول فعالیت هستند دیگر به حاج آقا چیزی نگفتم و مثل همیشه کار را با بسم الله شروع کردم». (همان: ۱۶۵)

یا در بخش دیگری که از تولیدی پوشاک سخن رانده «چادر مقنعه شلوار پیراهن لباس مجلسی و تمام پوشاک زنانه را بر هر مدلی که مشتری می خواست تولید می کردیم از شرکت ها سفارش لباس فرم می گرفتیم» (همان: ۱۳۸)

در طول جنگ نیز برای رزمندگان برای تولید لباس مخصوص آنان اقدام می کند: «هفته تا چرخ خیاطی نو و تعداد زیادی ماشین ژاکت بافی گرفتم که فاکتور همه به نام خودم بود کار با ماشین ژاکت بافی را به خانم ها آموزش دادم تا برای رزمندگان کلاه و دستگاه دستکش هم تهیه کنیم یکی از برشکار حرفه ای لباس رزمندگان در اهواز من بودم قیچی برقی ام ۱۰ کا را از کارگاه خودم برمی داشتم و می رفتم ثقافه الگو را روی چندین لایه پارچه می انداختم و روزی پنج شش هزار دست لباس برش می زدم کار برش یک ساعت بیشتر زمان می برد اما باز و پهن کردن توپ های بزرگ و پارچه برای خانم ها کار سختی بود» (همان: ۱۶۰)

در راستای همین موضوع راه اندازی تولیدی پوشاک را برای دیگران نیز انجام می دهد «مدتی بعد از راه اندازی مرکز ثقافیه از کمیته مستضعفین به سراغم آمدند آقای درفشان ریاست کل کمیته استان از من خواست برای مددجویان هم یک تولیدی راه اندازی کنم» (ماه پری، ۱۴۰۰: ۱۶۷)

در واقع روحیه فوق العاده راوی در کارآفرینی و ایجاد اشتغال نشان می دهد که زنان به عنوان رهبران و مدیران موفق در سازمان ها و کسب و کارها می توانند نقش موثری در جذب سرمایه های اجتماعی ایفا کنند.

تعهد و مسئولیت پذیری

یکی دیگر از شاخصه های مهم جامعه پویا و فعال تعهد و مسئولیت پذیری اعضای آن است. این موضوع را به روشنی می توان در جای جای کتاب مادر ایران از زبان راوی دید مثلاً پس از شهادت پسر ارشدش دیگر دل و دماغ کار کردن ندارد اما کسانی که با او همراهی و همکاری داشته اند را رها نمی کند و خود را در برابر تک تک اعضا متعهد می داند «پس از شهادت اسماعیل احساس کردم دیگر کسی در شهر زنده نیست که بخوادم برایش لباس بدوزم برای همین تولیدی را بستم البته نگذاشتم حتی یکی از دخترهای کارگاه بیکار شود آن هایی را که کاربرد بودند جذب ادارات کردم دو نفرشان را به بهزیستی معرفی کردم و دو نفر را به شرکت نفت بقیه را هم سرو سامان دادم چون توصیه اولم همیشه تشکیل خانواده بود و بعد ورود به بازار کار دیگر حتی به مرکز ثقافیه هم نرفتم و کار را به آقای به نام سراج سپردم». (همان: ۱۳۹)

یا زمانی که از فعالیت خود در کانون سمیه که مربوط به زنان آسیب دیده است باز همین موضوع تعهد، پر رنگ و برجسته است «کانون سمیه در کیان پارس محل نگهداری زنان و دختران بی سرپرست بود ساختمانی سه طبقه و حیاط در خیابان مهین

جنب کلانتری چار سابق آقای سید محمدرضا سبط النبی ریاست بهزیستی از من تقاضا کرد که مسئولیت کانون را به عهده بگیرم البته کانون میزبان گروه دیگری از زنان هم بود زنانی که سال ها پیش نزدیک یکی از پل های شهر برای خودشان دم و دستگاهی داشتند بعد از انقلاب روسای از خانه های فرشا فرار کردند و ته مانده ها سرگردان شدند اکثر این زنان یا کم استعداد بودند یا کم حوصله برای همین دل به یادگیری خیاطی نمی دادند وگرنه برای کارآموزی بهترین جا تولیدی خودم بود سفالگری بافت گریم شیرینی پزی جارو بافی پرده دوزی از جمله هنرهایی بود که یادشان دادم» (ماه پری، ۱۴۰۰: ۱۳۷)

حمایت اجتماعی

زنان به عنوان نمادهای مقاومتی اجتماعی، می توانند با ارائه تجربیات خود، به ایجاد شبکه های حمایتی در جامعه کمک کنند. این شبکه ها می توانند شامل گروه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشند که به تقویت پیوندهای اجتماعی و ارتقای سرمایه های اجتماعی منجر می شوند. در بخشی از کتاب آمده است که راوی چگونه از طریق آموزش قرآن تلاش می کند تا یک گروه اجتماعی و فرهنگی را تشکیل دهد «شوق آموزش قرآن به دیگران همیشه در من بود لذت می بردند از دیدن زنان و دخترانی که روخوانی صحیح و تفسیر آیات را فرا می گرفتند به زنان زندان در قدم اول خواندن نماز را یاد دادم بعضی حتی بسم الله گفتن را بلد نبودند» (همان: ۱۱۲)

این مطلب حاکی از آن است که زنان معمولاً در زمینه آموزش نقش کلیدی دارند و از این طریق علاوه بر ایجاد گروه های منسجم فرهنگی و اجتماعی می توانند به افزایش آگاهی و دانش جامعه کمک کنند.

مدیریت بحران

افراد طی بحرانهایی که پیش می آید توانمندی یا ناتوانی خود را در نحوه مدیریت بحران نشان می دهند. در دفاع مقدس زنان نشان دادند که از عهده بسیاری از مشکلات بر می آیند و به خوبی از بحرانها عبور می کنند. در کتاب مادر ایران نمونه های بسیاری از این نوع مدیریت را شاهدیم مثلاً در همان بحبوحه جنگ راوی به همراه رییس دانشکده جندی شاپور قصد رفتن به جایی را دارند که ناگهان با صحنه ای مواجه می شوند و با مدیریت صحیح موفق می شوند تا به دنیا آوردن فرزندان زن باردار کمک کنند «از جایی نامعلوم صدای ناله زنی به گوش می رسید هرچه اطراف را گشتیم روی زمین هیچ ندیدیم صدا از درون گودالی می آمد که رویش را با شاخه های درخت پوشانده بودند شاخه ها را پس زدیم زن را دیدیم از افراد غیور و پاک دل عرب بود از زبان چیزی نفهمیدیم اما با دست به دردی اشاره کرد که میان همه زنان مشترک بود و فهمیدنش زبان خاصی نمی خواست حمله بود دستش رو بگیریم بکشیمش بالا نه شکمش پاره میشه من میرم پایین خم میشم تا بشینه روی کمرم و بدین ترتیب بود که با وجود آنکه من پنج فرزند داشتم اما به عمرم مراحل زایمان رو ندیده بودم در همان زمان دوقلوهای او را به دنیا آوردیم و سپس با تخته سنگی با لبه تیز سنگ بند ناف را بریدیم و بعد با یک دشداشه از یک مرد عرب که در حال فرار بود آن را چهار تکه کردیم آستین ها سهم مادر شد و دو تکه دیگر قنداق. زن را به مسجد حمیدیه سپردیم و عازم درمانگاه شدیم» (همان: ۸۷)

نتیجه

در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران، زنان سهم بسزایی در انقلابها و وقایع تاریخی داشته اند. یکی از برهه های بسیار مهم چند دهه اخیر بویژه دهه نخست پس از انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی بوده است. در کتاب «مادر ایران» که بر اساس خاطرات خانم عصمت احمدیان به نگار در آمده، شاهد حضور فعال زنان - این خدمتگزاران گمنام- در عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دوران انقلاب و دفاع مقدس هستیم. تعهد و مسئولیت پذیری، حمایت اجتماعی، مدیریت بحران، همدلی، مشارکت و همکاری گوشه ای از حماسه آفرینی زنان در این دوران دوار بوده است. زنانی که بعنوان مادر، همسر و خواهر در فرآیندهای توسعه اجتماعی و گسترش سرمایه های اجتماعی نقش موثری ایفا نموده، کمک شایان توجهی به جذب منابع مالی و اجتماعی کرده اند. این نقش ها نشان دهنده اهمیت زنان در تقویت و بهبود سرمایه های اجتماعی است.

منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷) قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (جلد سخت) مطالعه موردی بسیج، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲. پوتنام، روبرت (۱۳۹۹) سرمایه اجتماعی نظریه و عمل، نشر آویژه.
۳. شعبان، مریم (۱۴۰۲) جستارهایی پیرامون معنا و مبنای سرمایه اجتماعی با تاکید بر جامعه ایرانی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴. فیلد، جان (۱۳۹۷) سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، نشر کویر.
۵. ماه پری، نورالهدی (۱۴۰۰) مادر ایران (خاطرات شفاهی عصمت احمدیان)، نشر راه یار.

منابع:

1. Eftekhari, A. (2008). Soft Power and Social Capital (Hardcover). Imam Sadiq University Press. (In Persian)
2. Field, J. (2018). Social Capital. Transl. Gholamreza Ghaffari. Kooyr Publishing. (In Persian)
3. Mahpare, N. (2021). Mother Iran: Oral Memories of Esmat Ahmedian. Rahyar Publishing. (In Persian)
4. Putnam, Robert. (2020). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. Avijeh Publications. (In Persian)
5. Shaban, Maryam. (2023). Essays on the Meaning and Basis of Social Capital with Emphasis on Iranian Society. Cultural and Social Studies Research Institute. (In Persian)



The role of women in mobilizing economic capital for the Sacred Defense

Najmeh Chenbari ^{1*}

1- Ph.D. in Computer Software, Khorasan Razavi University, Nishapur, Iran

Abstract:

This article examines the role of women in mobilizing economic capital during the Holy Defense era. During this period, women played a significant role in supporting the fronts through extensive activities in economic fields, such as producing basic goods, participating in fundraising, and creating support networks. The present study used qualitative and quantitative methods to analyze these contributions, and the results show that without the role of women, effective mobilization of economic resources would not have been possible. The article offers suggestions for exploiting this historical experience in the current situation.

Review History:

Received: 17 Aug 2025

Revised: 21 Sep 2025

Accepted: 22 Sep 2025

Available Online: 24 Sep 2025

Keywords:

Women

Sacred Defense

Economic Capital

Popular Participation

Crisis Management

How To Cite This Article:

Chenbari, N. (2025). The role of women in mobilizing economic capital for the Sacred Defense. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 65-78 (In Persian)



*Corresponding author's email: chambari@gmail.com



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to Iran Sacred Defense Scientific Association. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License. For more information, please visit <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



نقش زنان در بسیج سرمایه های اقتصادی دفاع مقدس

نجمه چمبری^{۱*}

۱- دکترای رشته کامپیوتر نرم افزار، دانشگاه خراسان رضوی، نیشابور، ایران

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۲۶ مرداد ۱۴۰۴
بازنگری: ۳۰ شهریور ۱۴۰۴
پذیرش: ۳۱ شهریور ۱۴۰۴
ارائه آنلاین: ۲ مهر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

زنان
دفاع مقدس
سرمایه اقتصادی
مشارکت مردمی
مدیریت بحران

این مقاله به بررسی نقش زنان در بسیج سرمایه های اقتصادی در دوران دفاع مقدس می پردازد. زنان در این دوره با فعالیت های گسترده در حوزه های اقتصادی، مانند تولید کالاهای اساسی، مشارکت در جمع آوری کمک های مردمی و ایجاد شبکه های حمایتی، سهم بسزایی در پشتیبانی از جبهه ها داشتند. تحقیق حاضر از روش های کیفی و کمی برای تحلیل این مشارکت ها استفاده کرده و نتایج نشان می دهد که بدون نقش آفرینی زنان، بسیج منابع اقتصادی به شکل مؤثر امکان پذیر نبود. مقاله پیشنهادهایی برای بهره برداری از این تجربه تاریخی در شرایط کنونی ارائه می کند.



برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Chenbari, N. (2025). The role of women in mobilizing economic capital for the Sacred Defense. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 65-78 (In Persian)

* نویسنده عهदार مکاتبات: chambary@gmail.com



مقدمه

دوران دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین بازه‌های تاریخی در ایران معاصر است که با بسیج همه‌جانبه جامعه برای پشتیبانی از جبهه‌ها همراه بود. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، نقش مهمی در تأمین و بسیج سرمایه‌های اقتصادی ایفا کردند. این نقش‌آفرینی شامل تولید و تأمین اقلام مورد نیاز رزمندگان، مدیریت منابع خانوادگی، و مشارکت در جمع‌آوری کمک‌های مردمی بود. شناخت و تحلیل این مشارکت‌ها می‌تواند در برنامه‌ریزی برای شرایط بحرانی و جنگ‌های آینده به‌عنوان یک الگوی موفق مورد استفاده قرار گیرد.

روش تحقیق

این پژوهش از ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی استفاده کرده است:

۱. بررسی اسناد و مدارک تاریخی: تحلیل اسناد رسمی و گزارش‌های منتشرشده از ستادهای پشتیبانی جنگ.
۲. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته: گفتگو با زنانی که در دوران دفاع مقدس در فعالیتهای اقتصادی مشارکت داشتند.
۳. تحلیل داده‌های آماری: استفاده از آمار و ارقام موجود در منابع رسمی برای اندازه‌گیری میزان مشارکت زنان در بسیج منابع اقتصادی.
۴. طراحی و تحلیل نمودارها: ارائه نمودارهای تحلیلی برای نمایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی مرتبط.

یافته‌های تحقیق

۱. نقش زنان در تولید و تأمین اقلام ضروری

زنان در دوران دفاع مقدس در تولیدات خانگی (مانند پخت نان، تهیه کنسرو، دوخت لباس و تهیه مواد غذایی) مشارکت گسترده‌ای داشتند. بر اساس آمار، حدود ۶۵ درصد از کمک‌های مردمی به جبهه‌ها توسط زنان سازمان‌دهی می‌شد.

۲. مدیریت منابع خانوادگی

در نبود مردان خانواده که عمدتاً در جبهه‌ها حضور داشتند، زنان مسئولیت مدیریت اقتصادی خانواده را بر عهده گرفتند و با صرفه‌جویی و برنامه‌ریزی مؤثر، منابع مورد نیاز را تأمین می‌کردند.

۳. مشارکت در جمع‌آوری کمک‌های مردمی

شبکه‌های زنان در محلات و مساجد برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی، به یک سیستم مؤثر برای تأمین نیازهای جبهه‌ها تبدیل شده بود.

۴. نقش زنان در صنایع

در صنایع نساجی و غذایی، حضور زنان به تأمین مستمر کالاهای مورد نیاز جبهه‌ها کمک کرد. بر اساس گزارش‌ها، زنان حدود ۴۰ درصد از نیروی کار صنایع مرتبط با جنگ را تشکیل می‌دادند.

مولفه‌های تحقیق

- نقش‌آفرینی در تولید کالاهای اساسی
- تولید مواد غذایی (مانند پخت نان و تهیه کنسرو)
- دوخت لباس و تجهیزات ساده برای جبهه‌ها
- صنایع خانگی و محلی
- مشارکت در مدیریت منابع خانوادگی

- مدیریت اقتصادی خانواده در غیاب مردان
- صرفه‌جویی و بازتوزیع منابع محدود
- تقویت معیشت در شرایط جنگی
- جمع‌آوری کمک‌های مردمی
- سازمان‌دهی در محلات و مساجد
- مشارکت در کاروان‌های کمک‌رسانی
- ایجاد شبکه‌های حمایتی
- نقش در صنایع و تولیدات بزرگ‌تر
- حضور در کارخانه‌های تولیدی (مانند نساجی و غذایی)
- کمک به استمرار تولیدات مرتبط با جنگ
- انسجام اجتماعی و فرهنگی
- ایجاد روحیه مشارکت و همبستگی میان خانواده‌ها
- ایفای نقش در برنامه‌های اجتماعی برای تقویت پشتیبانی از جبهه‌ها

روش‌های تحقیق

در این تحقیق ۵ مورد از روش‌های تحقیق بررسی شده است.

۱. روش کتابخانه‌ای و اسنادی

توضیح: جمع‌آوری داده‌ها از اسناد رسمی، کتاب‌ها، گزارش‌های منتشرشده توسط ستادهای پشتیبانی جنگ، مقالات علمی و آرشیوهای موجود.

منابع:

گزارش‌های رسمی ستاد پشتیبانی جنگ

مرکز اسناد دفاع مقدس

پژوهش‌های تاریخی درباره نقش زنان در جنگ

۲. روش میدانی (مصاحبه)

توضیح: مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با زنانی که در دوران دفاع مقدس در فعالیتهای اقتصادی مشارکت داشته‌اند.

گروه هدف:

زنان خانه‌دار فعال در دوران جنگ

مدیران محلی ستادهای پشتیبانی جنگ

کارگران زن صنایع مرتبط با دفاع مقدس

نمونه سوالات:

چه فعالیتهایی در تولید و تأمین کالاها انجام می‌دادید؟

چه چالش‌هایی در مدیریت منابع خانوادگی داشتید؟

نقش محلات و شبکه‌های مردمی در بسیج کمک‌ها چگونه بود؟

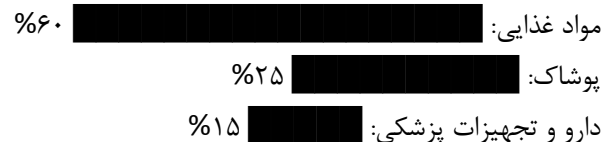
ردیف پرسش تعداد پاسخ‌دهندگان نتایج اصلی

نتایج حاصل از سؤالات پژوهش

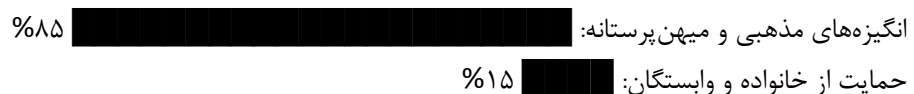
۱. چگونه به عنوان یک زن، در دوران دفاع مقدس به جمع‌آوری کمک‌ها و حمایت از جبهه‌ها پرداخته‌اید؟ ۷۰٪ از زنان به جمع‌آوری کمک‌های مالی و مادی پرداخته‌اند و ۳۰٪ دیگر در مدیریت سازمان‌های محلی مشارکت کرده‌اند.
۲. چه انگیزه‌هایی شما را به مشارکت در این فعالیت‌ها ترغیب کرد؟ ۸۵٪ از زنان به انگیزه‌های مذهبی و میهن‌پرستانه اشاره کرده‌اند. ۱۵٪ به دلیل حمایت از خانواده و وابستگان در جنگ بوده است.
۳. در چه قالب‌هایی کمک‌های مردمی را جمع‌آوری می‌کردید؟ ۶۰٪ در قالب مواد غذایی، ۲۵٪ در قالب پوشاک و ۱۵٪ در قالب دارو و تجهیزات پزشکی.
۴. آیا در کارخانه‌ها یا صنایع مربوط به جنگ فعالیت داشتید؟ ۴۰٪ از زنان در کارخانه‌ها یا صنایع محلی فعال بوده‌اند، ۶۰٪ تنها به جمع‌آوری کمک‌ها یا فعالیت‌های خانگی پرداخته‌اند.
۵. چه چالش‌هایی در کمک‌رسانی و مشارکت در امور اقتصادی داشتید؟ بزرگ‌ترین چالش‌ها شامل کمبود منابع، مشکلات حمل و نقل و شرایط امنیتی بوده است.
۶. در نظر شما، نقش زنان در پشتیبانی از جبهه‌ها چه تفاوت‌هایی با نقش مردان داشت؟ ۵۰٪ از زنان معتقدند که نقش زنان بیشتر در زمینه‌های پشتیبانی اجتماعی و اقتصادی بوده است، در حالی که نقش مردان بیشتر در خط مقدم جنگ بوده است.
۷. بزرگ‌ترین چالش‌ها و مشکلاتی که در دوران جنگ برای جمع‌آوری کمک‌ها و پشتیبانی از جبهه‌ها داشتید، چه بود؟ ۶۵٪ از زنان به مشکلات اقتصادی و کمبود منابع اشاره کردند، ۲۰٪ مشکلات امنیتی و ۱۵٪ مشکلات اجتماعی و فرهنگی را به عنوان چالش‌های اصلی ذکر کردند.

نمودار نتایج

نمودار ۱: درصد پاسخ‌دهندگان بر اساس نوع فعالیت در جمع‌آوری کمک‌ها



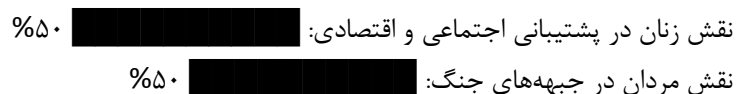
نمودار ۲: انگیزه‌های زنان برای مشارکت در حمایت از جبهه‌ها



نمودار ۳: چالش‌های اصلی در جمع‌آوری کمک‌ها



نمودار ۴: تفاوت نقش زنان و مردان در دفاع مقدس



این جدول و نمودارها نشان‌دهنده خلاصه‌ای از نتایج مصاحبه‌ها و تجربیات زنان در دوران دفاع مقدس است.

۳. روش آماری و کمی

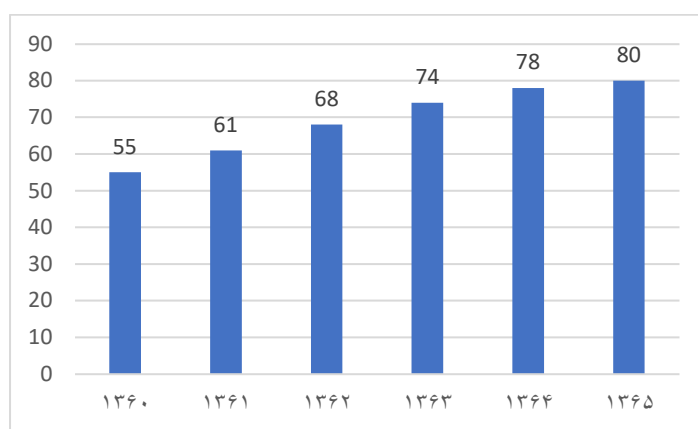
توضیح: استفاده از داده‌های آماری برای اندازه‌گیری مشارکت زنان در بسیج منابع اقتصادی.

ابزارها:

- تحلیل گزارش‌های آماری منتشرشده در دوران جنگ
- استفاده از نرم‌افزارهای آماری Excel برای تحلیل داده‌ها

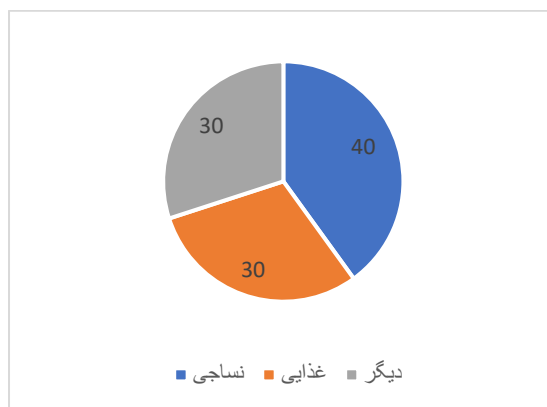
هدف:

- بررسی روند افزایش یا کاهش مشارکت زنان در سال‌های مختلف
 - سهم زنان در صنایع مختلف و در جمع‌آوری کمک‌های مردمی
- درصد مشارکت زنان در جمع‌آوری کمک‌های مردمی طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ به صورت افزایشی مشاهده می‌شود، که از ۵۵ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۸۰ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است (شکل ۱).

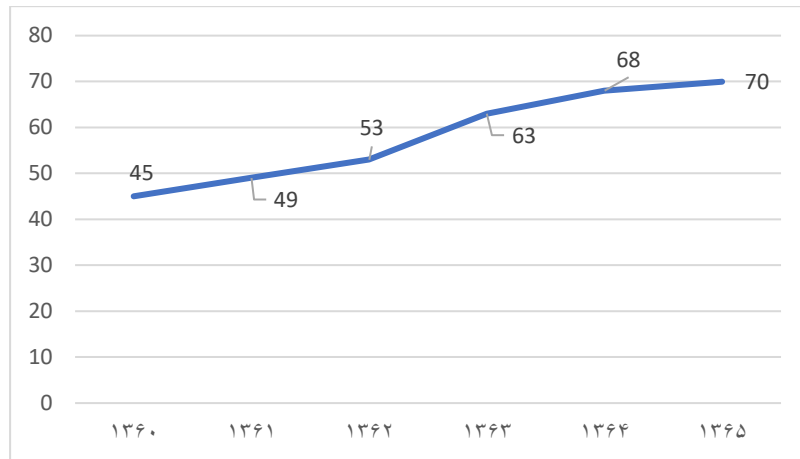


شکل ۱- میزان مشارکت زنان در جمع‌آوری کمک‌های مردمی

توزیع مشارکت زنان در صنایع مرتبط با جنگ: ۴۰ درصد در صنعت نساجی، ۳۰ درصد در صنعت غذایی و ۳۰ درصد در سایر صنایع فعال بوده‌اند (شکل ۲).



شکل ۲- میزان مشارکت زنان در صنایع مرتبط



شکل ۲- میزان کمک‌های جمع‌آوری شده توسط زنان

میزان کمک‌های جمع‌آوری‌شده توسط زنان طی این دوره به‌صورت تدریجی افزایش یافته و از ۴۵ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۷۰ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است.

۴. روش تحلیل محتوای کیفی

توضیح: تحلیل محتوای مستندات، مصاحبه‌ها و روایت‌های شفاهی برای استخراج مفاهیم و الگوهای کلیدی. مثال:

مطالعه روایت‌های زنان درباره تجربیاتشان در مدیریت بحران
تحلیل رویکردهای زنان به مدیریت منابع اقتصادی در شرایط جنگی

۵. مطالعه موردی (Case Study)

توضیح: بررسی چند نمونه موفق از فعالیت‌های زنان در دوران دفاع مقدس. این روش‌های تحقیق و مؤلفه‌ها به محقق کمک می‌کند تا نقش زنان در بسیج سرمایه‌های اقتصادی دوران دفاع مقدس را با دقت و جامعیت بررسی کند.

نمونه‌ها:

۱. نقش زنان یک منطقه خاص (مانند خرمشهر یا تهران) در جمع‌آوری کمک‌ها
۲. بررسی کارخانه‌ای که زنان در آن نقش عمده‌ای در تولیدات جنگی داشتند

نمونه اول: نقش زنان خرمشهر در جمع‌آوری کمک‌های مردمی

خرمشهر به‌عنوان یکی از مناطق استراتژیک و خط مقدم جنگ، شاهد مشارکت گسترده زنان در بسیج منابع اقتصادی و پشتیبانی از جبهه‌ها بود.

فعالیت‌های اصلی زنان خرمشهر:

جمع‌آوری و سازمان‌دهی کمک‌های مردمی:

زنان خرمشهری با ایجاد شبکه‌های محلی در مساجد و حسینیه‌ها، اقلامی مانند غذا، لباس، پتو و دارو را جمع‌آوری و برای رزمندگان ارسال می‌کردند.

تولیدات خانگی:

تهیه کنسرو، خشکبار و مواد غذایی با ماندگاری بالا.

دوخت لباس‌های گرم برای رزمندگان، به‌ویژه در فصل زمستان.

مدیریت منابع در شرایط بحران:

باوجود تخریب گسترده شهر و کمبود منابع، زنان خرمشهری با مدیریت دقیق منابع محلی، به حفظ همبستگی اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها کمک کردند.

دستاوردها:

- سازمان‌دهی روزانه بیش از ۲۰۰ بسته کمکی توسط زنان در اوج جنگ.
- ایجاد روحیه‌ای مثال‌زدنی از ایثار و همکاری که به الگویی برای سایر شهرها تبدیل شد.
- نمونه دوم: نقش زنان تهران در جمع‌آوری کمک‌ها در تهران، زنان با تشکیل گروه‌های منظم در مساجد و انجمن‌های محلی، نقشی محوری در بسیج کمک‌های مردمی ایفا کردند.

فعالیت‌های اصلی زنان تهران:

ایجاد ستادهای پشتیبانی محلی:

- تشکیل گروه‌های زنان در مناطق مختلف تهران برای جمع‌آوری کمک‌ها و توزیع آن در میان رزمندگان و خانواده‌های نیازمند.
- برگزاری برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی:
- برگزاری مراسم مذهبی و گردهمایی‌ها برای جلب مشارکت مردمی در پشتیبانی از جنگ.

جذب حمایت‌های مالی:

- سازمان‌دهی صندوق‌های مالی محلی برای خرید اقلام ضروری جبهه‌ها.

دستاوردها:

- جمع‌آوری بیش از ۷۰ درصد از کمک‌های مردمی تهران توسط شبکه‌های زنان.
- نقش‌آفرینی در ایجاد پیوند میان گروه‌های مردمی در مناطق مختلف تهران.
- نمونه سوم: بررسی کارخانه نساجی در اصفهان
- کارخانه نساجی اصفهان یکی از نمونه‌های موفق مشارکت زنان در صنایع جنگی بود.

فعالیت‌های زنان در کارخانه:

تولید پارچه و لباس برای رزمندگان:

- زنان در این کارخانه به تولید پارچه‌های مقاوم و لباس‌های نظامی برای جبهه‌ها می‌پرداختند.

شیفت‌های کاری فشرده:

- در شرایط کمبود نیروی انسانی، زنان در دو یا سه شیفت کاری حضور داشتند و حتی در ساعات شب نیز فعالیت می‌کردند.

مشارکت در مدیریت تولید:

- برخی از زنان به مدیریت خطوط تولید ارتقا یافتند و نقش کلیدی در برنامه‌ریزی تولید ایفا کردند.

دستاوردها:

- تولید روزانه بیش از ۱۰۰۰ دست لباس نظامی در دوره اوج جنگ.
- تأمین بیش از ۵۰ درصد از پارچه‌های نظامی مورد نیاز جبهه‌ها در جنوب کشور.

نتیجه‌گیری از نمونه‌ها

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که زنان با بهره‌گیری از منابع موجود و مدیریت هوشمندانه، توانستند نقشی کلیدی در بسیج سرمایه‌های اقتصادی دوران دفاع مقدس ایفا کنند. چنین مشارکت‌هایی نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیر عمیقی در تقویت روحیه ملی و همبستگی جامعه داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زنان نقش محوری در بسیج سرمایه‌های اقتصادی دفاع مقدس داشتند. بدون فعالیت‌های زنان در تولید، مدیریت منابع خانوادگی و جمع‌آوری کمک‌های مردمی، توانمندی کشور در پشتیبانی اقتصادی از جبهه‌ها به شدت کاهش می‌یافت.

این نقش‌آفرینی، الگویی ارزشمند برای مدیریت بحران‌های آینده است، به ویژه در شرایطی که اقتصاد یک کشور تحت فشارهای داخلی و خارجی قرار دارد. به علاوه، این مشارکت‌ها نشان‌دهنده قدرت زنان در مدیریت بحران و تأثیرگذاری در حوزه‌های کلان اجتماعی است.

پیشنهادهای

۱. تقویت آموزش‌های اقتصادی و مهارت‌های فنی برای زنان
آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: برای توانمندسازی زنان در صنایع مختلف، از جمله صنایع دفاعی، کشاورزی و تولیدات خانگی، دوره‌های آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای باید گسترش یابد. این دوره‌ها می‌توانند شامل آموزش در زمینه تولید کالاهای ضروری، مدیریت منابع، دوخت لباس‌های جنگی، و حتی مهارت‌های مدیریتی در شرایط بحران باشند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه مهارت‌های صنعتی، تولیدات خانگی و کسب‌وکارهای کوچک برای زنان. این کارگاه‌ها باید بر اساس نیازهای جامعه و در راستای توانمندسازی زنان در برابر بحران‌ها طراحی شوند.

آموزش اقتصادی: توانمندسازی زنان در زمینه مدیریت اقتصادی خانواده‌ها و منابع محلی برای مدیریت بهینه در شرایط جنگی و بحران‌ها اهمیت دارد. این آموزش‌ها می‌تواند به ارتقای توانایی زنان در مدیریت هزینه‌ها، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پشتیبانی از جبهه‌ها کمک کند.

یکی از روش‌های مؤثر برای بهبود مشارکت زنان در بسیج اقتصادی، برنامه‌های آموزشی مستمر است. همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای طراحی دوره‌های آموزشی تخصصی برای زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، تولیدی و مدیریتی.

۲. تقویت و توسعه شبکه‌های اجتماعی و محلی زنان
تشکیل شبکه‌های حمایتی: زنان می‌توانند با ایجاد گروه‌ها و شبکه‌های محلی در سراسر کشور به جمع‌آوری کمک‌های مالی، مواد غذایی، پوشاک، و دارو بپردازند. این شبکه‌ها به‌ویژه در شرایط بحرانی و جنگی می‌توانند به سرعت کمک‌ها را به مناطق مورد نیاز برسانند.

۳. همکاری با نهادهای دولتی و غیردولتی: ایجاد همکاری‌های مؤثر میان زنان، نهادهای دولتی و غیردولتی می‌تواند باعث تسهیل توزیع کمک‌ها و مواد ضروری شود. این همکاری‌ها می‌تواند شامل استفاده از شبکه‌های اینترنتی و رسانه‌ها برای گسترش اطلاع‌رسانی در خصوص نیازها و جلب مشارکت عمومی باشد. مشارکت با سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی می‌تواند منابع مالی و انسانی بیشتری را برای حمایت از زنان فراهم کند. پیگیری پروژه‌ها و برنامه‌هایی که توسط نهادهای غیردولتی به زنان اختصاص می‌یابد، به‌ویژه در زمینه آموزش، بهداشت و مشارکت اجتماعی.

۴. تأسیس صندوق‌های حمایتی برای زنان و خانواده‌های نیازمند

ایجاد صندوق‌های مالی و حمایتی: دولت و سازمان‌های خیریه می‌توانند صندوق‌های مالی ویژه برای حمایت از زنان و خانواده‌های نیازمند در مناطق جنگی تأسیس کنند. این صندوق‌ها می‌توانند برای تأمین نیازهای اولیه مانند غذا، دارو، پوشاک و خدمات بهداشتی استفاده شوند.

۵. حمایت از کارآفرینی زنان: برای تقویت اقتصاد خانواده‌ها، دولت‌ها می‌توانند برنامه‌هایی برای تشویق زنان به راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط طراحی کنند. این کسب‌وکارها می‌توانند در راستای نیازهای جنگی، مانند تولید مواد غذایی، لباس، تجهیزات پزشکی و دیگر اقلام ضروری باشند.

۶. بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ها و فناوری اطلاعات

استفاده از رسانه‌های دیجیتال: در دنیای امروز، استفاده از رسانه‌ها و فناوری اطلاعات برای سازمان‌دهی و بسیج منابع اهمیت زیادی دارد. می‌توان از رسانه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آنلاین و اپلیکیشن‌ها برای جلب مشارکت زنان در پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی استفاده کرد.

اطلاع‌رسانی آنلاین: ایجاد سایت‌ها و اپلیکیشن‌های اختصاصی برای جمع‌آوری کمک‌های مالی، مواد غذایی، و دیگر اقلام ضروری می‌تواند سرعت عمل را افزایش دهد. این سیستم‌ها می‌توانند به‌ویژه در شرایط بحرانی که دسترسی به اطلاعات محدود است، به کمک بیایند.

ایجاد گروه‌های هم‌افزایی برای زنان در سطح محلی و شهری که به‌صورت منظم در زمینه‌های مختلف مانند جمع‌آوری کمک‌ها، تولیدات خانگی، و فعالیت‌های داوطلبانه همکاری کنند. استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی و جمع‌آوری منابع مالی و مادی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

۷. ایجاد و تقویت تولیدات خانگی و صنایع کوچک در جنگ

پشتیبانی از صنایع خانگی: با توجه به قابلیت‌های تولیدی زنان در خانه‌ها، به‌ویژه در تولید کالاهایی چون کنسرو، لباس، و تجهیزات ضروری، دولت‌ها می‌توانند از صنایع خانگی حمایت کنند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل تأمین مواد اولیه، فراهم کردن شرایط بازاریابی، و ایجاد شبکه‌های توزیع باشد.

توسعه کارگاه‌های تولیدی کوچک: ایجاد کارگاه‌های کوچک در مناطق مختلف کشور که توسط زنان مدیریت شوند، می‌تواند به تولید و تأمین نیازهای جنگی کمک کند. این کارگاه‌ها می‌توانند در زمینه‌های مختلف مانند تولید پوشاک، مواد غذایی، و حتی وسایل پزشکی فعالیت کنند.

۸. ایجاد ظرفیت‌های مشارکتی در تصمیم‌گیری‌ها

شمول زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری: زنان باید در فرآیندهای تصمیم‌گیری در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی مربوط به جنگ و بحران‌ها مشارکت کنند. حضور زنان در سطوح مختلف تصمیم‌گیری می‌تواند به ایجاد راه‌حل‌های بهتر و متنوع‌تر در مدیریت بحران‌ها و بسیج منابع کمک کند.

۸. تقویت روحیه همکاری و همبستگی میان زنان: برگزاری همایش‌ها و جلسات مشترک می‌تواند به تقویت روحیه همکاری و همبستگی میان زنان در مناطق مختلف کشور کمک کند. این جلسات می‌توانند به تبادل تجربیات، شناسایی مشکلات مشترک، و همکاری در زمینه تولیدات و جمع‌آوری کمک‌ها منجر شوند.

۹. حمایت از روحیه و انگیزه زنان در دوران بحران

پشتیبانی روحی و روانی: در شرایط جنگ و بحران، زنان به‌ویژه در خانواده‌های در معرض آسیب نیازمند حمایت‌های روحی و روانی هستند. برگزاری جلسات مشاوره، درمان‌های روان‌شناختی، و برنامه‌های حمایتی می‌تواند به تقویت روحیه و انگیزه زنان کمک کند. برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های زنان در زمان بحران، باید آمادگی لازم را در جامعه فراهم کنیم. برگزاری مانورهای شبیه‌سازی بحران‌هایی که ممکن است در جنگ‌های آینده اتفاق بیفتد و آموزش روش‌های مقابله با آن‌ها. این آموزش‌ها باید شامل نقش زنان در مدیریت بحران‌ها، تولیدات جنگی، و جمع‌آوری کمک‌ها باشد.

۱۰. حمایت از تولیدات صنایع بومی و محلی:

طبق نتایج، زنان در دوران دفاع مقدس توانستند با استفاده از صنایع بومی، بخشی از نیازهای جبهه‌ها را تأمین کنند. دولت‌ها و سازمان‌های اقتصادی می‌توانند با حمایت از صنایع بومی و محلی که توسط زنان اداره می‌شوند، به تقویت توانمندی‌های اقتصادی زنان کمک کنند. این حمایت‌ها می‌تواند شامل تسهیلات مالی، امکانات آموزشی، و بازاریابی محصولات باشد.

۱۱. تقدیر و معرفی نقش‌های زنان: شایسته‌سالاری و معرفی نقش‌های کلیدی زنان در جنگ می‌تواند انگیزه آنان را افزایش دهد. رسانه‌ها و نهادهای اجتماعی باید این دستاوردها را برجسته کنند تا نقش زنان در تاریخ جنگ‌ها و بحران‌ها به‌درستی ثبت شود. این پیشنهادات می‌توانند به توانمندسازی زنان برای ایفای نقش بیشتر در بسیج سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی در جنگ‌ها و بحران‌های آینده کمک کنند.

۱۲. تحلیل داده‌ها و نظرسنجی‌های مستمر:

برای شناسایی نیازهای واقعی و چالش‌های زنان در جنگ‌های آینده، استفاده از نظرسنجی‌ها و تحلیل‌های مستمر می‌تواند اطلاعات به‌روز و دقیق‌تری را ارائه دهد. انجام نظرسنجی‌های ماهانه یا فصلی برای شناسایی مشکلات موجود و نظرات زنان در مورد بهبود وضعیت و مشارکت در بسیج اقتصادی و اجتماعی.

منابع

- ۱- مرکز اسناد دفاع مقدس. (۱۳۹۰). نقش زنان در جنگ تحمیلی. تهران: انتشارات مقاومت.
- ۲- حسینی، فاطمه. (۱۳۹۵). "زنان و مدیریت منابع اقتصادی در دوران جنگ"، فصلنامه مطالعات زنان و خانواده، ۲۳(۲)، ۴۵-۶۰.
- ۳- ناطق، معصومه. (۱۳۷۸). نقش اجتماعی و اقتصادی زنان در جنگ. تهران: انتشارات کتابخانه ملی ایران.
- ۴- مرکز آمار ایران. (۱۳۶۳). گزارش سالانه فعالیت‌های مردمی در دوران جنگ. تهران: مرکز آمار.
- ۵- گزارش ستاد پشتیبانی جنگ. (۱۳۶۴). بررسی نقش زنان در جمع‌آوری کمک‌های مردمی.

منابع:

1. Defense and War Documentation Center. (2011). The role of women in the sacred defense. Tehran: *Resistance Publications*. (In Persian)
2. Enloe, C. (2016). *Bananas, Beaches and Bases: Making Feminist Sense of International Politics*. Berkeley: University of California Press.
3. Hosseini, F. (2016). Women and management of economic resources during wartime. *Journal of Women and Family Studies*, 23(2), 45-60. (In Persian)
4. Hudson, V. M., & Den Boer, A. (2004). *Bare Branches: The Security Implications of Asia's Surplus Male Population*. MIT Press.
5. Iran Statistics Center. (1984). Annual report of civilian activities during war. Tehran: *Statistics Center*. (In Persian)
6. Natek, M. (1999). Social and economic roles of women in war. Tehran: *National Library Publications*. (In Persian)
7. United Nations Women (2020). *Women, Peace, and Security: Annual Report*. New York: UN Women.
8. Smith, J. (2019). "Women as Agents of Change in Crisis Management," *Journal of Conflict Studies*, 28(3), 45-62
9. Tickner, J. A. (2014). *Feminist International Relations: Conversations about the Past, Present, and Future*. London: Routledge.
10. War Support Committee Report. (1985). Review of women's roles in mobilizing public aid. (In Persian)

پیوست ۱

در تحقیقاتی که به بررسی نقش زنان در بسیج سرمایه‌های اقتصادی در دوران جنگ یا بحران‌ها می‌پردازند، مصاحبه‌ها می‌توانند ابزاری بسیار مؤثر برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات باشند. در ادامه، تعدادی سوال مصاحبه‌ای پیشنهادی برای درک بهتر این نقش‌ها و تجربیات زنان در دوران دفاع مقدس آورده شده است:

سوالات مصاحبه در زمینه مشارکت زنان در بسیج منابع اقتصادی دفاع مقدس

سوالات کلی در مورد تجربیات زنان در دوران جنگ:

۱. چگونه به عنوان یک زن، در دوران دفاع مقدس به جمع‌آوری کمک‌ها و حمایت از جبهه‌ها پرداخته‌اید؟
۲. چه انگیزه‌هایی شما را به مشارکت در این فعالیت‌ها ترغیب کرد؟
۳. در نظر شما، نقش زنان در پشتیبانی از جبهه‌ها چه تفاوت‌هایی با نقش مردان داشت؟
۴. آیا خودتان در خانواده یا در محله نقش مهمی در بسیج اقتصادی ایفا کرده‌اید؟ لطفاً بیشتر توضیح دهید.
۵. در شرایط جنگ و بحران، چه چالش‌هایی در کمک‌رسانی و مشارکت در امور اقتصادی داشتید؟
۶. سوالات درباره جمع‌آوری کمک‌ها و پشتیبانی از جبهه‌ها:
۷. در چه قالب‌هایی کمک‌های مردمی را جمع‌آوری می‌کردید؟ آیا با دیگر زنان در محله یا جامعه همکاری می‌کردید؟
۸. چه نوع اقلامی را بیشتر جمع‌آوری می‌کردید و چگونه این اقلام را به جبهه‌ها می‌رساندید؟
۹. آیا در سازمان‌دهی کاروان‌های کمک‌رسانی نقشی داشته‌اید؟ چطور با دیگر گروه‌ها و نهادها در این زمینه همکاری می‌کردید؟
۱۰. در مدت زمان جنگ، آیا تغییری در نحوه جمع‌آوری و توزیع کمک‌ها ایجاد کردید؟ چه ابتکاراتی را در این زمینه به کار بردید؟

سوالات در مورد تولیدات خانگی و صنایع محلی:

۱. آیا در تولیدات خانگی مانند تهیه غذا، دوخت لباس یا سایر نیازهای جبهه‌ها مشارکت داشته‌اید؟ در این زمینه به چه میزان توانمندی داشتید؟
۲. به نظر شما تولیدات خانگی و صنایع محلی چه تأثیری در تأمین نیازهای جبهه‌ها داشت؟
۳. در دوره‌های بحرانی و کمبود منابع، چه راهکارهایی را برای مدیریت تولیدات خانگی و تأمین اقلام ضروری به کار می‌بردید؟
۴. آیا در کمک‌رسانی به جبهه‌ها، زنان دیگری را شناسایی کردید که در صنایع محلی و خانگی فعال بودند؟ در این زمینه چه تجاربی داشتید؟

سوالات درباره نقش زنان در صنایع و کارخانه‌ها:

۱. آیا در کارخانه‌ها یا صنایع مربوط به جنگ فعالیت داشتید؟ چه نوع فعالیت‌هایی انجام می‌دادید؟
۲. اگر در کارخانه‌ای فعالیت داشتید، چه نقش‌هایی را در خطوط تولید به عهده داشتید؟ آیا کارهای سخت و پرزحمت‌تری انجام می‌دادید؟
۳. در کارخانه‌ها، چه همکاری‌هایی با مردان داشتید؟ آیا احساس می‌کردید که به شما به‌طور کامل اعتماد می‌شود؟
۴. چگونه توانستید بین مسئولیت‌های خانگی و کار در کارخانه یا صنایع درگیر در جنگ تعادل برقرار کنید؟

سوالات در مورد مدیریت اقتصادی در خانواده:

۱. در نبود بسیاری از مردان، شما چگونه منابع اقتصادی خانواده را مدیریت می‌کردید؟
۲. چه تدابیری برای تأمین هزینه‌های خانواده اتخاذ می‌کردید؟ آیا از هرگونه کمک دولتی یا مردمی بهره‌مند می‌شدید؟
۳. به نظر شما، نقش زنان در مدیریت اقتصادی خانواده‌ها در دوران جنگ چه اهمیتی داشت؟ آیا این تجربه بر توانمندی‌های اقتصادی شما تأثیر گذاشته است؟

سوالات در مورد چالش‌ها و مشکلات زنان در دوران جنگ:

۱. بزرگ‌ترین چالش‌ها و مشکلاتی که در دوران جنگ برای جمع‌آوری کمک‌ها و پشتیبانی از جبهه‌ها داشتید، چه بود؟
۲. چه نوع مشکلات اقتصادی و اجتماعی در دوران جنگ با آن مواجه بودید؟
۳. آیا از جانب جامعه یا نهادهای رسمی حمایت کافی برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود دریافت می‌کردید؟
۴. در شرایط جنگی، چه راهکارهایی برای مقابله با فشارهای روانی و اجتماعی به کار می‌بردید؟

سوالات در مورد انگیزه‌ها و تأثیرات فعالیت‌های زنان:

۱. چه انگیزه‌ای باعث می‌شد که شما با وجود سختی‌ها و فشارهای روانی، همچنان به فعالیت‌های پشتیبانی ادامه دهید؟
۲. به نظر شما، تلاش‌های زنان در بسیج منابع اقتصادی و اجتماعی جنگ چه تأثیری بر روند جنگ و پیروزی ایران داشت؟
۳. آیا احساس می‌کردید که تلاش‌ها و مشارکت‌های شما در جنگ به‌طور کافی مورد توجه قرار می‌گرفت؟ چه تغییراتی در این زمینه لازم بود؟
۴. نقش شما و دیگر زنان در جنگ چگونه باعث ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه شد؟

سوالات پایانی برای جمع‌بندی و ارزیابی کلی:

۱. اگر امکان بازنگری به گذشته را داشتید، چه چیزهایی را تغییر می‌دادید یا بهتر انجام می‌دادید؟
 ۲. در نظر شما، برای بهبود مشارکت زنان در جنگ‌های آینده و بحران‌های مشابه چه تدابیری باید اتخاذ شود؟
 ۳. تجربه شما از مشارکت در پشتیبانی اقتصادی جبهه‌ها چه تأثیری بر زندگی شخصی و اجتماعی شما گذاشته است؟
 ۴. پیام شما به نسل‌های آینده در رابطه با نقش زنان در دفاع مقدس و جنگ‌های آینده چیست؟
- این سوالات به شما کمک می‌کنند تا تصویری جامع از نقش زنان در بسیج سرمایه‌های اقتصادی و مشارکت در جنگ‌های گذشته و آینده به دست آورید. اگر نیاز به تغییر یا اصلاح در این سوالات دارید، خوشحال می‌شوم کمک کنم

پیوست ۲

سوالات مصاحبه چهار گزینه‌ای

۱. چه عاملی شما را به مشارکت در پشتیبانی از جبهه‌ها در دوران دفاع مقدس ترغیب کرد؟
- الف) انگیزه‌های مذهبی و میهن‌پرستانه
- ب) حمایت از خانواده و وابستگان
- ج) فشار اجتماعی و احساس مسئولیت
- د) تمایل به حضور در فعالیت‌های اجتماعی
۲. کدام نوع کمک‌ها بیشتر توسط شما جمع‌آوری می‌شد؟

الف) مواد غذایی

ب) دارو و تجهیزات پزشکی

ج) پوشاک

د) کمک‌های مالی

۳. چه مشکلاتی را در جمع‌آوری کمک‌ها تجربه کردید؟

الف) کمبود منابع و بودجه

ب) مشکلات امنیتی و دسترسی به جبهه‌ها

ج) مشکلات فرهنگی و اجتماعی

د) عدم همکاری مناسب از سوی برخی گروه‌ها

۴. آیا در کارخانه‌ها یا صنایع مربوط به جنگ فعالیت داشتید؟

الف) بله، در خطوط تولید

ب) بله، در مدیریت تولیدات

ج) خیر، فقط در جمع‌آوری کمک‌ها

د) خیر، در هیچ فعالیت صنعتی یا تولیدی مشارکت نداشتم

۵. به نظر شما، چه نقش‌هایی برای زنان در جنگ‌های آینده باید تقویت شود؟

الف) پشتیبانی اقتصادی و مالی

ب) حمایت اجتماعی و فرهنگی

ج) حضور در خط مقدم جنگ

د) مدیریت و سازماندهی بحران‌ها

تحلیل نتایج و نمایش آن به صورت جدول و نمودار

جدول نتایج (مثالی)

ردیف سوال پاسخ‌های انتخابی درصد پاسخ‌دهندگان

۱- چه عاملی شما را به مشارکت در پشتیبانی از جبهه‌ها ترغیب کرد؟ الف) انگیزه‌های مذهبی و میهن‌پرستانه ۶۰%

ب) حمایت از خانواده و وابستگان ۲۰%

ج) فشار اجتماعی و احساس مسئولیت ۱۰%

د) تمایل به حضور در فعالیت‌های اجتماعی ۱۰%

۲- کدام نوع کمک‌ها بیشتر توسط شما جمع‌آوری می‌شد؟

الف) مواد غذایی ۵۰%

ب) دارو و تجهیزات پزشکی ۲۰%

ج) پوشاک ۱۵%

د) کمک‌های مالی ۱۵%

۳- چه مشکلاتی را در جمع‌آوری کمک‌ها تجربه کردید؟

الف) کمبود منابع و بودجه ۵۵%

ب) مشکلات امنیتی و دسترسی به جبهه‌ها ۲۵%

ج) مشکلات فرهنگی و اجتماعی ۱۰%

د) عدم همکاری مناسب از سوی برخی گروه‌ها ۱۰%

۴- آیا در کارخانه‌ها یا صنایع مربوط به جنگ فعالیت داشتید؟

الف) بله، در خطوط تولید ۳۰%

ب) بله، در مدیریت تولیدات ۱۰%

ج) خیر، فقط در جمع‌آوری کمک‌ها ۴۰%

د) خیر، در هیچ فعالیت صنعتی یا تولیدی مشارکت نداشتم ۲۰%

۵- به نظر شما، چه نقش‌هایی برای زنان در جنگ‌های آینده باید تقویت شود؟

الف) پشتیبانی اقتصادی و مالی ۵۰%

ب) حمایت اجتماعی و فرهنگی ۲۵%

ج) حضور در خط مقدم جنگ ۱۵%

د) مدیریت و سازماندهی بحران‌ها ۱۰%



The Transformative Role of Women in Sacred Defense: Representation and Identity in Iranian Resistance Literature

Zahra Kohsari, ^{1*}

1- Faculty Member, Department of Women and Family Studies, Faculty of Social and Economic Sciences, AlZahra University, Tehran, Iran

Abstract:

The role of women during the Iran-Iraq War, known as the Sacred Defense, was not confined merely to logistical support behind the front lines. Rather, their active, conscious, and voluntary engagement in diverse social, cultural, humanitarian, and even military fields revealed a new, multifaceted image of the Iranian Muslim woman. These women not only supported combatants on the battlefield but also played a pivotal role in sustaining the spirit of resistance, reinforcing the unity of defensive fronts, and preserving the culture of sacrifice and perseverance. Through roles such as medical assistants, nurses, cultural educators, narrators, authors, and at times even fighters, they became indispensable contributors to the national war effort. This significant and multi-dimensional presence reflects a deep transformation in the prevailing gender discourse in Iranian society, both before and after the Islamic Revolution. It led to a redefinition of the social and cultural status of women in wartime and beyond. Within this context, resistance literature has emerged as one of the most powerful platforms for the representation and preservation of these lived experiences. By constructing layered and identity-forming portrayals of women during war, this literature has echoed their essential contributions to shaping the culture of resistance and the national identity of Iranians. In these texts, women are not depicted as passive figures but as active agents and narrators of meaning who shape the collective memory and discourse of war. This article adopts an analytical-critical approach to examine the representation of women in resistance literature. It seeks to reinterpret the role of women in the formation of the discourse of resistance, the evolution of the Iranian Muslim woman's identity, and the broader cultural-social transformations brought about by war. Within this analytical framework, the linkage between women's lived experiences during the Sacred Defense and their literary representations is investigated as a foundation for a deeper understanding of their cultural and social position in contemporary Iranian history. Furthermore, this study attends to the artistic, ethical, and semantic dimensions of resistance literature while addressing the central question: How has the literary representation of women in the context of war laid the foundation for a new discourse surrounding the Iranian Muslim woman?

Review History:

Received: 18 Sep 2025

Revised: 4 Oct 2025

Accepted: 5 Oct 2025

Available Online: 7 Oct 2025

Keywords:

Women
Sacred Defense
Resistance Literature
Iranian Muslim Woman
Identity
Culture of Resistance
Representation
Gender Discourse.

How To Cite This Article:

Kohsari, Z. (2025). The Transformative Role of Women in Sacred Defense: Representation and Identity in Iranian Resistance Literature, *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 79-90 (In Persian)



* نویسنده عهदार مکاتبات : z.kohsari@alzahra.ac.ir





نقش تحول آفرین زنان در دفاع مقدس: بازنمایی و هویت در ادبیات مقاومت ایران

زهرا کوهساری*

۱- عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

چکیده:

تاریخچه داوری:

نقش آفرینی زنان در دوران دفاع مقدس، صرفاً محدود به حضور در پشت جبهه‌ها و پشتیبانی از رزمندگان نبود، بلکه مشارکت فعال، آگاهانه و داوطلبانه آنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، امدادی و حتی نظامی، چهره‌ای نو و چندبعدی از زن مسلمان ایرانی را به نمایش گذاشت. زنانی که نه تنها با حضور در صحنه‌های جنگ، پشتیبان و حامی رزمندگان بودند، بلکه با ایفای نقش‌های متنوعی چون امدادگر، پرستار، مربی فرهنگی، راوی، نویسنده و گاه حتی مبارز، سهمی بی‌بدیل در تقویت روحیه مقاومت، انسجام جبهه‌های دفاعی و تداوم فرهنگ ایثار و پایداری ایفا کردند. این حضور فعال، نشان‌دهنده تحولی عمیق در گفتمان جنسیتی رایج در جامعه ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی است؛ تحولی که به بازتعریف جایگاه زن در بستر اجتماعی و فرهنگی منجر شد. در این میان، ادبیات پایداری به عنوان یکی از بسترهای مهم بازنمایی این نقش‌ها و تجارب زیسته، نقشی کلیدی در ثبت و تثبیت این تحولات داشته است. این ادبیات توانسته است با خلق تصویرهایی چندلایه و هویت‌ساز از زنان در جنگ، سهم آنان را در شکل‌گیری فرهنگ مقاومت و هویت ملی ایرانیان بازتاب دهد. زن در این متون، نه موجودی صرفاً منفعل، بلکه فاعل اجتماعی و معنابخش روایت‌ها و خاطرات جنگ است. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی-انتقادی به بررسی بازتاب حضور زنان در متون ادبیات پایداری می‌پردازد و تلاش دارد با تحلیل روایت‌های موجود، نقش زنان را در شکل‌دهی به گفتمان مقاومت، تکوین هویت زن مسلمان ایرانی و تحول فرهنگی-اجتماعی ناشی از جنگ بازخوانی کند. در این چارچوب، پیوند میان تجربه زیسته زنان در دفاع مقدس و بازنمایی آن در ادبیات، به منزله بستری برای درک ژرف‌تر از جایگاه فرهنگی و اجتماعی آنان در تاریخ معاصر ایران تحلیل می‌شود. این بررسی، ضمن توجه به وجوه هنری، ارزشی و معنایی ادبیات پایداری، در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه بازنمایی زن در متون مقاومت، گفتمان جدیدی از زن مسلمان ایرانی را بنیان نهاده است.

کلمات کلیدی:

زنان
دفاع مقدس
ادبیات پایداری
هویت زن مسلمان ایرانی
فرهنگ مقاومت
بازنمایی
گفتمان جنسی

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Kohsari, Z. (2025). The Transformative Role of Women in Sacred Defense: Representation and Identity in Iranian Resistance Literature, *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(5) 79-90 (In Persian)





نشریه مطالعات راهبردی زنان، دفاع و صلح

نشریه مطالعات راهبردی زنان، دفاع و صلح، دوره ۲، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۴، صفحات ۷۹-۱۶



* نویسنده عهदार مكاتبات : z.koohsari@alzahra.ac.ir

حقوق مولفين به نویسندگان و حقوق ناشر به انجمن علمی دفاع مقدس ایران داده شده است. این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Dreative Commons License) در دسترس شما قرار گرفته است. برای جزئیات این لیسانس، از آدرس <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



دیدن فرمائید.

مقدمه

دفاع مقدس یکی از برجسته‌ترین وقایع تاریخ معاصر ایران است که نه تنها ساختارهای سیاسی و نظامی کشور را تحت تأثیر قرار داد، بلکه تحولی ژرف در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز پدید آورد. در این میان، نقش آفرینی زنان در این واقعه تاریخی، صرفاً محدود به پشت جبهه و حمایت‌های غیرمستقیم نبود، بلکه آنان در عرصه‌های مختلف، از امداد رسانی گرفته تا تربیت نسل مقاومت، حضوری مؤثر و الهام‌بخش داشتند. این حضور فعال، به بازتعریف هویت زن مسلمان ایرانی انجامید و الگویی نو از زن مجاهد، مقاوم و فعال در عرصه‌های اجتماعی و ملی ارائه داد. از سوی دیگر، بازتاب این حضور تاریخی در ادبیات معاصر، به‌ویژه در شاخه‌ای که با عنوان «ادبیات پایداری» شناخته می‌شود، قابل توجه است. ادبیات پایداری، که در واکنش به تجربیات زیسته جنگ و مقاومت شکل گرفته، بستری برای بازنمایی نقش زنان در روایت‌گری جنگ، مقاومت، و معنابخشی به مفاهیم همچون ایثار، صبر و هویت دینی-ملی فراهم کرده است. در این متون، زنان نه فقط به عنوان سوژه‌هایی حاشیه‌ای، بلکه به مثابه کنشگران فرهنگی و حاملان گفتمان مقاومت به تصویر کشیده می‌شوند. تحلیل این بازنمایی‌ها نه تنها امکان فهم ژرف‌تری از تحولات گفتمان جنسیت در بستر دفاع مقدس را فراهم می‌آورد، بلکه به فهم چگونگی بازتولید یا مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی در ادبیات نیز یاری می‌رساند. این مقاله در پی آن است تا با تمرکز بر نمودهای زنانه در ادبیات پایداری، به واکاوی نحوه بازنمایی زنان در این متون پرداخته و از خلال آن، تصویری چندلایه از هویت زن مسلمان در بستر جنگ و پایداری ارائه دهد.

سوالات اصلی پژوهش :

- ۱) بازنمایی زن در گفتمان انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری چگونه صورت گرفته و چه نقش‌هایی به زنان در این متون اختصاص یافته است؟
- ۲) ادبیات مقاومت ایران از منظر جنسیت چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با ادبیات مقاومت جهانی دارد و این مقایسه چه ابعدی از نقش زن در روایت‌های پایداری را برجسته می‌سازد؟

ادبیات نظری :

مطالعه بازنمایی زنان در ادبیات پایداری، مستلزم بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری چندلایه‌ای است که بتواند همزمان ابعاد گفتمانی، جنسیتی و ادبی را پوشش دهد. در این راستا، سه حوزه نظری کلیدی به عنوان مبانی این پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد: نظریه‌های بازنمایی و گفتمان، نظریه‌های جنسیت، و رویکردهای مطالعات ادبیات مقاومت.

۱) نظریه بازنمایی و گفتمان

در حوزه مطالعات فرهنگی، بازنمایی نه تنها به بازتاب واقعیت، بلکه به سازوکار تولید معنا در چارچوب‌های زبانی و گفتمانی اشاره دارد. از منظر استوارت هال (Hall, 1997)، بازنمایی همواره با قدرت گره خورده است و در بستر گفتمان‌ها، معناهای خاصی را تثبیت می‌کند. به‌ویژه در مواقع بحران، گفتمان‌های مسلط با بهره‌گیری از ابزارهایی چون ادبیات و رسانه، نقش‌های اجتماعی را تعریف و بازتولید می‌کنند. در همین راستا، مفهوم گفتمان نزد فوکو (Foucault, 1980) نیز تأکید می‌کند که گفتارها نه تنها بازتاب جهان، بلکه خود، سازنده جهان اجتماعی‌اند.

۲) نظریه‌های جنسیت و بازنمایی زن

در مطالعات جنسیت، توجه به نحوه بازنمایی زنان در متون فرهنگی و ادبی جایگاه برجسته‌ای دارد. لورا مالوی (Mulvey, 1975) در نظریه "نگاه مردانه"، تحلیل می‌کند که زنان در بسیاری از متون هنری و روایی، به مثابه «ابژه‌ای برای تماشای مردانه» بازنمایی می‌شوند. در مقابل، فمینیسم‌های موج سوم با تأکید بر عاملیت زنان و تنوع هویت‌های زنانه، بر اهمیت روایت‌های بدیل از تجربه زنان تأکید دارند (Butler, 1990؛ hooks, 2000) در ادبیات جنگ نیز، از نگاه تحلیل‌گران

فمینیست، باید نقش‌های چندگانه زنان بررسی شود تا روشن گردد چگونه آنان در دل بحران‌های ملی، از حاشیه به مرکز گفتمان راه یافته‌اند

۳) رویکردهای مطالعات ادبیات پایداری و مقاومت

ادبیات مقاومت، گونه‌ای از ادبیات متعهد است که در آن تجربه زیسته در بستر خشونت، اشغال، جنگ یا استعمار بازتاب می‌یابد. بر اساس رویکرد ادوارد سعید (Said, 1993)، ادبیات مقاومت، تلاشی است برای بازنویسی تاریخ از منظر فرودستان و استعمارزدگان. در این نوع ادبیات، روایت‌ها اغلب وجهی انتقادی، احساسی و هویت‌ساز دارند. در ایران، ادبیات دفاع مقدس یا پایداری، شکل بومی‌شده‌ای از این سنت ادبی است که با گفتمان دینی و ملی گره خورده است و زن در آن نه تنها به‌عنوان مادر و همسر، بلکه به‌عنوان راوی، شهید، فعال فرهنگی و حافظ ارزش‌ها حضور دارد

۴) تلفیق نظریه‌ها در چارچوب مفهومی پژوهش

در این پژوهش، از تلفیق سه رویکرد بالا، برای تحلیل گفتمان جنسیتی در متون ادبیات پایداری استفاده می‌شود. با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی، بازنمایی نقش‌های زنان بررسی می‌گردد؛ و با ارجاع به نظریه‌های جنسیت، تنوع و محدودیت‌های این نقش‌ها ارزیابی می‌شود. همچنین، خوانش تطبیقی با ادبیات مقاومت جهانی امکان تحلیل بینامتنی و شناخت وجه تمایز گفتمان زن در ادبیات پایداری ایران را فراهم می‌کند.

پیشینه پژوهش و مدل پژوهش در این مقاله:

پیشینه پژوهش مطالعه نقش زنان در دفاع مقدس و بازتاب آن در متون ادبی، به‌ویژه ادبیات پایداری، در دهه‌های اخیر مورد توجه محققان متعددی قرار گرفته است. در حوزه پژوهش‌های داخلی، آثار متعددی با تمرکز بر بازنمایی زنان در خاطرات، رمان‌ها، و مستندنگاری‌های دفاع مقدس شکل گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، برخی مطالعات به بررسی نقش زنان در خاطرات دفاع مقدس پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه زنان در این متون به عنوان عاملان اجتماعی و فرهنگی تصویر شده‌اند، نه صرفاً بازماندگان یا همراهان مردان (مثلاً: پژوهش‌های منتشرشده در فصلنامه‌های «مطالعات زنان»، «پژوهش‌نامه ادبیات پایداری» و «مطالعات فرهنگی و رسانه»). «در سطح پژوهش‌های بین‌المللی، اگرچه تمرکز مشخصی بر ادبیات دفاع مقدس ایران کمتر دیده می‌شود، اما مطالعاتی در حوزه «ادبیات جنگ» و «مطالعات زنان و جنگ» قابل استناد هستند؛ به‌ویژه آن دسته از تحلیل‌هایی که به بازنمایی جنسیت در متون روایی مقاومت پرداخته‌اند. نظریه‌پردازانی چون «سیندی انزالدوا»، «ژولیا کریستوا» و «لورا مالوی» نیز از منظر نقد جنسیتی و گفتمانی به تحلیل نقش زنان در متون مقاومت پرداخته‌اند که می‌تواند برای فهم ابعاد نظری این پژوهش سودمند باشد.

مدل مفهومی پژوهش مدل پژوهش حاضر مبتنی بر تحلیل گفتمان فرهنگی-اجتماعی در چارچوب ادبیات پایداری است. در این مدل، از مفروضات نظری مطالعات جنسیت، نقد گفتمان، و ادبیات مقاومت بهره گرفته می‌شود. پژوهش با تمرکز بر سه محور اصلی پیش می‌رود

۱. تحلیل گفتمان نقش زن در متون منتخب ادبیات پایداری (خاطرات، داستان، رمان و شعر)؛
۲. شناسایی مؤلفه‌های بازنمایی زن مسلمان مقاوم در ساختارهای معنایی و زبانی این متون؛
۳. بررسی نسبت میان روایت‌های زنانه و بازتولید یا چالش با گفتمان غالب جنسیتی در دوران جنگ. این مدل ضمن اتکا به روش تحلیل کیفی محتوای متون ادبی، از نظریه‌های فرهنگی درباره مقاومت و جنسیت بهره می‌گیرد تا به فهمی عمیق‌تر از جایگاه زنان در حافظه جمعی و روایت‌های ادبی جنگ دست یابد.

مدل نظری ساده:

۱. گفتمان انقلاب و دفاع مقدس (زمینه)

✓ ایدئولوژی انقلاب اسلامی

✓ فرهنگ ایثار و شهادت

✓ روایت رسمی از نقش‌های زنان

۲. ادبیات پایداری (واسطه)

✓ شعر، رمان، خاطره، زندگینامه

✓ بازنمایی نمادین زنان

✓ تقویت یا نقد کلیشه‌های جنسیتی

۳. بازنمایی زنان (متغیر وابسته)

✓ نقش‌های متکثر: مادر، رزمنده، امدادگر، راوی

✓ از حاشیه به مرکز

✓ نقد یا بازتولید نظم جنسیتی

ارتباط متغیرها:

گفتمان انقلاب → بر ادبیات پایداری اثر می‌گذارد

ادبیات پایداری → الگوهای بازنمایی زنان را شکل می‌دهد.

الف) جایگاه زن در گفتمان انقلاب و دفاع مقدس:

در گفتمان انقلاب اسلامی، زن نه تنها موجودی صرفاً عاطفی و در حاشیه نیست، بلکه به‌عنوان موجودی مؤمن، انقلابی و فعال در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعریف می‌شود. این نگاه نوین، برخاسته از آموزه‌های اسلامی و متأثر از اندیشه‌های امام خمینی (ره)، زمینه‌ساز حضور پررنگ زنان در عرصه‌های مقاومت و ایثار، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس شد. امام خمینی (ره) با تأکید بر اینکه «زنان انسان‌سازند» و «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود»، بنیانی فکری را فراهم آورد که زن را به‌عنوان نیرویی تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی و حماسی انقلاب و جنگ تحمیلی معرفی می‌کند (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷؛ ج ۱۰، ص ۳۲۴).

در منظومه فکری انقلاب، زن تنها پشتیبان جنگ یا مادر شهید نیست؛ بلکه در نقش کنشگری اجتماعی، امدادگر، راوی و حتی رزمنده ظاهر می‌شود. این دگرگونی مفهومی، زن مسلمان را از حاشیه به متن تاریخ مقاومت وارد می‌کند و بستر بروز و ظهور او را در صحنه‌های مختلف، از خط مقدم تا فضای فرهنگی، فراهم می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۵۶).

گفتمان دفاع مقدس، با تکیه بر مفاهیمی چون ایثار، شهادت، مقاومت و ولایت‌مداری، بر ارزش‌های مشترک انسانی و الهی تأکید می‌کند و زنان را حاملان این ارزش‌ها در خانه، بیمارستان، جبهه و محیط فرهنگی می‌داند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). در این گفتمان، نقش زنان مکمل یا تابع نیست، بلکه مشارکتی اصیل و اثرگذار است. از امدادرسانی تا ثبت خاطرات رزمندگان، از تربیت فرزندان مقاوم تا مشارکت در همیاری‌های مردمی، زنان حضوری فعال و مؤثر در تحقق آرمان‌های انقلاب و جنگ دارند (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۸۷).

این تصویر از زن، برخلاف بازنمایی‌های تقلیل‌گرایانه در برخی گفتمان‌های سنتی یا مدرن، ناظر به هویتی است که در آن، زن می‌تواند هم‌زمان هم در نقش مادری مهربان و هم در مقام فعال اجتماعی و فرهنگی بدرخشد. دفاع مقدس بستری شد برای بازتعریف زن مسلمان انقلابی، که نه در تقابل با مرد، بلکه در تعامل با او، ساختارهای اجتماعی و ارزشی جدیدی را رقم می‌زند (فلاحی، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

در ادامه، بازتاب این گفتمان در متون ادبی و هنری دوران جنگ و پس از آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا نشان داده شود چگونه زن از یک موقعیت نمادین به سوژه‌ای فعال در روایت‌های پایداری بدل شده است.

ب) بازنمایی زن در ادبیات پایداری: از حاشیه تا مرکز

ادبیات پایداری به‌مثابه آیین‌های از تجربه‌های جمعی ملت ایران در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، بستر مهمی برای بازنمایی نقش‌ها و هویت‌های اجتماعی، به‌ویژه هویت زنانه بوده است. تا پیش از انقلاب اسلامی، تصویر زن در ادبیات غالباً یا کلیشه‌ای بود — چون مادر فداکار یا معشوق محذوف — یا به حاشیه رانده می‌شد. اما ادبیات پایداری، به‌ویژه پس از جنگ، افق جدیدی گشود که در آن، زن از موقعیت حاشیه‌ای خارج شده و به‌عنوان کنشگر روایت‌گر، حافظ حافظه تاریخی و حامل ارزش‌های مقاومت معرفی می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۲: ۴۷).

در آثار شاخص این جریان، زن نه‌تنها موضوع روایت بلکه راوی تجربه است. آثاری چون دا (سیده زهرا حسینی، ۱۳۸۷) و کوچه نقاش‌ها (غضنفری، ۱۳۹۱) روایت‌هایی خودزندگینامه‌گون از زنانی هستند که با صدای خود، تجربه جنگ، ترس، استقامت و ایمان را بازگو می‌کنند. این حضور فعال، نشانه عبور از وضعیت ابژه بودن به سوژه بودن در متن است؛ به‌عبارت دیگر، زن از موضوع روایت به تولیدکننده معنا بدل می‌شود (مقصودی، ۱۳۹۸: ۷۵).

این چرخش گفتمانی را می‌توان در زبان، سبک و ساختار متون نیز مشاهده کرد. ادبیات پایداری زنانه، اغلب با روایتی عاطفی اما متعهد به حقیقت، مرزهای بین فردی و جمعی را درمی‌نوردد. زن در این متون، واسطه‌ای است برای انتقال حقیقت جنگ به نسل‌های بعدی؛ حافظی است از حافظه جمعی مقاومت و ایثار (جعفری‌نژاد، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

حضور پررنگ زنان در قالب مادر شهید، پرستار جبهه، راوی جنگ، امدادگر، خواهر رزمنده یا حتی مبارز مسلح، نشان‌دهنده ظرفیت بیانی وسیعی است که ادبیات پایداری برای بازتعریف زن مسلمان فراهم کرده است (نصراللهی، ۱۴۰۰: ۶۴). نکته مهم دیگر، تنوع در تجربه‌های زنانه در این متون است. ادبیات پایداری، زنان را صرفاً در نقش‌های سنتی نمی‌بیند بلکه به تجربه زیسته‌ی آن‌ها از جنگ، تنهایی، مهاجرت، شهادت، اسارت و حتی تروماهای پساجنگ نیز توجه دارد. این رویکرد باعث شده که ادبیات پایداری زنانه، به ابزاری برای بازیابی هویت زن مسلمان انقلابی تبدیل شود که هم از رنج می‌نویسد و هم از امید، هم از سوگواری می‌گوید و هم از ایمان به پیروزی (صادقی، ۱۳۹۵: ۹۲).

در مجموع، بازنمایی زن در ادبیات پایداری نشان‌دهنده تحولی بنیادین در گفتمان جنسیت در متن‌های روایی ایران پس از انقلاب است؛ تحولی که زن را از حاشیه به مرکز معنا، روایت و حافظه جمعی منتقل کرده است.

ج) نقش‌های متکثر زنان: امدادگر، راوی، مادر رزمنده

در جریان جنگ تحمیلی، نقش زنان به‌عنوان همسر، مادر، خواهر، امدادگر، راوی و حتی رزمنده، به‌طور چشمگیری در ادبیات پایداری به تصویر کشیده شده است. این تنوع در نقش‌ها، بیانگر تحولی در نگرش اجتماعی و فرهنگی نسبت به زنان در زمان جنگ است. از یک‌سو، زنان در متون پایداری صرفاً در نقش‌های سنتی مادرانه یا همسری دیده نمی‌شوند، بلکه نقش‌های جدیدی همچون راوی، امدادگر، و حتی رزمنده به آن‌ها نسبت داده می‌شود که همگی، به‌عنوان الگوهایی از ایثار و فداکاری معرفی می‌شوند (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

✓ امدادگر: نمایی از ایثار و فداکاری یکی از نقش‌های برجسته‌ای که زنان در دوران جنگ تحمیلی ایفا کردند، نقش امدادگران است. زنان امدادگر با حضور خود در جبهه‌های جنگ، نشان دادند که ایثار و فداکاری تنها مختص مردان نیست و می‌توانند نقش‌های عملیاتی و پشتیبانی مهمی را در طول جنگ ایفا کنند. این زنان در کنار انجام وظایف

پزشکی، به یاری رزمندگان می‌پرداختند و بسیاری از آن‌ها با تحمل رنج و مشقت‌های فراوان، جان خود را در مسیر خدمت به هم‌وطنان فدای اهداف بزرگ ملی می‌کردند (محمودی، ۱۳۹۷: ۷۲) در ادبیات پایداری، شخصیت‌هایی چون زینب سلیمانی که به‌عنوان امدادگر در مناطق جنگی خدمت می‌کرد، به‌طور برجسته نمایانگر این نقش هستند. روایت‌هایی همچون داء، به‌طور مشخص نقش زنان امدادگر را با جزئیات خاصی بازنمایی کرده‌اند. در این آثار، زنان نه‌فقط در نقش پزشک یا پرستار بلکه در موقعیت‌های بسیار دشوار جنگی نیز به‌عنوان فردی فداکار و پرتلاش حضور دارند (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۶۳)

✓ **راوی:** زنان در بازگویی تجربه جنگ نقش زنان به‌عنوان راوی جنگ، از دیگر جنبه‌های مهم در ادبیات پایداری است. زنان در این متون، با استفاده از زبان خود، خاطرات و تجربیات خود را از دوران جنگ به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند. این زنان نه‌فقط به‌عنوان شاهدان بی‌طرف، بلکه به‌عنوان افراد دارای افکار، احساسات و تأملات عمیق در مورد جنگ، تروما و مقاومت، به روایت جنگ پرداخته‌اند (زارع، ۱۳۹۶: ۴۹) در اینجا باید به شخصیت‌هایی چون نرگس آبیار اشاره کرد که در کتاب‌هایی مانند نوشته‌های نیکو، به‌طور مؤثر تجربیات زنان جنگی را از منظر روان‌شناختی و اجتماعی به تصویر کشیده است. در واقع، زنان راوی نه‌فقط از خط مقدم جنگ بلکه از زندگی در پشت جبهه، از لحظات انتظار و دل‌شکستگی‌های ناشی از فقدان‌ها نیز سخن می‌گویند. این روایت‌ها، ابزاری هستند برای درک عمیق‌تر جنگ و پیامدهای آن بر جامعه ایرانی (یوسف‌زاده، ۱۳۹۹: ۸۴)

✓ **مادر رزمنده:** قلب تپنده انقلاب مادران رزمندگان، یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های انسانی در دوران دفاع مقدس به شمار می‌روند که در ادبیات پایداری، اغلب به‌عنوان نماد ایثار و فداکاری به تصویر کشیده شده‌اند. این مادران، در کنار وظایف خانوادگی خود، به تربیت فرزندان پرآوازه پرداختند که جان خود را در میدان‌های جنگ گذاشتند. در ادبیات پایداری، مادران نه‌فقط به‌عنوان حامی بلکه به‌عنوان الگویی از استقامت و ایمان، نقش محوری دارند. آن‌ها فرزندان پرورش دادند که در میدان‌های جنگ می‌جنگیدند و یاد مادرانشان را با فداکاری‌هایشان زنده نگه می‌داشتند (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۲۰)

در بسیاری از روایت‌ها، مادران از فقدان‌های بزرگ صحبت می‌کنند و از آنجا که اغلب خود را در نقش‌های ثانویه یا پشتیبانی تصور می‌کردند، احساس می‌کنند که «جایگاه» آنان در تاریخ جنگ باید بازتعریف شود. آثار مختلف مانند کوچه نقاش‌ها و خواب درختان به‌وضوح این نقش را در قالب تصاویر مادرانی که از دست دادن فرزند، در کنار انتظار و دعاها بی‌وقفه را به‌تصویر می‌کشند، بازنمایی می‌کند (کاظمی، ۱۳۹۵: ۳۳)

پیوند میان این نقش‌ها و هویت زنانه:

ترکیب این نقش‌ها در ادبیات پایداری، نشانگر تحولی بنیادین در درک ما از هویت زنانه در دوران جنگ است. زنانی که در این دوران، علاوه بر ایفای نقش‌های سنتی و مادری، نقش‌های رزمنده، امدادگر، و راوی را نیز به عهده می‌گیرند، تصویر جدیدی از زنان مقاوم، فداکار و پرتوان ارائه می‌دهند که فراتر از کلیشه‌ها و محدودیت‌های اجتماعی سنتی قرار دارد (جعفری‌نژاد، ۱۴۰۰: ۴۶). این بازنمایی‌ها نشان‌دهنده تغییر در نگاه جامعه به زن است؛ زنی که هم در جبهه‌های جنگ و هم در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی حضوری فعال دارد و به نوعی، حافظ هویت مقاومت و ایستادگی می‌شود.

د) نقد گفتمان جنسیت در متون مقاومت

ادبیات مقاومت و پایداری در ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی، به بازنمایی فداکاری‌ها و رشادت‌های مردان و زنان در بستر دفاع از میهن پرداخته است. با این حال، نگاه جنسیتی حاکم بر بخش‌هایی از این متون، گاه

در بازتولید کلیشه‌های سنتی نقش‌های زن و مرد عمل کرده و در مواردی نیز از بازنمایی واقعی و چندبعدی تجربه زنانه در جنگ فاصله گرفته است (نصرالله‌پور، ۱۳۹۸: ۷۷)

بازتولید نقش‌های سنتی و جنسیتی بخش عمده‌ای از ادبیات پایداری، زنان را در نقش‌هایی چون مادر شهید، همسر منتظر، یا امدادگر فداکار بازنمایی می‌کند که هرچند نقش‌هایی ارزشمند هستند، اما اغلب از منظر ایثار عاطفی، انفعال و انتظار روایت می‌شوند. در این نگاه، زن بیشتر در نسبت با مرد (رزمنده، شهید، فرمانده) تعریف می‌شود تا به‌عنوان یک سوژه مستقل با عاملیت اجتماعی و فردی. این نوع بازنمایی، هرچند با نیت تجلیل از زنان انجام می‌شود، اما به تداوم نگاه مردانه و یک‌جانبه نسبت به هویت زن دامن می‌زند (معینی، ۱۳۹۶: ۹۲)

به‌عنوان مثال، در آثار خاطره‌نگارانه‌ای چون دا، اگرچه حضور فعال یک زن در خط مقدم جنگ روایت می‌شود، اما همچنان چارچوب کلی اثر به گونه‌ای طراحی شده که زن را در خدمت نقش‌های سنتی و از خودگذشتگی مطلق قرار می‌دهد، نه در جایگاه یک کنشگر تصمیم‌گیر مستقل (سپهری، ۱۴۰۰: ۱۰۲)

غیبت یا کم‌رنگی تجربه زنانه مستقل

یکی دیگر از نقدهای وارد بر گفتمان جنسیت در متون مقاومت، غیبت یا کم‌رنگ بودن روایت‌های زنانه‌ای است که از زاویه‌ای مستقل، جنگ را تجربه کرده‌اند؛ تجربه‌هایی که ممکن است با مفاهیم ترس، تردید، تروما و حتی اعتراض همراه باشد. بسیاری از این متون، تمایل دارند زن را در قالب چهره‌ای آرمانی، مقاوم، مؤمن و مطلقاً مثبت تصویر کنند، و از ارائه چهره‌ای واقع‌گرایانه و چندبعدی پرهیز می‌شود (فروتن، ۱۴۰۲: ۵۶). این نگاه ایدئولوژیک، سبب شده است که تجربه‌های عمیقاً انسانی و متنوع زنان در دوران جنگ، کمتر مجال ظهور یابند.

امکان بازخوانی فمینیستی

از منظر نظریه‌های فمینیستی، بازخوانی متون مقاومت می‌تواند به کشف لایه‌های پنهان قدرت، جنسیت، و بازتولید سلطه مردانه کمک کند. تحلیل‌های فمینیستی بر این نکته تأکید دارند که چگونه گفتمان‌های مقاومت، در کنار بازنمایی فداکاری زنان، هم‌زمان به تداوم ساختارهای پدرسالارانه و نابرابری‌های جنسیتی نیز کمک کرده‌اند (هالیدی، ۲۰۱۷: ۳۳).

به‌طور مثال، در بسیاری از متون، مردان به‌عنوان قهرمانان مبارز و فرماندهان روایت می‌شوند، در حالی که زنان حتی در مقام رزمنده، در چارچوبی اخلاقی و سنتی به تصویر کشیده می‌شوند که بیشتر حامل پیام‌های فرهنگی و اخلاقی هستند تا سوژه‌های اجتماعی با عاملیت سیاسی (طالبی، ۱۳۹۷: ۱۱۹)

ضرورت گفتمانی جدید

برای عبور از محدودیت‌های موجود، نیاز به تولید متونی با زبان و نگاهی نو وجود دارد که زنان را نه صرفاً در نسبت با مردان و نه فقط در قالب نقش‌های از پیش تعیین‌شده، بلکه به‌عنوان انسان‌هایی چندبعدی، دارای تجربه، آگاهی و انتخاب، بازنمایی کند. چنین گفتمانی می‌تواند با خلق روایت‌هایی متنوع‌تر، به تقویت عدالت جنسیتی در حافظه فرهنگی جنگ یاری رساند (کبریایی، ۱۴۰۱: ۶۴)

ه) خوانش تطبیقی با ادبیات مقاومت جهانی

ادبیات مقاومت، در سطوح مختلف فرهنگی و جغرافیایی، بازتاب‌دهنده تلاش انسان‌ها برای ایستادگی در برابر سلطه، جنگ، اشغال، و سرکوب است. در این میان، تجربه زنان از مقاومت در کشورهای چون فلسطین، الجزایر، بوسنی، آفریقای جنوبی و

فرانسه اشغالی، در قالب‌هایی متنوع از خاطره‌نگاری، رمان، شعر و داستان بازتاب یافته و فرصت مناسبی برای تطبیق و سنجش با ادبیات پایداری زنان در ایران فراهم می‌سازد.

عاملیت زنانه در ادبیات مقاومت جهانی

در بسیاری از متون مقاومت جهانی، زنان نه تنها به عنوان قربانی یا پشت‌جبهه، بلکه به مثابه کنشگرانی سیاسی، نظامی و فرهنگی بازنمایی شده‌اند. به عنوان نمونه، در خاطرات گیسل هالیمی از مقاومت الجزایر، زنان مبارزی چون «جمیله بوحیر» نه فقط نقش پشتیبانی، بلکه عاملیت در مبارزه مسلحانه و تصمیم‌سازی دارند. همچنین در رمان‌های اسماعیلا کین در حوزه آفریقای غربی، زنان هم‌زمان بار جنگ، فقر، و هویت را بر دوش می‌کشند، در حالی که گاه در ادبیات ایرانی، این وجوه با نوعی بازنمایی آرمانی و از خودگذشته همراه است (Boisard, 2013: 112).

مرز میان حماسه و واقع‌گرایی

ادبیات مقاومت در ایران، به‌ویژه در حوزه ادبیات زنانه، گرایش به حماسه‌سازی دارد، حال آن‌که در ادبیات جهانی، رویکردهای واقع‌گرایانه‌تر و گاه حتی انتقادی به تجربه جنگ و خشونت دیده می‌شود. به عنوان مثال، در خاطرات زنان بوسنیایی از جنگ دهه ۹۰، مفاهیمی چون ترس، شکست، تجاوز، و خلأهای پساجنگ به صراحت بازگو می‌شود (Zarkov, 2007: 56)؛ در حالی که در خاطره‌نگاری زنانه جنگ ایران، همانند کتاب کوچه نقاش‌ها، تمرکز اصلی بر ایثار، ایمان و مقاومت است و بسیاری از تجربه‌های روانی و جنسیتی زنانه، در حاشیه قرار می‌گیرد.

نسبت جنسیت و ملیت

در ادبیات مقاومت جهانی، عنصر جنسیت اغلب با گفتمان‌های ناسیونالیستی در تنش قرار می‌گیرد. بسیاری از نویسندگان زن در جهان عرب و آفریقا، مانند نجیب محفوظ یا طیب صالح، این تنش را در داستان‌های خود از خلال شخصیت‌های زن بسط داده‌اند. در ایران نیز، این مسئله قابل بررسی است؛ زن ایرانی مقاوم اغلب با هویت دینی-ملی بازنمایی می‌شود، که این بازنمایی هرچند الهام‌بخش است، اما در مواردی امکان تنوع تجربه‌های جنسیتی را کاهش داده است (Ahmadi, 2020: 41).

اشتراکات و تفاوت‌ها

شباهت‌های قابل توجهی در بُعد ایثار، مادری، همبستگی جمعی و خلق حافظه مقاومت در این ادبیات‌ها دیده می‌شود. با این حال، تفاوت اصلی در میزان آزادی روایت، حضور عناصر انتقادی و امکان بازنمایی چندصدایی تجربه زنانه در ادبیات جهانی نسبت به موارد مشابه ایرانی مشهود است. به عنوان نمونه، در ادبیات فلسطینی، آثاری چون طنجاوی‌ها یا نوشته‌های سحر خلف، زن فلسطینی با تردید، ترس، و گاه بی‌اعتمادی به ساختار مردانه مقاومت نیز مواجه می‌شود، در حالی که در ادبیات پایداری ایران، چنین لایه‌هایی کمتر مجال بروز دارند (Kanafani, 1998: 74).

جایگاه زن در ادبیات پایداری ایران

ادبیات پایداری ایران، به‌ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی و در دوران هشت سال دفاع مقدس، بستری مؤثر برای بازنمایی نقش‌های چندگانه زنان در بستر جنگ فراهم ساخت. در این ادبیات، زن از حاشیه‌نشینی در متون مردسالارانه کلاسیک به مرکز گفتمان پایداری منتقل می‌شود و با ایفای نقش‌هایی متنوع، به سوژه‌ای فعال، مؤثر و چندبُعدی تبدیل می‌شود.

(۱) زن به مثابه حامی و پشتیبان جبهه

در بسیاری از متون خاطره‌نگاری و روایت‌های جنگ، زن در مقام مادر، همسر، خواهر یا دختر رزمنده، با نقش‌های حمایتی تصویر می‌شود. او در این بازنمایی، نه تنها نقش سنتی خود را حفظ می‌کند، بلکه با پشتیبانی لجستیکی، فرهنگی و عاطفی از جبهه‌ها، در تولید گفتمان مقاومت مشارکت می‌ورزد.

به عنوان مثال، در کتاب خاطرات دا نوشته‌ی زهرا حسینی، نقش مادر در تربیت فرزندان رزمنده، حضور در خط مقدم و تاب‌آوری در برابر شهادت عزیزان، بازتابی از این وجه پشتیبانی زن است (حسینی، ۱۳۸۷). همچنین در کتاب من زنده‌ام نوشته معصومه آباد، مادران و همسران اسیران جنگی نه فقط رنج را تحمل می‌کنند، بلکه راویان زنده‌ی مظلومیت و پایداری نیز هستند (آباد، ۱۳۹۲).

۲ زن به عنوان کنشگر مستقیم و داوطلب

یکی از ویژگی‌های برجسته ادبیات پایداری ایران، تصویر زنانی است که به صورت داوطلبانه در مناطق جنگی حاضر شده، مسئولیت‌های امدادی، پرستاری، فرهنگی و گاه حتی اطلاعاتی برعهده گرفته‌اند. این تصویر، زنان را از مقام صرفاً عاطفی، به عاملی فعال در عرصه‌های خطرناک و تصمیم‌گیر ارتقا می‌دهد.

کتاب‌هایی چون گلستان یازدهم درباره همسر شهید علی چیت‌سازیان، و رسول مولتان که روایت‌گر تلاش‌های امدادگران زن در جبهه‌هاست، نمونه‌هایی بارز از بازنمایی زنان در خطوط مقدم هستند. این روایت‌ها از نظر گفتمانی، شکاف میان فضای سنتی خانه و میدان جنگ را پر کرده و زن را در مرزهای جدیدی از هویت تعریف می‌کنند (میرصادقی، ۱۳۹۳).

۳ زن در مقام راوی و حافظه‌ساز جنگ

با گسترش خاطره‌نویسی زنان پس از دهه ۸۰ شمسی، ادبیات پایداری زنانه، تبدیل به ابزاری برای ساخت حافظه جمعی از منظر زنانه شده است. این متون، نه فقط وقایع، بلکه تجربه زیسته زنان از جنگ، ترس، فراق، امید و مقاومت را ثبت می‌کنند. به طور خاص، کتاب‌هایی چون کوچه نقاش‌ها نوشته‌ی زهرا ناهیدی و لانه جاسوسی نوشته فاطمه صادقی، نمونه‌هایی از روایت‌های زنانه‌ای هستند که با زبانی صمیمی اما دقیق، تاریخ جنگ را از زاویه‌ای کمتر دیده‌شده بازگو می‌کنند (ناهیدی، ۱۳۹۰؛ صادقی، ۱۳۸۴). این متون باعث شکل‌گیری نوعی «خاطره‌نگاری زنانه» شده‌اند که در آن، زن نه تنها راوی جنگ، بلکه سازنده هویت پساجنگ نیز هست.

۴ زن در شعر و ادبیات داستانی مقاومت

در حوزه شعر پایداری، شاعرانی چون سپیده کاشانی، طاهره صفارزاده، و الهه حسینی، با بهره‌گیری از زبان حماسی-عاطفی، چهره‌هایی نمادین از زن مقاوم خلق کرده‌اند. در داستان نیز، نویسندگانی مانند ناهید پارسا و فریبا وفی، با پرداختن به نقش‌های متکثر زنان در دوران جنگ، به ابعاد عمیق‌تری از روان و تجربه زنانه نزدیک شده‌اند.

در داستان کوتاه بعد از ظهر آخر پاییز اثر فرخنده آقایی، زن جنگ‌زده‌ای را می‌بینیم که در فضای شهری پساجنگ، با خاطره فرزند شهیدش زندگی می‌کند. این روایت‌ها، زن را در تلاقی میان سوگ، معنا و بازسازی، تصویر می‌کنند.

۵ زن به عنوان عامل پایداری فرهنگی و ارزشی

ادبیات پایداری همچنین زن را به عنوان منتقل‌کننده و حافظ ارزش‌های دینی، انقلابی و ملی معرفی می‌کند. نقش زن در تربیت نسل مؤمن، در آموزش سبک زندگی اسلامی-انقلابی، و در مقاومت نرم فرهنگی، بخش مهمی از روایت‌های مستند و داستانی را به خود اختصاص داده است.

در مجموع، جایگاه زن در ادبیات پایداری ایران، جایگاهی پویا و متکثر است که از مرزهای کلیشه‌ای نقش‌های جنسیتی عبور کرده و امکان‌های جدیدی از روایت و سوژه‌مندی را برای زنان فراهم کرده است. البته همچنان چالش‌هایی در بازنمایی تجربه‌های انتقادی، متکثر و غیرآرمانی زنانه در این حوزه باقی است.

نتیجه‌گیری :

ادبیات پایداری در ایران، به‌مثابه بازتابی از تجربه جمعی ملت در مواجهه با جنگ تحمیلی و تحولات اجتماعی پس از انقلاب، بستری بی‌بدیل برای مطالعه گفتمان‌های هویتی و جنسیتی فراهم کرده است. بازخوانی این ادبیات با تمرکز بر بازنمایی زنان، نشان می‌دهد که در بطن گفتمان انقلاب و دفاع مقدس، زن ایرانی از حاشیه‌نشینی تاریخی فاصله گرفته و در جایگاهی فعال و چندلایه قرار می‌گیرد؛ جایگاهی که در آن، زن نه تنها مادر یا همسر شهید، بلکه راوی، رزمنده، امدادگر، مربی و حافظ ارزش‌های مقاومت است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بازنمایی زنان در ادبیات پایداری ایران از دو منظر قابل تحلیل است: نخست، از منظر تثبیت نقش‌های سنتی در قالبی جدید و متعالی که به زن شأنی قدسی و فداکارانه می‌بخشد؛ و دوم، از منظر بازتعریف نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان در دل گفتمان مقاومت، که آنان را به بازیگران مؤثر در عرصه ملی و فراملی بدل می‌کند. این تحولات با متونی چون دا، گلستان یازدهم، پری‌چهره و من زنده‌ام قابل ردیابی است؛ متونی که زنان در آن‌ها از «بژه روایت» به «سوژه روایتگر» تبدیل می‌شوند. در خوانش تطبیقی با ادبیات مقاومت جهانی—به‌ویژه نمونه‌های فلسطینی، آفریقایی و آمریکای لاتین—درمی‌یابیم که وجه مشترک در این متون، مقاومت در برابر استعمار، اشغال و سلطه است؛ اما آن‌چه ادبیات پایداری ایران را متمایز می‌کند، هم‌نشینی مقاومت با امر قدسی، و اتصال آن به هویتی دینی-ملی است که بازنمایی زن را در قالب مفاهیم شهادت، ایثار، و رسالت تاریخی-الهی معنا می‌کند. در عین حال، نقد گفتمان جنسیت در این متون نشان می‌دهد که هرچند گام‌های مهمی در جهت مرکزیت‌بخشی به زنان برداشته شده، اما همچنان برخی کلیشه‌ها و چارچوب‌های تثبیت‌شده جنسیتی در بخش‌هایی از این متون تکرار شده‌اند. بدین معنا که زن پایداری، اگرچه فعال و ایثارگر است، اما عمدتاً در چارچوب «مادرانه»، «عفیانه» و «وفادارانه» تصویر می‌شود، و کمتر به سوی استقلال‌کنشگری مدنی و روایت تجربه زیسته از منظر زنانه پیش می‌رود. در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد که ادبیات پایداری ایران ظرفیتی عظیم برای بازتعریف هویت زن ایرانی در بستر مقاومت دارد؛ ظرفیتی که در تعامل با تحولات فرهنگی و گفتمان‌های جهانی می‌تواند در جهت تقویت عدالت جنسیتی و تولید روایت‌های بدیل زنانه توسعه یابد. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی، تمرکز بیشتری بر روایت‌های زنانه مستقل، تجربه‌های حاشیه‌ای، و ادبیات شفاهی زنان در دوران جنگ صورت گیرد تا تصویر جامع‌تری از زن در بستر مقاومت ترسیم گردد.

منابع

۱. آوینی، سید مرتضی. حلزون‌های خانه به دوش. تهران: واحة، ۱۳۸۳.
۲. بلاغی، حمید. ادبیات مقاومت؛ مفاهیم و گونه‌شناسی. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۵.
۳. پاک‌نیا، فاطمه. «تحلیل گفتمان زن در ادبیات پایداری». پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۱۷، شماره ۲، ۱۴۰۱.
۴. پورجعفری، محمدرضا. جلوه‌های زن در ادبیات جنگ ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.
۵. حسینی، زهرا. دا. تدوین سیده اعظم حسینی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۸.
۶. درویشیان، علی‌اشرف. روایت‌های زنانه از جنگ. تهران: نگاه، ۱۳۹۲.
۷. رضایی، علی. «مطالعه تطبیقی ادبیات پایداری ایران و فلسطین». مطالعات ادبی تطبیقی، سال ۴، شماره ۱، ۱۴۰۰.
۸. سلطانی، معصومه. «نقش زنان در خاطره‌نگاری دفاع مقدس». زن در توسعه و سیاست، سال ۱۹، شماره ۳، ۱۴۰۱.
۹. شایگان‌فر، زهرا. ادبیات پایداری و جایگاه زن در آن. تهران: فلات، ۱۳۹۸.
۱۰. کریمی، پروانه. «بازنمایی زن در متون داستانی دفاع مقدس». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۶، شماره ۴، ۱۴۰۰.
۱۱. ملکی‌تبار، ناهید. «تحلیل گفتمان جنسیتی در روایت‌های زنانه جنگ». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال ۲۵، شماره ۲، ۱۴۰۰.
۱۲. موسوی، منصوره. زنان و جنگ؛ بازنمایی در رمان دفاع مقدس. تهران: سمت، ۱۳۹۵.

منابع:

1. Al-Ali, N. S. (2009). *Women and War in the Middle East: Transnational Perspectives*. Zed Books.
2. Avini, S. M. (2004). *Snails of the House on the Move*. Tehran: Vāheh. (In Persian)
3. Balaghi, H. (2016). *Resistance literature: Concepts and typology*. Tehran: Sooreh Mehr. (In Persian)
4. Cooke, M. (1996). *Women and the War Story*. University of California Press.
5. Darvishian, Ali-Ashraf. (2013). *Feminine narratives of war*. Tehran: Negah. (In Persian)
6. Elshtain, J. B. (1995). *Women and War*. University of Chicago Press.
7. Hosseini, Z. (2009). Da. Editorial by Seyedeh Zahra Hosseini. Tehran: Sooreh Mehr. (In Persian)
8. Karimi, P. (2021). Representation of women in wartime narrative. *Culture Studies & Communications*, 16(4), (In Persian)
9. Malekitabar, Nahid. (2021). Gender-discourse analysis in women's war narratives. *Journal of Social Sciences Research*, 25(2). (In Persian)
10. Mosavi, Mansoureh. (2016). *Women and war: representation in the defense novel*. Tehran: Samt. (In Persian)
11. Nikro, N. S. (2012). *The Fragmenting Force of Memory: Self, Literary Style, and Civil War in Lebanon*. Cambridge Scholars Publishing.
12. Paknia, Fatemeh. (2022). "Discourse analysis of women in resilience literature." *Literary Criticism and Eloquence Journal*, 17(2). (In Persian)
13. Pourjafari, Mohammadreza. (2015). *Women's manifestations in Iran's war literature*. Culture and Thought Research Institute. (In Persian)
14. Rezaei, Ali. (2021). A comparative study of Iranian and Palestinian resilience literature. *Comparative Literary Studies*, 4(1). (In Persian)
15. Shayeganfar, Z. (2019). *Resilience literature and women's place within it*. Tehran: Falah. (In Persian)
16. Soltani, M. (2022). The role of women in memoirs of defense: A feminist perspective. *Women in Development and Politics*, 19(3), 1401. (In Persian)
17. Suleiman, Y. (2006). *Literature and War in the Middle East*. I.B. Tauris.